

اسوۂ رسول ﷺ

و

کاریکاتورها

خطبات

حضرت میرزا مسرور احمد

امام جماعت احمدیہ جهانی

خليفة المسيح الخامس ايدہ اللہ تعالیٰ بنصر العزیز

اسوۂ رسول  
صلی اللہ  
علیہ  
وسلم

و کاریکاتورھا

The Blessed Model of the Holy Prophet  
Muhammad and the Caricatures.

Translated from Urdu into Persian by:  
Syed Ashiq Hussain

First printed in UK in 2008

© Islam International Publications Ltd.

Published by:

Islam International Publications Ltd  
'Islamabad'  
Sheephatch Lane  
Tilford, Surrey GU10 2AQ, UK.

Printed in UK at:

ISBN: 1 85372 970 1

## پیشگفتار

نبرد حق و باطل و نور و ظلمت همان از بدایت در جریان است. اما طبق سنت خداوند متعال پیروزی همواره حق و نور را دست میدهد. بعضیها را عادت بوده است که برای شهرت جویی که در واقع فرآورده تکبر است به رسولان خدا هم چشم میشده اند اما عاقبت ناامید و زیانکار شدند. درباره اسلام و در شان فخرکائنات سیدنا حضرت محمد مصطفی ﷺ افرادی به نوع نوع روش گستاخانه پیش گرفتند و طبق سنت الله کام دلشان همواره ناکامی بود. اخیراً هم بعضیها به بهانه آزادی بیان و آزادی مطبوعات بر اسلام و آنحضرت ﷺ کین برده و با احتمال اغلب بجهت گسترش تنفر بر علیه عالم اسلام کاری کاتورها بیهوده در کتبی متفرق و روزنامه ها نشر کرده اند. در نتیجه در نهاد های اسلامی مختلف و کشورهای اسلامی واکنش شدیدی ابراز کرده شد و به نشانه اظهار خشم آتش زدگیها و خرابکاریها صورت گرفت.

جماعت احمدیه را اهداف حیاتی اینست که بفضل و کرم خدایتعالی تعلیمات راستین بر عرصه گیتی ترویج کرده شود. نظر به این واکنش جماعت احمدیه هنگام اینگونه رویدادها بجای آتش زدن و خرابکاری به ایرادهای ایرادگیرندگان پاسخی رضایت بخش داده و بدینوسیله کوشش به رساندن

پیغام حقیقی و راستین اسلام به دنیا انجام داده شود۔ چنانکه این رویدادها تازه را امام جماعت احمدیه حضرت میرزا مسرور احمد خلیفة المسیح الخامس ایدہ اللہ تعالیٰ ضمن آن خطبات جمعه خود که ۱۰ فوریه، ۱۷ فوریه، ۲۴ فوریه، ۳ مارس و ۱۰ مارس را در مسجد بیت الفتوح لندن، ایراد فرمودند، موضوع مبحثی سیر حاصل قرار داده فرمودند که واکنش یکی مومن واقعی روبرو با این شرایط چگونه ی باید باشد و با چگونه روش باید برخورد نمود۔

بایستی احباب نه تنها خود این فرموده های را مورد مطالعه قرار دهند بلکه به آشنایان خود هم برای مطالعه پیشنهاد نمایند تا آنها نیز به تعلیم قشنگ اسلام آگاه شوند۔ برای این مقصود این سخنان فرموده آمده بصورت ترجمه زبان های متفرق چاپ کرده خواهد شد۔

ترجمه بفارسی زبان سید عاشق حسین انجام داد که قابل تقدیر است۔

خاکسار

منیرالدین شمس

ادیسنال وکیل التصنیف

۲۲ ماه مه ۲۰۰۸

# فهرست مطالب

III	پیشگفتار
V	فهرست مطالب
۱	خطبه جمعه ۱۰ فوریه ۲۰۰۶
	واکنش عالم اسلام بر علیه نشر کاریکاتورهای شنیع
۳	دردانماک و کشورهای اروپائی
۵	نظرات دادوستان
	واکنش اشتباهی برخی از رهبران مسلمانان به اغیار
۷	فرصت رسوا کردن اسلام بدست داد-
۱۰	احمدی و طریق واکنش
	دفاع از اسلام و آنحضرت ﷺ در مقابل دسایس
۱۱	برای مسیح موعود قرار بود
۱۴	اسوه آنحضرت ﷺ به دنیا ارائه دهید
۱۸	اقدامات فوری جماعت احمدیه در مقابل چاپ کاریکاتورها
۲۱	احمدیان جوانسال باید شغل روزنامه نگاری برگزینند

سوزاندن پرچمها یا از تخریبکاری عزت و احترام

۲۳

آنحضرت ﷺ نتوان برقرار شد

رنج خود را در ادعیه قالب کرده و بفرستادن درود فراوان

۲۴

به آنحضرت ﷺ عادت کنید

۲۷

**خطبه جمعه - ۱۷ فوریه ۲۰۰۶**

بازی کردن با احساسات دیگران نه دموکراسی است

۲۹

و نه آزادی وجدان هم -

حرکاتی توهین آمیز نسبت به آنحضرت ﷺ

۳۰

باعث برانگیختن غضب الهی است

۳۱

واکنش احمدی محاذی این اوضاع

بازشناسی شأن و شوکت اسلام و تقدس آنحضرت ﷺ

۳۲

بواسطه جماعت مسیح موعود و مهدی قرارداد

نزول مسیح را مطلب حقیقی - برخی از کارهای مسیح و مهدی

۳۳

و بعضی از دلایل بصدقت او

۳۵

مراد از توزیع گنجها بدست مسیح موعود

۳۶

تشریح کسر صلیب و قتل خوک

۳۹

ظهور مسیح از خود امت مسلمه قرارداد داشت

## VII

مسیح و مهدی دو نام از آن یکی وجود است

- ۴۱ مسیح موعود جنگ های دینی را متوقف نماید  
سوگند حضرت مسیح موعود علیه السلام که ایشان  
۴۲ از جانب خدای است  
۴۵ شهادت آسمانی در حق حضرت مسیح موعود علیه السلام  
وعدۀ است از خدایتعالی که او محبت مسیح موعود را در قلوب  
۴۹ جاداده و فرقه ایشان را بر همه فرق برتر نماید

### خطبۀ جمعه ۲۴ فوریه ۲۰۰۶

- ۵۳ معیار دوریۀ کشورها و روزنامه های غربی  
۵۶ زیونی مسلمانان نهایت بیمناک است  
علت اصلی پراکندگی و ضعف در مسلمانان نافرمانی  
۵۹ از آنحضرت ﷺ و انکار از مسیح و مهدی است  
۶۱ طریق اصلی دعا و حصول برکات  
۷۱ پیروزیها فقط و فقط بواسطۀ دعا امکان دارد  
برای بازیافت عظمت از دست رفته اسلام ضروریست  
۷۳ که کوشش با شرکت در جماعت مسیح موعود انجام داده شود

- ۷۷ خطبۀ جمعه ۳ مارس ۲۰۰۶
- انتشار خبر دروغین و بی اساس در روزنامه جنگ
- ۷۹ نسبت به جماعت فقط شرارت و شرانگیزیست  
من به نشرکننده این خبر فقط اینقدر میگویم که
- ۸۳ این سراسر دروغ است و لعنت الله علی الکاذبین  
مساعی و واکنش جماعت احمدیه
- ۸۴ در مقابل فتنه کاریکاتورها
- ۸۶ عشق مسیح موعود علیه السلام با آنحضور ﷺ  
دل کشورهای اسلامی دستخوش نیرنگ ملاحای غرضران
- ۸۸ و دیگر عاملان نشوند
- ۹۰ مجمل تعلیمات حضرت مسیح موعود علیه السلام  
رتبه عظیم الشان آنحضرت ﷺ
- ۹۴ در نگاه حضرت مسیح موعود علیه السلام
- ۹۷ حقیقت جهاد با شمشیر
- درباره این خبر دروغین و طوطئه چینی سهمناک بر علیه جماعت
- ۱۰۰ اقدام به بازجویی کامل نموده میشود تا مقاصد اصلی آشکار آیند۔

- خطبهٔ جمعه ۱۰ مارس ۲۰۰۶
- ۱۰۳ کردار بعضی از گروه های مسلمانان متضاد با اسلام برای
- ۱۰۵ غیر مسلمانان به حمله آوردن بر اسلام ممد و معاون قرار میگیرد
- ۱۰۶ تعلیم زبیدهٔ اسلام به جهت حسن سلوک با غیر مسلمانان  
اسوهٔ عظیم الشان آنحضور ﷺ در مقابل
- ۱۰۷ تجاوزگرهای کفار مکه و دشمنان اسلام  
اسلام نه بزور شمشیر بلکه با حسن اخلاق و
- ۱۱۰ تعلیم آزادی وجدان و دین در اسلام گسترش یافت  
نمونهٔ بیمثل آنحضرت ﷺ برای برقراری
- ۱۲۰ آقدار انسانی و رواداری مذهبی



## خطبه جمعه

فرموده ۱۰ فوریه ۲۰۰۶ - مسجد بیت الفتوح - لندن - بریتانیا

☀️ اسوه مهر و محبت و رحمت آنحضرت ﷺ بهمه دنیا باید گفت - پهلو های سیره آنحضرت ﷺ در هر سرزمینی متمایز نموده و کردار خود را باید تنظیم کرد -

☀️ چاپ کاری کاتوره های نهایت شنیع و توهین آمیز و تهییج کننده احساسات مسلمانان و ذکر از واکنش جماعت احمدیه در چهار چوب تعلیمات اسلام و تأثیر مثبت آن -

☀️ از اینگونه حرکات، بغض و تعصب اینها را نسبت به اسلام اظهار میشود دل چرکینی این ناپاک دلان و دوری از خدا دیده میشود -

☀️ سوزاندن پرچمها، اعتصاب، تخریبکاری یا آشوبگری طریقی صواب برای پروتست نیست -

☀️ ماروشهای خود را فراخور ارزشها و تعلیمات اسلامی باید قالب کنیم - واکنش ماهمواره بطوری باید باشد که اسوه آنحضرت ﷺ بویژه روشن گردد -

☀️ تشویق به احمدییان برای برگزیدن شغل روزنامه نگاری -



أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ، وَرَسُولُهُ، - أَمَا بَعْدُ فَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ -

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ -

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ - الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ -  
إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ - اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ - صِرَاطَ  
الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ -

(سورة الانبياء - آیت ۱۰۸)

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ -

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا  
عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا - إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ  
فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا - (سورة الاحزاب - آيات ۵۷-۵۸)

واکنش عالم اسلام درمقابل چاپ کاریکاتورهای شنیع  
در دانمارک و کشورهای اروپایی -

امروزها چاپ کاریکاتورهای نهایت شنیع و موجب تهیج احساسات  
مسلمانان در روزنامه های دانمارکی و برخی از کشورهای اروپایی به هتک  
آنحضرت ﷺ موج اندوه و خشم در سراسر عالم اسلام بردویده و از هر  
مسلمان ابراز واکنش میشود - باری طبعاً واکنش باید ابراز میشد و پیدا

است احمدی نیز که در عشق و محبت آنحضرت ﷺ فزونتر از دیگران است چه بواسطه حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام فهم و ادراک او بمقام خاتم الانبیاء محمد مصطفی ﷺ در مقایسه به دیگران بسیار بالا است، بعضیها نامه های نوشته و با ابراز اندوه و خشم خود اظهار نظر میکنند که باریختن طرح برنامه ای ادامه دار به دنیا باید گفت که آن پیغمبر معظم را چه شأن و الایست - البته در این مورد جماعتها هر جائیکه کارگر اند کار انجام میدهند - اما بطوریکه ما میدانیم واکنش ما با اعتصابات و آتش زدن انجام نمیگیرد و نه این اعتصابات، تخریبکاری و سوزاندن پرچمها معالجه این عارضه است -

در این عصر هم مذهب یون دیگر ادیان و هم جهان غرب بر اسلام و بنیانگذار اسلام هجوم آورده اند - در حال حاضر غرب را باین هیچ علاقه نیست - اکثریت آنها در لهو و لعب دنیا فرورفته اند - در آن آنقدر گیر افتاده اند که دینشان اعم از اسلام است یا مسیحیت یا دیگر گزینه خود که به آن متمسک اند، آنها را هرگز پروای نیست - آنها از آن بکلی بیعلاقه شده اند - در میان اکثریت تقدس دین مفقود است - بلکه اخیراً خبری شاید از فرانسه حاکی ازین بود که ما حق داریم اگر بخواهیم نعوذ بالله کاریکاتور خدا نیز میسازیم - پس حالشان اینگونه شده است - اکنون دقت شود دست به کار قبیحی که این مبتکران کاریکاتورها زده و با افکاری که اینها برخوردارند و واکنشی که در جهان اسلامی ابراز شد در این مورد بسیار نویسندهگان از

میانشان نوشته اند که این واکنش معارضه فرهنگ اسلامی و سیکولردمو کراسی جوامع غربی است. حالانکه این حرکت هیچ بستگی باجنبه معاشرتی ندارد. اکنون به طوریکه گفتم اکثریت آنها حواس باخته و بنام آزادی بیحیایها انجام داده میشود. حیات تقریباً تعطیل کرده است.

## نظرات داددوستان

البته در این مورد نیز برخی از نویسندگان اشراف یا داددوست از میان خود آنها این نظریه را تغلط قرار داده اند که این واکنش را نام معارضه اسلام و سیکولر دموکراسی غرب داده شود. گفتم یکی مقاله نگار خود از انگلستان رابرت فسک (Robert Fisk) داددوستی را بحد متکافی بکار گرفته نوشته است، یکی شهروند دانمارک نوشته بود که این معارضه فرهنگ اسلامی و سیکولر دموکراسی غربی است. در این مورد ایشان نوشت که این سراپا تغلط است. این هرگز معارضه دو فرهنگ یا سیکولر ازم با یکدیگر نیست. ایشان مینویسد، این مسئله آزادی بیان هم نیست. مسئله فقط اینست که بعقیده مسلمانان خدا تعلیمات خود یگراست بر پیغمبر نازل کرد. ایشان بر زمین سخنگوی خدا است. در حالیکه اینها (مسیحیان) میدانند (اینک توجه شود که نویسنده مسیحی است) که انبیاء و اولیاء، تعلیمات ایشان بعلمت عدم توافق با تصور جدید حقوق و آزادیهای بشر در تیرگی مه غلیظ گم گشته است. مسلمانان دین را جزء لاینفک حیات خود می شناسند و این افکارشان با وجود تغییرات و اسفار قرن‌ها برقرار است. بعکس

ما عملاً دین را از حیات جدا ساخته ایم. برای اینست که ما اکنون صحبت از مسیحیت به مقابله اسلام به میان نمی‌آریم بلکه صحبت از فرهنگ غرب به مقابله اسلام میکنیم و بر این بنا اینهم میخواهیم چون ما میتوانیم پیغمبران خود یا تعلیمات ایشان را به باد سخریه بگیریم آخر ادیان دیگری را چرانه؟

باز می‌افزاید، آیا این روش اینقدر بی‌ساخته است؟ می‌گوید، در خاطر من است ده و دوازده سال پیش فلمی بنام Last Temptation of Christ پخش شده بود در چه بعلت نشان دادن حضرت مسیح را با زنی در حالت اعتراض آمیز سرو صدا بلند شده بود و در پاریس یکی از فرط جوشش سینما را به آتش کشید. فردی جوانساله فرانسوی بقتل نیز رسیده بود. اینهمه را چه معنی است؟ از سوی یک بعضیها از خود ما نیز توهین به احساسات مذهبی را تحمل نمیکنیم اما بعکس اینهم انتظار داریم که مسلمانان بر اشاعت کاری کاتوره‌های ساخته از روی ذوق پستی به احترام آزادی بیان صبر و تحمل را بکار گیرند. مگر این روش صواب است؟ وقتی رهبران غربی میگویند که ما نمیتوانیم آزادی مطبوعات را قدق کنیم خنده ام میگیرد. ایشان می‌افزاید، اگر در کاریکاتورهای مورد منازعه در جای پیغمبر اسلام کلاه بانقشه بمرسور ربی (Rabbi) یهودی نمایش داده میشد شور و مشغله براه میافتاد که ازین بوی اینتی سیمیتیزم (Anti Semitism) یعنی بوی مخالفت با یهودیان به مشام میرسد و به یهودیان دل آزاری مذهبی کرده میشود. اگر

چنانچه مسئله فقط احترام آزادی بیان است دیگر چرا در فرانسه، آلمان یا اتریش اظهار این امر که در حین جنگ جهانی دوم نسل‌کشی یهودیان واقع نشده بود رسماً جرم است؟ اگر اشاعت این کاریکاتورها باعث دل‌داری آن مسلمانان میشد که طرفداران اصلاحات دینی و میانه روی و دوست دار پهناوری مبحث‌های روشن فکری هستند آنگاه برای عده‌ی بسیار کم مورد خرده‌گیری قرار میگرفت. اما بواسطه این کاریکاتورها به دادن چه پیغامی کوشش شده است مگر اینکه اسلام دینی متشدد است؟ این کاریکاتورها بجز گستراندن غلیان به چهار سوی جهان چه کاری مثبت انجام داد؟

(روزنامه جنگ لندن - ۷ فوریه ۲۰۰۶ - صفحه ۱-۳)

البته روشی چند از مسلمانان نیز سهیم است که به انجام این حرکت فرصت مهیا کرد. اما در میان اینها اشراف نیز هستند که به بیان حقایق وارد هستند.

واکنش اشتباهی از برخی از رهبران مسلمانان اغیار را فرصت به رسوا کردن اسلام بدست می‌آید.

من گزارش‌های از سایر کشورهای پیرامون میزان واکنش که در آنجاها صورت گرفت و در مورد اظهار نظر هم از مسلمانان و هم از سوی مقامات دول آن کشورهای اروپایی و نمایندگان روزنامه‌ها خواسته‌ام. شمار کثیری از افراد در میان اقدام روزنامه‌ها را مردود شمرده‌اند. اما در هر

صورت بطوریکه گفتم گاه بگاه اینگونه پرت و پلاگفته میشود از آنچه دل چرکینی این چرکین اذهان و دوری از خدا دیده میشود. در باره اسلام جنبه بغض و عناد هویدا میگردد. اما اینجامن خواهم گفت که بدبختانه ناشی از واکنشی ناصواب از طرف برخی از رهبران مسلمانان بدست افرادی امثال اینها فرصتی به رسوا کردن اسلام فراهم میآورد. همین عوامل اندکه بر پایه آنها این گروه انتفاع سیاسی نیز میجویند. بعلاوه در طی معمول زندگی نیز آنهائیکه خود را مسلمان مینخوانند روشی را دنبال میکنند که دول این کشورها بستوه میآیند. مثلاً کار نکردن، بیشتر اوقات خانه نشین از امکانات دولتی استمداد کردن یا انجام دادن کارهای غیر مجاز یا کارشکنی کردن بعنوان عدم پرداخت مالیات و خلاف کارهای غیر دیگر. پس اینگونه فرصت مسلمانان خود فراهم میآورد و این ملل هوشمند ازین عوامل بهره برداری میکنند.

گاهی هم از اینها ظلم میشود و هم بعلت واکنش اشتباهی مسلمانان خود را مظلوم اعلام کرده و مسلمانان را ستمکار میگردانند. یحتمل که تعداد زیادی از مسلمانان این کردار زد و خورد را دوست نداشته باشند اما مقامات رهبری یا عده چند از آشوبگران رسواگر رسوایی میآورند.

اکنون مثلاً گزارشی است از دانمارک که بعدها چه شد. عکس العمل شهروندان دانمارک اینست که پس از معذرت جویی مدیریت روزنامه مسلمانان این معذرت را پذیرا شوند و این منازعه را با مسالمت آمیزی

پایان دهند تا تعلیمات اصلی اسلام بدیشان برسد و از آشوب حفظ شوند. بعلاوه برنامه های تلویژنی پخش شده و حاکی از اینست که خوردسالان آنجا با رویت واکنش برعلیه دانمارکیها که پرچم ملی آنها سوزانده و سفارتخانه هایشان به آتش کشانده میشود بسیار بیمناک و سهمناک شده اند. آنها احساس میکنندگویی خطر جنگ است و آنها به مرگ تهدید کرده میشوند. اکنون هم عامه مردم و هم سیاستمداران رسیدگی کرده اینکار را مردود شمرده و عکس العملی نیز ابراز شده است که در ازاء این دل آزاری مسلمانان مسجد بزرگی بنا کرده بدستشان بسپاریم که هزینه آنهم شرکت های کشوری پرداخت کنند و این پیشنهاد را شهردار کل کوپن هینگن نیز موردستایش قرار داده است. بعلاوه اکثریت مسلمانان نیز بطوریکه گفتم میگویند که معذرت باید پذیرفته شود. ولی یکی رهبرشان که نمایندگی بیست وهفت حزب را بعهدہ دارد طی بیانیہ ها میگوید هرچند مدیریت روزنامه معذرت تسلیم نموده است بازهم روبروی ما آمده عذر خواهی کند و بعدها ما کشورهای اسلامی رفته و گوئیم که اکنون جنب و جوش را خاتمه دهند. مساعی اینها بعکس برداری اسلام بطرز شگفت آور و بجای مسالمت آمیزی تمایلشان به آشوبگری است. جماعت احمدیہ را با این آشوبگریها هیچ ربطی نیست ولی به مراکزمانیز تلفونها میآیند و از برخی مخالفان نامه های تهدید آمیز دریافت

میشود که ما اینطور و آنطور خواهیم کرد۔ پس خدایتعالی مساجد جماعت را هر جا باشند از شرشان حفظ نماید۔

البته در قبال واکنشی نادرست عکس العمل متقابل نیز بمثل خواهد بود۔ بطوریکه گفتم چون آنها بر روش خود عذر خواهی کرده اند سپس گاهی که واکنش مسلمانان روبرو میآید آنها با وجود ستمکار بودن، چه بحال ظلم کردند، قدم اشتباهی برداشتند، مظلوم درمیآیند۔ اکنون نگاه کنید آنها در دانمارک عذر خواهی کردند و رهبران مسلمانان موانع ایجاد میکنند۔ پس مسلمانان نیز اندک بعقل خود رجوع کرده و طریق اظهار واکنش را باید عوض کنند۔

### احمدی و طریق واکنش

بطوریکه گفتم شاید بلکه حتماً ازین حرکت بیش از همه قلوب ما جریح دار اند۔ اما طریق واکنش ما جداگانه است۔ در اینجا ناگفته نماند یحتمل که اینها مانا به همیشه گاه بگاه اینگونه پرت و پلا در آتیه نیز گویند۔ یکی از یکی کاری کنند از آنچه مسلمانان را دلآزاری تازه شود۔ ممکن است پشت پرده این مقصود پنهان باشد که رسماً ورود مسلمانان بویژه آسیا تبار از شبه قاره هند و پاک ممنوع اعلام کنند۔ یکی قطع نظر از اینکه شرایط اعلام میکنند یا خیر ما کردار خود را باید در چهار چوب اقدار تعلیم اسلام تنظیم کنیم۔

آنطور که گفته بودم جریان دسایس بر علیه اسلام و آنحضرت ﷺ از بدایت ادامه دارد. اما چون از جانب خدایتعالی حفظ و حراست با وعده قرار است بنابراین همیشه حفظ و حراست از او کرده میآید. همه تلاش های خصیم هدر می رود.

## دفاع اسلام و آنحضرت ﷺ در مقابل دسایس برای مسیح موعود قرار بود.

در عصر حاضر او حضرت مسیح موعود علیه السلام را برای این مقاصد مبعوث فرموده و حملاتی که بر ذات آنحضرت ﷺ آورده شد و آنگونه که حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام و پس از ایشان خلفای ایشان بر تعلیمات ایشان عمل کنان جماعت را رهبری کردند و واکنش را اظهار کردند و سپس حاصل آن مبادرات را یک و دومثل پیش میآرم تا بر آنها که بر احمدیان تهمت میبندند که اعراض از اعتصابات و با عدم بودی خود در میان آنها به اثبات میرسانیم که ما را در مورد هرزه لای به آنحضرت ﷺ هیچ رنجی نیست، کارنامه های جماعت هویدا گردد.

واکنش ماهمواره بدینسانست و باید باشد از آنچه اسوه آنحضرت ﷺ آشکارا رو بر و آید. تعلیمات اسلام روشن گردد. مادر مقابل حملاتی ناپاک بر ذات گرامی آنحضرت ﷺ بجای زدن دست به تخریبکاریها در محضر خدایتعالی فروتن و از او طلب استعانت میکنیم. اکنون من دومثل

غیرتمندی عاشق صادق آنحضرت ﷺ حضرت مسیح موعود علیه سلام  
 را به نشانه عشق رسول مطرح مینمایم:

نخستین مثل در مورد عبدالله آتهم است که مسیحی بود. او در  
 کتاب خود به نشانه نهایت کثافت ذهنی خود درباره آنحضرت ﷺ کلمه  
 دجال، نعوذبالله، به کار برد. در این عصر یکی مباحثه با حضرت مسیح  
 موعود علیه الصلوة والسلام بر موضوع اسلام و مسیحیت نیز در جریان  
 بود. حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام میفرمایند که پس من  
 پانزده روز در مبحث مشغول ماندم. جریان مباحثه ادامه داشت و در  
 خفا برای سرزنش آتهم دعا میکردم. یعنی کلماتی که او گفته بود برای  
 عقوبت آن. حضرت مسیح موعود میفرمایند، چون مبحث پایان یافت  
 من بدو گفتم، یکی مبحث که تمام شد اما یکی مقابله بنحوی برجا است که  
 از جانب خدای است و آن اینست که شما در کتاب خود ۰ درونه بائبل  
 نبی ما ﷺ را نام دجال داده ای و من آنحضرت ﷺ را راستگوی و راستکردار  
 میشناسم و دین اسلام را از جانب خدا باور میکنم. پس این آن مقابله  
 است که قضاوتش موکول بر فیصله آسمانی است و آن فیصله آسمانی  
 بدین صورت قرار است که یکی از ما دو که در گفتار خود دروغگو است و  
 رسول را بناحق کاذب و دجال میگوید و دشمن حق است او ظرف پانزده  
 ماه از امروز در حیات آنکه بر حق است درهاویه خواهد افتاد بشرطیکه  
 بحق رجوع نکند. یعنی راست کردار و راستگوی پیغمبر را از گفتن دجال باز

نیاستد و بیباکی و بدزبانی را ترک نکوید۔ این بر این دلیل گفته شد که در دنیايتها انکار از یکی دین مستوجب مجازات قرار نمیگیرد بلکه بیباکی و شوخی و بدزبانی باعث مجازات میشود۔ حضرت مسیح موعود علیه السلام میفرمایند، چون من این کلمات گفتم رنگش ریخت، چهره اش زردگون شد و دستانش بلرزه آمد۔ آنگاه بیدرنگ اوزبانش درآورد و هر دو دست بر گوشها نهاد و دستانش را مع سرش جنباندن گرفت بگونه ای که مجرمی مخوف خود را با انکار خیره سرانه از جرم، توبه و انکساری نشان میدهد و بتکرار میگفت که توبه توبه! من این گستاخی و بی احترامی نکردم و هم بعدها نیز برخلاف اسلام حرفی نزد۔

پس این بود نمونه و انکش از شیر خدا بنشانه غیرتمندی برای آن حضرت ﷺ۔ ایشان به مرتکب های اینگونه حرکات هشدار میدادند۔  
بازیکی بود لیکهرام که به آنحضرت ﷺ فحش میداد۔ حضرت مسیح موعود علیه السلام کوشش کردند تا او را ازین ذهن دریدگی بازدارند۔ اما او دست بردارنشد۔ عاقبت ایشان دعا کردند۔ پس خدایتعالی از مرگ درد ناکی او خبرداد۔

حضرت مسیح موعود علیه السلام در اینمورد میفرمایند که خدای تعالی نسبت به یکی دشمن خدا و رسول که به آنحضرت ﷺ فحش میدهد و کلماتی ناپاک بر زبان میآرد که نامش لیکهرام است، به من وعده داد و دعای من را اجابت نمود و چون من بر او بددعا کردم مرا مژده ای داد که

اوظرف شش سال هلاک خواهد شد- این نشانه است برای ایشان که جوینده دین حق هستند- سپس همینطور بوقوع پیوست و او بسیار مرگ دردناکی مرد-

### اسوه آنحضور ﷺ به دنیا ارائه دهید

همین اسلوب است که حضرت مسیح موعود علیه السلام به ما آموختند که به مرتکب شدگان اینگونه حرکات تفهیم کنید، محاسن آن حضرت ﷺ مطرح کنید، دنیا را به آن جنبه های قشنگ و روشن آگاه کنید که از نگاه دنیا مکتوم است و دعا کنید از خدایتعالی که یا او آنها را از این حرکات بازدارد یا خود آنها را بگیرد- طریق گرفت و گیر خدایتعالی به میل خود اوست- او نیکتر میداند که یکی را چطور مؤاخذه کند-

باز در عصر خلافت ثانیه کتابی نهایت بیهوده بنام ”رنگیلا رسول“ (رسولی عیش دوست) نوشته شد- بعلاوه مجله ای ”ورتمان“ موضوعی بیهوده نشر کرد که در میان مسلمانان هند جنب و جوش افتاد- هر سو مسلمانان را هیجان فرا گرفته و بسیار واکنش شدیدی بود-

آنگاه حضرت مصلح موعود رضی الله عنه خلیفة المسیح الثانی مخاطب به مسلمانان فرمودند: ”ای برادران! من با دل دردمند بشما باز میگویم، نیست بهادر آنکه جنگاور است- او بز دل است که او از نفس خود مرعوب شد (اکنون این بمصداق حدیث است که فروبرنده خشم دلاور واقعی است- فرمودند که) بهادریکی است که مصمم عزیمت کرده و تا

دمیکه آنرا به انجام نرساند از آن عقب نشینی نمیکند- ایشان فرمود که به اعتلای اسلام سه نکات را عهد کنید- اول اینکه شما خشیت خدا را بکار گرفته و به دین با نگاه بی اعتنا نخواهید دید- نخست کردار خود را تنظیم کنید- دوم اینکه به تبلیغات اسلام دلبستگی کامل خواهید داشت- هرکس به تعلیمات اسلام دانا گردد، مکارم و محاسن حیات آنحضرت ﷺ معلوم افتد و اسوه روشن گردد- سوم اینکه به نجات مسلمانان از بندگی فرهنگی و اقتصادی تلاش کامل خواهید کرد-“

(انوارالعلوم - جلد نهم - صفحه ۵۵۵-۵۵۶)

اکنون اینکار برای هر مسلمان اعم از رهبران یا عامه مردم بفرض است - حال ببینید که با وجود آزادی، حالات کشورهای مسلمان که به استقلال ادعاء میکنند، علیرغم ادعای استقلال دستخوش بندگی فرهنگی و اقتصادی اند- مرهون منت این کشورهای غربی اند- مشغول به تقلید آنهایند- خود دست به کار نمیزنیم و بیشتر بر آنها اتکاء میکنیم و برای اینست که اینها گاه و بیگاه احساسات مسلمانان را به بازی میگیرند - بعلاوه ایشان رضی الله عنه به آغاز جلسات سیره نبی ﷺ نیز مبادرت نمودند- پس راه صواب برای طرح اعتراضات اینست و نه زد و خورد و آشوبگری- سخنانی که ایشان در طی خطاب به سایر مسلمانان گفتند خطاب بیش از همه احمدییان را شامل است -

برخی از روایات ناصواب جوامع این کشورها از راه نامحسوس در بعض خانواده های ما سرایت میکند- من به احمدییان میگویم که شما

نیز مورد خطاب بودید- چیزها ارزنده‌ی از جوامع و فرهنگ ایشان توان برگزید اما آن امور که ناصواب است ما باید از آنها خودداری کنیم- پس واکنش ما بهمین ترتیب باید ادامه یابد که بجای تخریبکاری توجه خود را به رسیدگی نفس خود جلب کنیم- ما باید امعان نظر کنیم کردار ما چگونه است- خدا ترسی در ما چقدر است- علاقه ما بعبادات او به چه میزان است- تمایل ما به بجا آوری احکام دین به چه حدی است- میلان ما به ابلاغ پیغام خدایتعالی به چه اندازه ایست-

باز بنگرید در عصر خلافت چهارم رشدی کتابی توهین آمیز نوشته بود- آنگاه حضرت خلیفة المسیح الرابع رحمه الله تعالی هم خطبات ایراد کرده و هم به تدوین کتابی مبادرت نمودند- پس بطوریکه گفتم اینگونه حرکات انجام داده میشود- اوایل سال گذشته نیز مقاله بر حیات آن حضرت ﷺ نوشته شد- آنگاه نیز من توجه جماعت و شعبات بدین امر جلب نموده بودم که مقاله های نویسنده و نامه های بفرستند و روابط خود را پهنادار کنند- مناقب و محاسن حیات آنحضرت ﷺ را بیان کنند- پس این اهداف به آشکار سازی محاسن و مناقب مربوط بحیات آن حضرت ﷺ با تخریبکاری بدست نیامید- برای اینکار احمدییان از هر طبقه در هر یک کشور سایر مسلمانان دانا و هوشمند را همدست نمایند که اگر شما نیز بدین ترتیب واکنشی پر امن نشان دهید، روابط خود را گسترش

دهید و بنویسید آنگاه بر جمله طبقات جامعه کشوری اتمام حجت انجام گیرد و هر که باز دست به این حرکت زند معامله اش با خداست -

خدایتعالی آنحضرت ﷺ را بعنوان رحمت للعالمین فرستاد، چنانکه

خود میفرماید، **وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ** (سوره الانبیاء- آیت ۱۰۸) -

که ما تو را نفرستادیم مگر بعنوان رحمت برای همه جهانها - یکی بزرگتر از ایشان، بسیار رحمت گستر، هم نه درپیش بعرضه ظهور رسیده و هم نه در آینده خواهد رسید - البته اسوه ایشان همیشه برقرار است و به تقلید آن هر مسلمان باید بکوشد و این اقدام نیز فزونتر از همه تکلیف احمدی است - اینهم تکلیف ما است - هرآینه ایشان ﷺ رحمت للعالمین بودند و اینها ایشان را بگونه ای صورت کرده ارائه میکنند که تصویری بیمناک ایجاد میگردد - پس ما باید دنیا را به اسوه محبت، رأفت و رحمت آنحضرت ﷺ آشنا کنیم و بدیهی است که به انجام اینکار بایستی مسلمانان در روش خود تغییری پدید کنند - تروریزم اصلاً خارج از موضوع است - کوشش آنحضرت ﷺ همواره دوری از جنگ بوده تا آنهنگام که جنگ به مدینه آمده بر ایشان تحمیل کرده شد - دیگر در هر حال جنگ دفاعی باذن خدای تعالی ناگزیر بود - اما آنگاه هم فرمان بود که: **وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا - إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ** (سوره البقرة - آیت ۱۹۱)

که ای مسلمانان! بجنگید در راه خدا با آنها که میجنگند با شما و تجاوز نکنید - یقیناً خدا تجاوزگران را دوست ندارد - دیگر آنحضرت ﷺ بیش از

همه عمل کننده بر شریعت نازل شده بر خود بودند- اظهار اینگونه افکار نازیبا درباره ایشان نهایت ظلم است- بهر حال بطوریکه میگویند آنها عذر خواهی کرده اند و گزارش از مبلغ ما نیز حاکی از اینست که یکی از آنها اظهار عذر خواهی کرده بود-

## اقدامات فوری جماعت احمدیه در مقابل چاپ کاریکاتورها-

سایر مسلمانان جوش خود را متمرکز به اعتصابات، خرابکاریها کرده اند- چه طرز آنها به اظهار واکنش همین است که اعتصابات و خرابکاریها انجام داده شود- بعکس واکنش جماعت احمدیه بطوریکه باید اظهار میشد بلافاصله پس از این واقعه ابراز شد- واکنش احمدی اینطور بود که بیدرنگ به آن روزنامه ها تماس پیدا کرده شد- دیگر این قضیه امری نیست که دست به اعتصابات در ماه فوریه ۲۰۰۶ زده میشود- این جریان که مربوط به سال گذشته است- این قضیه در سپتامبر پیش آمد- پس آنگاه بطوریکه من گفتم قضیه مربوط بمه ماه سپتامبر است یا گفتم شروع اکتبر، اقدامیکه ما کرده بودیم، مبلغ ما بیدرنگ مقاله مفصلی تهیه کرده و به روزنامه‌ی که در آن کاری کاتورها چاپ شده بود، فرستاد و در مورد چاپ کاریکاتورها اعتراض ثبت کرد- درباره تعلیمات حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام گفته شد و اینکه طریق پروتست ما بدینگونه است - ما دست به تظاهرات نمیزنیم- اما جهاد قلم است که ما در مقابل شما

انجام خواهیم داد و اینکه برچاپ این عکس ابراز تاسف میکنیم - بدو گفته شد که آزادی مطبوعات بجا است اما بدین مطلب نیست که به دیگران دلآزاری کرده شود - البته این تماس واکنش مثبتی بدنبال آورد - مقاله ای که فرستادیم روزنامه آن نیز شایع کرد - شهروندان دانمارک واکنش بسیار نیکوی نشان دادند - چه با تلفونها و نامه های به مرکز تبلیغ ما از مفاد مقاله ما بسیار تقدیر کردند - پیغامات فرستادند - ضمناً دعوت نامه از رئیس اتحادیه روزنامه نگاران دریافت شد - آنجا رفتیم و توضیح لازم با آنها به میان گذاشتیم که درست است آئین شما آزادی مطبوعات را مجاز میگرداند، اما مطلب این نیست که رهبران دینی و چهره های مورد تکریم را بنگاه تحقیر آمیز نگریسته و ایشان را مورد هتاکی قرار دهید - دیگر مسیحیان و مسلمانان که در این جامعه باهم معاشرت میکنند مراقبت از احساسات ایشان ضروری است - زیرا امن بدون آن نتوان برقرار شد -

سپس برایشان خاطر نشان کردیم که تعلیمات آنحضرت ﷺ چقدر زیبا و اسوه ایشان چطور جالب است و چقدر ایشان صاحب اخلاق اعلا و چقدر بشردوست بودند، چقدر همدرد خلاق و مظهر شفقت و موااسات بودند - وقاع چند با ایشان در میان نهادیم که حالا بگوئید آنکه هادی این تعلیمات و صاحب این بلندی کردار است در مورد او اینگونه عکس کشیدن کاری صواب است؟ پس در پایان گفتگوی مبلغ ما را بسیار پسندیده و تقدیر کردند - یکی کاریکاتور ساز بر ملا اظهار داشت اگر چنانچه جلسه بدین صفت

جلوتر تشکیل داده میشد ما کاریکاتورها هرگز نمی ساختیم - حال آنها حالی شده اند که تعلیم اسلام چیست و همگان اظهار توافق کردند که انعقاد این گونه جلسات باید ادامه یابد -

سپس مطلب مطبوعاتی از رئیس اتحادیه نیز صدور یافت - متن آن در حضور همه بر خوانده شد و مصاحبه تلویژنی نیز انجام گرفت که خوشتر بود - سپس جلسه با وزیر هم برگزار شد - بهر حال جماعت کوشش خود را انجام میدهد - همینطور اقدامات در کشورها دیگری نیز بعمل آمد - البته در آن خاک که ریشه اصلی این حرکت بود جماعت نقش خود را باندازه کافی ایفا کرده است - انگیزه ی عامل چاپ این کاریکاتورها این بود که یکی نویسنده دانمارکی کتابی نوشت که ترجمه عنوانش "آنحضرت ﷺ و قرآن" است - این در بازار معرفی شده است - نویسنده این کتاب از دیگران به تهیه و فرستادن عکسهای چند از آنحضرت ﷺ خواسته بود که بعضیها ساختند - آن عکسهای بود که اختراع کننده اسم خود را ننوشت مبادا مسلمانان واکنشی ابراز کنند - بهر حال انگیزه اصلی ناآرامیها این کتاب است و چاپ کاریکاتورها در روزنامه ها نیز دامن زد - پس در اینمورد نیز پیوسته باید کوشید و هر کجا در دنیا گفتگوهای اعتراض آمیز از پی خواندن این مواد ، شکوفه کند آنها را بمیان آورده باید پاسخ داد - اما در دانمارک این تصور نیز پدید شده و میگویند که از سوی بعضی از مسلمانان با نشان دادن کاریکاتورهای که ما چاپ نکرده بودیم در عالم اسلام به تهیج

احساسات مسلمانان کوشش کرده میشود. معلوم نیست این درست است یا نادرست اما یقیناً در اثر توجه آنی مادرکی در آنها پدید آمده است. اقدام متقابل بلافاصله شروع شده بود. اینها امروز متوجه میشوند با این که این قضیه سه ماهه قبلی است -

پس بطوریکه گفتم در هر کشور جنبه های سیره آنحضرت ﷺ را آشکارا نشان دادن ضرورت دارد. بویژه تصویری به اسلام که آن جنون جنگی دارد، دور کردن این ابهام با ادله روشن تکلیف ما است - درپیش هم گفته بودم در روزنامه ها نیز بکثرت بنویسید - روزنامه نگاران را کتب مبنی بر سیرت نیز میتوان فرستاد -

احمدییان جوانسال باید شغل روزنامه نگاری برگزینند  
 ضمناً آینده را پیشنهاد اینهم است که جماعت در این مورد طرح ریزی کند تا حد اکثر جوانسالان علاقه مند به گردیدن شغل روزنامه نگاری صرف کوشش کنند تا ما با روزنامه ها و با مردم آن مناطق، میانه نافت داشته باشیم -  
 زیرا اینگونه حرکات گاه سر بر میزند - اگر میانه ما با رسانه های گروهی خوب و پهن باشد، میتوان از این چیزها جلوگیری نمود، میتوان اینگونه پرت و پلار را مسدود کرد - اگر چنانچه باز هم کسی لجاجت کند پس آنگونه افراد در زمره ی در می آیند که خدایتعالی بر آنها هم در این سرلغنت افکنده وهم در آنسر - بطوریکه میفرماید: **إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا** (سورة الاحزاب - آیت ۵۸) یعنی

آنمردم که میآزارند خدا و رسولش را، خدا بر آنها هم در این دنیا لعنت افکنده و هم در آخرت و آنها را عذاب خواری بخش تهیه کرده است. این فرمان محذوف نیست. پیغمبر ما ﷺ پیغمبری زنده است. تعلیم ایشان بخشنده حیات ابدی است. شریعت ایشان عقده گشایی مسایل همه ازمینه است. پیروی کردن از ایشان موجب قربت الهی است. پس آن فرمان تواند به کيفر این ستم، این ایذا که بمومنان ایشان رسانده میشود، بنحوی امروزها نیز راست آمد. ذات خدای است و مینگرده که اینهادست به چگونه حرکاتی میزنند.

پس دنیا را آگاه کردن تکلیف ما است. بر ما است که دنیا را آگاه سازیم که ایذا و رنج که شما میرسانید خدایتعالی امروز نیز قادر بمجازات آنست. پس دست از دل آزاری خدا و رسول بردارید. اما برای اینکار از جائیکه گفتن تعلیم اسلام و اسوه آنحضرت ﷺ بجهان الزام آور است بموازات این تنظیم کردار خود ما نیز ضروریست. چه کردار خود ما است که با آن مهر بر لب جهان توان نهاد و اینست که با آن به بسته داشتن دهن دنیا نقش حیاتی توان ایفا کرد. بطوریکه من بعطف گزارش گفتم بر یکی عالم مسلمان اتهام منافقت بسته میشود. میگویند، حرفش دو تا است. یک کلمه با ما حرف دارد و آنجا رفته کلمه با آنها با حرف دیگری دارد، تهییج مینماید. شاید من آن گزارش برنخواندم. پس ما باید ظاهر و باطن و گفتار و کردار را یک و کرده نمونه های کردار خود نشاندهیم.

## سوزاندن پرچمها یا از تخریبکاری عزت و احترام آنحضرت ﷺ نتوان برقرار شد-

من به مسلمان خوانده ها نیز میگویم قطع نظر از اینکه احمدی اند یا نه، شیعه اند یا سنی یا متمسک به فرق دیگری مسلمانان، آنگاه که بر ذات گرمی آنحضرت ﷺ حمله آورده شود بجای ابراز جوشش موقتی مثل آتش زدن به پرچمها، تخریبکاری، حمله بر سفارتخانه ها، کردار خود را راست کنند تا اغیار را فرصت انگشت برداشتن به نشانه انتقاد فراهم نیاید- آیا اینها گمانکنند که نعوذ بالله عزت و رتبه آنحضرت ﷺ را قدر بهمین میزان است که انتقام آن با سوزاندن پرچمها و کشیدن یکی سفارتخانه به آتش، گرفته شد و بس؟ نخیر- بلکه مامؤمن به آن پیغمبر ایم که او به فرو نشانندن آتش آمده بود- بعنوان رسولی مهر و وداد آمده بود- شهریار امن بود- پس بجای اقدامی سخت به اهل دنیا تفهیم کرده به حُسن و سجاایای تعلیمات ایشان وردهید-

خدایتعالی مسلمانان را عقل و فهم دهد- اینها بخردیابند یا خیر اما من به احمدیها میگویم که هر کس از میان شما اعم از خوردسال است یا بزرگ سال یا جوانسال و مرد است یا زن به نشانه واکنش بر چاپ این کاریکاتورهای بیهوده خویشان را به زمره دست زندگان آن آتش درآرید که هیچگاه خموش شدنی نیست- مثل آتشی سوزنده پرچم های املاک ملل دیگر نباشد که ظرف ثانیه یا ساعت چند فرو نشیند- فعلاً مردم در اثر

اشتداد احساسات برپا خاسته (پاکستان را تصویری ویژه بود) و آتش میزنند گویی معرکه بزرگی درپیش دارند۔ این آتش ظرف پنج دقیقه خاموش شود۔ آتش ما بگونه ای باید باشد که مدام روشن است۔ آن آتش روشن با عشق و محبت آنحضرت ﷺ است۔ آن آتش به فراگرفتن هر پهلوی اسوه ایشان و نشان دادن به اهل دنیا است۔ آنکه چنانچه یکبار در سینه شما مشتعل شد پیوسته روشن خواهند ماند۔ این آتش بگونه ای باید باشد که بصورت ادعیه نمود داشته و زبانه هایش هر آن بلندی فلک را لمس کنند۔

رنج خود را در ادعیه قالب کرده و به فرستادن درود

فروان بر آنحضرت ﷺ عادت کنید

پس این آتش است که آنرا برای هر احمدی در دل خود روشن داشتن و رنج خود را در ادعیه قالب کردن ضروریست۔ اما برای اینکار نیز تنها مرجع وجود حضرت محمد مصطفی ﷺ قرار دارد۔ باید به استجاب ادعیه خود، جلب شفقت خدایتعالی و خودداری از لغویات دنیا، صیانت خود از اینگونه فتن انگیزیها، روشن داشتن آتش محبت آنحضرت ﷺ را در قلوب خود، برای زیب دنیا و آخرت، درود بر آنحضرت ﷺ بفروانی فرستاد۔ در این عصر پرفتن هر یک احمدی به آغوشن خود در محبت آنحضرت ﷺ، استوار داشتن نسلهای خود را بر اسلام احمدیت سخت مقید به این حکم خدایتعالی باشد: **إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ** - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

أَمَّنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا (سورة الاحزاب- آیت ۵۷) - یقیناً خدا و فرشتگان او بر پیغمبر رحمت میفرستند- ای کسانیکه ایمان آورده اید! شما نیز بر او درود بفرستید-

اشارات و مراجعات در این باب زیاد است- یکبار آنحضرت ﷺ فرمودند مجرد درود خدا و فرشتگان بر من بس است- حکمی که به شما است بجهت حفظ خود شما است-

(تفسیر در منشور مراجعه ترغیب اصفهانی- مسند دیلمی راجعه درود شریف- صفحه ۱۵۸- مرتب کرده مولانا محمد اسماعیل حلالپوری- چاپ جدید-)  
 پس ما برای استجابت ادعیه خود به درود نیاز داریم- البته ازین آیت و بخش اول حدیث در اینمورد تضمین است که گروه مردم ازین قبیل کوشش خود را به کاهش و ریشخندی به رتبه منیع آنحضرت ﷺ هر چند میل دارند صرفکنند در مقابل آن دعای سلامتی که الله و فرشتگان او برایشان میفرستند مخالفان هرگز قادر بر رسیدن به آرزوی خود نشوند- در نتیجه حملات بر ذات بابرکات آنحضرت ﷺ هیچ چیزی بدستشان نتوان رسید- اسلام را ترقیات مقدر شده و استیلاء بر جهان حتمی الوقوع است- اعتلای لوای آنحضرت ﷺ مسلم است-

دیگر بطوریکه گفته بودم خدایتعالی تحقق اینکار را در این عصر بواسطه عاشق صادق ایشان حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام مقدر نموده است-

بعطف نقل قول بلکه یک مقتبس است از حضرت مولانا عبدالکریم سیالکوٹی رضی الله عنه که:

”یکبار خودم از حضرت امام علیه الصلوة والسلام شنیدم که ایشان میفرمودند، خداوند این مراتب را بمن بواسطه درود شریف و کثرت آن عطا فرموده است و فرمودند، من میبینم که فیوض خدایتعالی بشکل نوری شگفت بسوی آنحضرت ﷺ میروند و آنجا رسیده در سینه آنحضرت ﷺ فرو میروند و از آنجا بیرون آمده منشعب به مجراهای بیشمار میشود و بقدر حصه متناسب به هر یک حقدار میرسد۔ برآستی هیچگونه فیض بدون وساطت آنحضرت ﷺ به دیگران نتوان رسید۔ در ادامه افزودند، درود شریف چیست؟ تکان دادن است عرش رسول الله ﷺ را که از آن مجراهای نور منشعب میشود۔ یکی که دوستدار فیض و فضل خدایتعالی را بدست آورد برای او لازم است که درود شریف را بفراوانی ورد کند تا در آن فیض جنبش پدید آید۔“

(خبرنامه الحکم - جلد ۷ - شماره ۸ - صفحه ۷ - منتشره ۲۸ فوریه ۱۹۰۳)

خدا کند ما برای صیانت از فتن روزگار، برگزیدن محبت آنحضرت ﷺ در قلوب خود، تعمیم تعلیماتی که ایشان آورد باورد درود برایشان، بسوی خدا فروتن، از او طلب استعانت کرده، پیوسته وارثان فیض و فضل او قرار گیریم۔ خداوند ما را یاری کند۔

## خطبه جمعه

فرموده ۱۷ فوریه ۲۰۰۶ - مسجد بیت الفتوح - لندن - بریتانیا

☀️☀️ به حرکاتی توهین آمیز به آنحضرت ﷺ اصرار ورزیدن و آنها را علی التوالی و با لجاجت انجام دادن باعث غضب خدایتعالی میشود -

☀️☀️ این زلزال، طوفانها و آفات که بردنیا وارد میشوند اینها فقط مخصوص آسیانیستند - مسیح خدا هم به اروپا هشدار داده و هم به امریکه نیز هشدار داده است - پس از خدا بترسید و به غیرت خدای جار نزنید -

☀️☀️ آن خدای که در حق محبوبان خود غیرت دارد، قادر است تا با تجلیات قهری خود ظهور کند -

☀️☀️ کشورهای اسلامی و مسلمان خوانده ها نیز روش خود را راست کنند - مرتبه آنحضرت ﷺ و حسن ایشان به جهانیان نشان دهند -

☀️☀️ امروز خدایتعالی برای تعیین سمت صواب برای مسلمانان بلکه برای همه دنیا عاشق صادق پیغمبر محبوب خود آنحضرت ﷺ فرستاده است - او را بشناسید و از او فرمان برید -

☀️☀️ استوارتر گردیدن شأن و شوکت اسلام و بازشناسی تقدس آنحضرت ﷺ بدست و بواسطه جماعت مسیح و مهدی قرار دارد - انشاء الله -

☀️☀️ احمدییان در حلقه خود آشکارا به پیروکاران هریک دین تفهیم نمایند که آن چهره که بمصداق هریک کیش قرار بود بیاید، او ظهور کرده است -



أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ، وَرَسُولُهُ، - أَمَا بَعْدُ فَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ -

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ -

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ - الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ -  
إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ - اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ - صِرَاطَ  
الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ -

من میخواستم پیرامون همان موضوع خطبه جمعه گذشته و دو خطبه پیش از آن سخنی چند بگویم - اما حرکت ناشیرین و بیهوده ای که مجدداً شماری از روزنامه های اروپائی انجام داده اند و بدنبال آن موج اندوه و خشم در عالم اسلام برخاست و واکنشی که در آنمورد نشان داده شد لازم دانستم سخنی چند در اینمورد بگویم تا احمدییان نیز بدانند که روش ما محاذی اینگونه اوضاع چگونه باید باشد - در ضمن اینکه بفضل خدا همه میدانند بازهم تذکر ضروریست و دیگر اهل دنیا نیز بدانند که واکنش صحیح یکی مسلمان مواجه با اینگونه اوضاع چگونه صورت میگیرد -

بازی کردن با احساسات دیگران نه دموکراسی است و نه آزادی وجدان هم -

در اینجا ما به اهل دنیای می فهمانیم که اظهار هیچ گونه افکار ناشیرینی

راجعبه چهره های مقدس هیچیک دین هرگز در زمره هیچ نوع آزادی به شمار نمیروند. شما که بعنوان قهرمان دموکراسی و آزادی وجدان با احساسات دیگران بازی میکنید، این نه دموکراسی است و هم نه آزادی وجدان. هرچیز را حد و حصری است و برخی قواعد و ضوابط اخلاق. بطوریکه هر یک شغل را ضوابط اخلاقی قرار دارد، شغل روزنامه نگاری نیز موازین آداب دارد و بهمین ترتیب هر چه طرز دولتمداری حاکم باشد برای آن نیز آئین و مقررات سرکار است. قطعاً آزادی بیان را مفهوم این نیست که با احساسات دیگری بازی کرده شود. بدو آزار رسانده شود. اگر آزادی این است که جهان غرب بر آن غرور دارد پس این آزادی بسوی ارتقاء برنده نیست. بلکه این آزادی است که بسوی تنزل میبرد.

حرکاتی توهین آمیز نسبت به آنحضرت ﷺ باعث برانگیختن غضب الهی است.

غربیها سرعت زیادی دین را رها کرده در هر یک عرصه عمل مکارم اخلاق را بنام آزادی پایمال میکنند. معلومشان نیست چطور آنها هلاکت خود را دعوت میکنند. اخیراً وزیری در ایتالیا چرند تازه ای را دامن زده است که این کاریکاتورهای بیهوده و کشیف را روی پیراهن چاپ کرده به تن کردن گرفته و به دیگران نیز تشویق نمود تا از او بستانند. بنقل گزارش اینها در آنجا فروخته میشود و میگویند که داروی مسلمانان همین است. پس طایفه این امثال باید بفهمند ما اینکه نمیدانیم مسلمانان را این دارو

است یا خیر اما با اقدام اینگونه حرکات حتماً باعث برانگیختگی غضب الهی قرار میگیرند. آنچه بنادانی انجام شد آنچه شد، اما اینکار را با مدوامت و لجاجت ادامه دادن و باز بر آن اصرار نمودن که ما هر چه انجام میدهیم درست است این اقدام حتماً خشم خدای تعالی را بر میانگیزد.

## واکنش احمدی محاذی این اوضاع

البته بطوریکه گفتم از جاییکه واکنش سایر مسلمانان مربوط است آنها خود بدانند. اما عکس العمل یک احمدی مسلمان اینطور باید باشد که به آنها وردهید، از عقوبت الهی بترسانید. بطوریکه در پیش نیز گفتم زیب عکس آنحضرت ﷺ بردنیا نشاندهید و در محضر خدای خود که قادر و مقتدر است فروتن از او استمداد نمایید. اگر این گروه مردم به سوی عذاب پیشروی میکنند پس خدای که برای ذات خود و محبوبان خود غیرت دارد، هم قادر بر ظهور با تجلیات قهری خود است. او که مالک همه قدرت هایست، او که پی بند قانونی مَصَوَّب انسان نیست، بر هر چیز قادر مطلق است، چون آسیاب او گرد میگردد آنگاه فکر انسان را بر احاطه آن یارایی نیست، سپس احدی نمیتواند از آن بگریزد.

پس احمدییان با دیدن روش عده از مردم یا کشورهای اروپائی در بارگاه خداوند فروتنی فزونتر بجا آرند. مسیح خدا هم به اروپا هشدار داده است و هم به امریکه هشدار داده است. این زلزال، طوفانها و آفات که بر دنیا وارد میآید اینها تنها مخصوص آسیا نیست. امریکه که یک علامت

آنرا رویت کرده است۔ پس ای اروپا! تو هم در امان نیستی۔ پس کمی خوف خدا اختیار کنید و به غیرت خدا جار نزنید۔ اما همزمان من اینهم میگویم که کشورهای مسلمان یا مسلمان خوانده‌ها نیز روشهای خود را درست کنند۔ چنین روشها و عکس العمل خود را ابراز کنند که رتبه منیع آنحضرت ﷺ و حسن و جمال ایشان را بر دنیا آشکار سازد۔ پس این یکی واکنش صواب و سزاواریکی مؤمن است۔

بازشناسی شأن و شوکت اسلام و تقدس آنحضرت ﷺ  
به واسطه جماعت مسیح و مهدی قرار دارد۔

اینک بعض حرکات امروزها به مصداق کدام اسوه اسلامی است که شهروندان خاک خود قربانیان مرگ داده و املاک خود به آتش کشیده شود۔ اسلام از دست دادن عدل و انصاف را به دشمنی اغیار نیز رخصت نمیدهد۔ بلکه بکار بستن خرد را فرمان میکند تا چه برسد به آنچه که اخیراً در پاکستان رخداد یا در کشورهای اسلامی دیگر در جریان است۔ البته حرکاتی انجام داده در کشورهای اسلامی اعم از ضرر به سفارتخانه‌ها یا کاروبار بیگانگان یا کشتن شهروندان خود نیست مگر اقدامی به رسوایی اسلام۔ پس مسلمانان عامه بجای تقلید از علماء و رهبرانی غلطکار، بجای هدر دادن دنیا و آخرت در پیروی آنها، عقل را بکار بندند۔ امروز خدایتعالی به پدید کردن سمتی صواب برای مسلمان بلکه سرتاسر جهان، عاشق صادق آنحضرت ﷺ را فرستاده است۔ او را بشناسید۔ او را پیروی

کنید و به اعتلای پرچم آنحضرت ﷺ بر عرصهٔ عالم به جماعت مسیح و مهدی بگروید۔ هیچ راهی دیگر، هیچ رهبر دیگری قادر بر استوار کردن ما بر سنت آنحضرت ﷺ نیست۔ بازشناسی شأن و شوکت اسلام و تقدس آنحضرت ﷺ بواسطهٔ جماعت مسیح و مهدی قرارداد۔ انشاء الله۔

نزول مسیح را مطلب حقیقی۔ برخی از کارهای مسیح و مهدی و بعضی از دلایل به صداقت او۔

پس در این مورد همگان، آنها که مسلمان خوانده میشوند باید تعقل کنند و ما نیز به آنها باید تفهیم کنیم که دچار مبحث های علماء مصطلح نشوند که هم اکنون مسیح موعود بعرصه ظهور نرسیده است یا او فلان جا خواهد آمد۔ در واقع انگیزهٔ گرویدن بدین عقیده عدم ادراک حدیثی است۔ این روایت را حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام بدین ترتیب عنوان کرده اند:

”اگر چنانچه گفته شود که این حدیث در کلماتی شفاف و صریح حاکیست که مسیح ابن مریم از آسمان نازل خواهد شد و دستهای بر شانه های دو فرشته نهاده خواهد داشت ازین بیانی روشن و واضح انکار چطور توان کرد؟“  
یعنی این مردم میگویند که این بیان روشن و واضح است۔ پس انکار ازین چطور ممکن است۔ ایشان در پاسخ میفرمایند:

”در این مورد پاسخ اینست نازل شدن از آسمان دال بر این نیست که

وجود خاکی بحقیقت از آسمان نازل شود، بلکه در احادیث صحیح کلمه آسمان هم نیست و ضمناً کلمه نزول متداول است. یکی که از جای حرکت کرده جای دیگر سکنی گزیند بدو نیز گویند که او فلان جا نازل شده است. بعنوانیکه گفته میشود که فلان لشکریا اردو از آسمان نازل شد. آیا از این ادراک میشود که آن لشکریا اردو از آسمان نازل شده است؟ بعلاوه خدایتعالی در قرآن شریف آشکارا فرموده که آنحضرت ﷺ نیز از آسمان نازل شده اند. بلکه یک جا فرموده است که آهن نیز ما از آسمان نازل کرده ایم. پس بطور شفاف آشکار است که نازل شدن از آسمان به آن رنگ و روی نیست که مردم گمان کنند.

(ازاله اوهام - روحانی خزائن - جلد ۳ - صفحه ۱۳۲-۱۳۳)

حضرت مسیح موعود علیه السلام فرمودند، احادیث پر با شرح این مطلب است. مردم خود با سواد نیستند و علماء غلط رهنمونی میکنند. ایشان در ادامه فرمودند، ”برای این بود که یهودیان نیز اشتباه کرده و حضرت عیسی را پذیرا نشده بودند.“ البته اینهمه سخنان و تفاسیل طولدارد و در خطبه نتوان بیان کرد. اکنون بدانسانکه اوضاع تغییر حال یافته است احمدیان نیز این مطالب را در حوالی خود به روشنی باید بیان کنند تا به آن حدومیزان که ارواح سعید میتوانند حفظ باشند ایشان حفظ شوند. اشرافی که توانند ایمن باشند، ایمن باشند. احمدیان در محیط خود به پیروکاران هر کدام دین آشکارا ورکنند که آن چهره موعود که ظهورش طبق تعلیمات هریک دین قرارداد است او بظهور آمده است.

حضرت مسیح موعود علیه السلام میفرمایند:

”اکنون من حدیث ابو داؤد نقل کرده در صحیح خود او را با ناظران بمیان آورده توجه ایشان را به مصداقی آن جلب مینمایم - پس باید واضح بود پیشگوئی درج در صحیح ابو داؤد که شخصی بنام حارث یعنی از حراث ماوراءالنهر یعنی از جانب سمرقند بیرون خواهد آمد که آل رسول را تقویت کند، آنکه رایاری و یآوری کردن بر هر یک مؤمن به فرض قرار دارد، بطور الهام بر من ظاهر کرده شد که این پیشگوئی و پیشگوئی مسیح موعود که امام مسلمانان و از میان مسلمانان خواهد بود در واقع این هردو پیشگوئی متحد الموضوع و مصداق این هردو این بنده است - آن پیشگوئی که بنام مسیح است آنرا علامات ویژه در واقع بردو ضرب است - یکی این که چون آن مسیح به ظهور آید اوضاع داخلی مسلمانان را که آنگاه بدرجه غایت بهم خورده باشد بواسطه تعلیمات صواب خود به اصلاح خواهد آورد-“

در این مورد ذکر در خطبات ابتدایی نیز رفته است - آنها خود اذعان به این امر دارند که اوضاع مسلمانان دگرگون شده و نیاز به مصلح ای دارد -

### مراد از توزیع گنجها بدست مسیح موعود

در ادامه افزودند:

”او از طریق تعلیم راست خود اصلاح خواهد آورد و افلاس روحانی و ناداری باطنی بکلی دور کرده جواهرات علوم و حقایق و معارف را در برابر

آنها خواهد نهاد” - یعنی او این گنجها و این علوم معنوی را برایشان شرح خواهد داد” - باز افزودند، “تا آن انتها که از ستاندن آنها بستوه آیند و احدی حق جو مفلس روحانی و نادار نخواهد ماند - بلکه تشنه کامان و گرسنه دلان راستی به هر میزانی که باشند بدیشان غذای طیب صداقت و شربت شیرین معرفت با فراوانی خورانده خواهد شد” - یعنی به واسطهٔ مسیح موعود این غذا پاکیزهٔ راستی بدیشان دست داده، تعلیم صواب اسلام به ایشان رسیده و این شربت معرفت بدیشان نوشانده خواهد شد - البته اگر این مردم تشنه کامان بودند آنگاه واکنش نامساعدی بلکه گسترندهٔ تبه کاری که از اینها ظاهر شده است بجایش عکس العمل مثبت و سازنده ای را اظهار کرده و در محضر خدا فروتن میشدند -

فرمودند، “و دامن هایشان با مرواریدهای علوم حقه پر کرده شود” - علم راست اسلام که گنج بی بهایست، مترادف مروارید است، دامن هایشان را با آن پر کند - “و آنچه که مغزولب قرآن شریف است شیشه های پُر با عطر آن بدیشان داده خواهد شد” - یعنی این رایحه معطر قرآن به مشام ایشان خواهد رسید -

## تشریح کسر صلیب و قتل خوگ

سپس فرمودند:

”دومی علامت بویژه اینست چون آن مسیح موعود ظهور کند صلیب بشکند و خوگان را هلاک کند و دجال یک چشم را بکشد و کافری که ریح

دَمَش بدورسد او بیدرنگ بمیرد۔ پس اصل این علامت که بطور معنوی کی از آن قرار داشته شد اینست که مسیح در دنیا بظهور آمده شأن و شوکت دین صلیبی را زیر پا له کند و آن طائفه مردم که دارای بیحیائی خوکان و بیشرمی خوکان (یعنی بیشرمی خوک که آن نیز جانوری است) و نجاست خواری اند، بر آنها سلاح براهین قاطع بکار گرفته کار همه راتمام کند۔ و آن مردم که مجرد بایک چشم دنیائی اند ولی دیده دینی اصلاً ندارند، بلکه ورم بدنمای درقرنیه اش آماهیده است (یعنی در چشم دنبل دمیده است) آنها را باتیغ قاطع ادله روشن ملزم کرده وجود منکرانه آنها را خاتمه دهد۔ (پس این ادله روشن است که با آنها باید برید تا اینکه ادعاهای دروغین و بُودی آنها از بین برود)۔ ”ونه فقط اینگونه یک چشمها بلکه هریک کافر که به دین محمدی بدیده استحقار نظر میکند او در اثر دم جلالی مسیح بطور روحانی کشته شود۔“ (مسیح موعود علیه السلام بظهور آمده او را با اقامه دلائل روشن از بین خواهد برد)۔ ”الغرض اینهمه عبارات بعنوان استعاره است که بر این بنده به روشنی مکشوف داشته شد۔ فعلاً یکی این را بفهمد یا نفهمد ولی عاقبت چندی بعد و انتظار کشیده و از آرزوهای بی اساس خود در حال یاس کلی روزی همه مردم اینسور جوع خواهند کرد۔“

(ازاله اوهام۔ روحانی خزائن۔ جلد ۳۔ صفحه ۱۴۱-۱۴۳۔ حاشیه)

پس تنها حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام به عیسویان هشدار دادند۔ سرعتی که عیسویت با آن روبه گسترش داشت ایشان بودند که آنرا از جلو گرفتند۔ میلیونها مسلمان در سرزمین هند به عیسویت

میگر ویدند۔ حضرت مسیح موعود علیہ الصلوٰۃ والسلام بودند کہ نہ تنها این یلغار را مسدود نمودند بلکه حسن شهرت و مکارم اسلام را مجدداً برقرار نمودند۔ سپس جماعت احمدیہ در کمرہٴ افریقا یورش عیسویت را جلوگیری کرد۔ عکس زیبای اسلام را نمایش دادہ و میلیونہا عیسویان را بہ حلقہٴ احمدی مسلمانان درآوردند۔ پس این بود کارنامہ ہای مسیحیانی کہ حضرت مسیح موعود علیہ الصلوٰۃ والسلام از عہدہٴ آن برآمدند و جماعت احمدیہ ہنوز بفضل خدای تعالی بواسطہٴ تعلیمات وادلہٴ و ر دادہ ایشان با تسخیر دلہا مسافت ہای طی کردہ و انشاء اللہ کردہ خواہد داشت و بطوریکہ حضرت مسیح موعود علیہ السلام فرمودہ بودند، روزی اینہا با یأس و بیچارگی رجوع خواہند کرد۔

پس اینست تشریح آن امر کہ با چہ ترکیب کار دجل و فریب اینہا را خاتمہ تواند داد۔ قتل خوکان، شکستن صلیب و رویاروی بہ دجال را مطلب اینست کہ حضرت مسیح موعود علیہ السلام بیان کردند۔ الحال نیز آنچه گفتم تنها جماعت احمدیہ است کہ ہر جا با عیسویت مقابلہ میکند۔

اخیراً، برنامهٴ تلویژنی بود از سیمای جیو (GEO) یا آر۔ و آئی (ARY) یا از برنامهٴ تلویژنی دیگر امثال آنها کہ از آسیا منتشر میشود کہ در طی آن آقای علامہ اسرار احمد سخن میگفت کہ چون علمای مسلمانان نادان و علم دین اصلاً مفقود بود، نہ علم قرآن بود و نہ علم بائبل و میرزا غلام احمد قادیانی چہرہٴ علمی بودند، علم بائبل داشتند و علم سائیر ادیان ہم۔

لذا آنگاه ایشان مقابله مسیحیان کرده و مهر بر لب آنها نهاد. کلمات سخن ایشان بهمین ترتیب مفهوم میشود. البته تا این حد ایشان اذعان کرد که تنها حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام بودند (بطوریکه خود حضور مبارک<sup>۱</sup> نیز فرمودند) که بابرهین قاطع، با دلایلی متقن، آنها را رد کردند. ایشان بدین امر اذعان کرد که تنها حضرت میرزا غلام احمد قادیانی بودند که حملات عیسویت را از جلو گرفته و مسلمانان را از گرویدن به عیسویت نجات دادند. باز ایشان بعنوان توضیحاتی گوناگون حرفهای بیمورد نیز زد. سخنی چند بر حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام نیز گفت که ایشان مسیح نتوان شد. البته این امر تا بحال مورد اعتراف است که اگر یکی در مقابل عیسویت قیام کرد و آموزه های آنها را با ادله روشن رد کرد او فقط یکی قهرمان بنام حضرت میرزا غلام احمد قادیانی هست.

پس علیرغم اینکه این مردم پذیرا شوند یا خیر اما بطوریکه حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام فرمودند روزی ناچار پذیرا شوند که این ادله مسیحایی از حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام است که دجال را خاتمه داد و فقط ایشان مسیح موعود هستند.

### ظهور مسیح از خود امت مسلمه قرار داشت

حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام فرمودند که مسلمانان بعلت اخذ معنی اشتباهی و صوری تا بحال مسیح را انتظار میکشند که مسیح ابن مریم دست بر شانه فرشتگان نهاده از آسمان نازل خواهد شد.

حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام برای توضیح فزونتر بدین امر که این معنی ناصواب است ایشان مطلب را از روی خود این حدیث روشن کرده میفرمایند:

”از آنجمله دلایلی دال بر این امر که مسیح ظهورکننده در مورد آنکه به این امت وعده داده شد که او یکی از میان خود این امت خواهد بود، حدیثی است از بخاری و مسلم که در آن **إِمَامُكُمْ مِنْكُمْ وَأَمَّاكُمْ مِنْكُمْ** مزبور است، یعنی او امام شما و از میان خود شما خواهد بود. چون این حدیث مرتبط با مسیح آینده است و به تعریف او کلمه **حَكَمٌ وَعَدَلٌ** در این حدیث بعنوان صفت موجود است که پیش ازین جمله است، بنا بر این کلمه **امام** نیز در حق اوست و در این مورد شکی نیست که در اینجا کلمه **مِنْكُمْ** خطاب به صحابه است و مخاطب هم ایشان بودند، اما پیدا است که احدی از میان ایشان مدعی بمقام مسیح موعود نشد. بنابراین از کلمه **مِنْكُمْ** مراد آنکسی است که در علم خدایتعالی قائم مقام صحابه قرار دارد (یعنی نزد خدا او قائم مقام صحابه است، برجای ایشان است) و اوست که در آیت **وَأَخْرَيْنَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ** (۱) قائم مقام صحابه گفته شد. چون از این آیت آشکار است که او از معنویت رسول کریم پرورش یافته و از روی این معنی مشمول صحابه است و بشرح این آیت حدیثی

(۱) سورة الجمعة - آیت ۴

است لَوْ كَانَ الْإِيمَانُ مُعَلَّقًا بِالْثَرِيَّا لَنَالَهُ، رَجُلٌ مِّنْ فَارِسٍ و چون به آنکس فارسی آن صفت که مخصوص مسیح موعود و مهدی موعود است منسوب کرده شده است یعنی گیتی که از ایمان و توحید تهی شده با ظلم ممتلی گردیده است مجدداً آنرا با عدالت پُر کند، همین چهره مهدی و مسیح موعود است و آن منم-“

(تحفه گولرویه- روحانی خزائن- جلد ۱۷- صفحه ۱۱۴-۱۱۵)

## مسیح و مهدی دونام از آن یکی وجود است

### مسیح موعود جنگ های دینی را موقوف نماید

در ادامه حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام بر مزید

شرح فرمودند:

”حَدِيثَ لَا مَهْدِيَّ إِلَّا عَيْسَىٰ“ که در کتاب ابن ماجه که با همین نام اشتهار دارد و در کتاب مستدرک حاکم از انس بن مالک مروی است و اینرا محمد بن خالد الْجَنَدِيّ از ابان بن صالح و ابان بن صالح از حضرت حسن بصری و حسن بصری از انس بن مالک و انس بن مالک از جناب رسول الله ﷺ روایت نمود و این حدیث را معنی اینست که کسی مهدی نخواهد آمد مگر آنکه بر طبع و خوی و طرز تعلیم عیسی بظهور رسد یعنی آن یکی هم مسیح موعود خواهد بود و هم مهدی که بر طبع و خوی و طرز تعلیم حضرت عیسی علیه السلام بظهور آید- یعنی رویارویی بابدی نکند و نه جنگ و هدایت را بواسطه اسوه های پاک و نشانه های آسمانی تعمیم دهد- دیگر

در تایید همین حدیث آن حدیث است که امام بخاری در صحیح نقل کرده که کلمات آن بدین ترتیب است، **يَضَعُ الْحَرْبَ** یعنی آن مهدی که نام دومی او مسیح موعود است نبردهای دینی را بکلی متوقف نماید و از او هدایت شود که جنگ نکنید بلکه پیام دین را با انوار راستی و اعجازات اخلاقی و با نشانه های قرب الهی بگسترید۔ پس من یکر است میگویم، آنکس که در این عصر برای دین نبرد کند یا یکی جنگا ور را پشتیبانی کند یا آشکارا یا در خفا اینگونه مشورت دهد و به دل چنین آرزو دارد، او نافرمان خدا و رسول است۔ “(یعنی اگر چنانچه مسلمان بخاطر دین نبرد کند) ”از مفاد این وصایا، حدود و فرائض تجاوز کرده است“۔

(حقیقة المهدی۔ روحانی خزائن۔ جلد ۱۴۔ صفحه ۴۳۱-۴۳۲)

اکنون ببینید اوضاع کنونی مسلمانان این موضع را مورد تایید قرار میدهد۔ اگر چنانچه این جنگها طبق فرمان خدا صورت میگرفت آنگاه خدایتعالی میفرماید: **وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ**۔ (سورة الرُّوم۔ آیت ۴۸) و مومنان را یاری دادن بر ما بفرض است۔ پس چون تاییدات خدایتعالی در میان نماند باید فکر کرد۔ اگر چنانچه شوق جنگ اینقدر زیاد است دیگر بنام اسلام که نباید انجام داد۔

در این عصر هزیمت مسلمانان بدست دیگر ملل نیز شهادت فعلی خدایتعالی بر این امر است که مسیح موعود بظهور رسیده و فرمان به جنگهای دینی طبق **يَضَعُ الْحَرْبَ** موقوف شد۔ البته اگر میخواهید جهاد

کنید، آنرا با دلائل انجام دهید و بپراهمین - بطوریکه گفتم از روی شهادت فعلی خدایتعالی جنگهای انجام داده بنام اسلام منجر به زیان مسلمانان شده و هرچشمی آخربین شاهد بر این امر است - وعده خدای بر این منوال است که من مؤمن رایاری مینمایم - البته اگر او مؤمن است - پس تنها دو صورت است - یا اینکه مسلمانان مؤمن نیستند و یا جنگها را گزینه وقت ناصواب و دوران پایان یافته است - اما حواستان باشد که در اینها هر دو صورت بودی دارد - چه بعلت عدول از حرف آنحضرت ﷺ مؤمن نتوان قرار گرفت و پس از دعوی مسیح و مهدی از حرف او سرباز زده سزاواری خدایتعالی نتوان شد - پس مدعی مسیح و مهدی در این زمان یقیناً راستگوییست -

## سوگند حضرت مسیح موعود علیه السلام

که ایشان از جانب خدا است

سپس به اثبات راستی خود ایشان ادعای بزرگ کرده اند، ادعای که هیچ کدام دروغگوی نمیتواند اعلام کند:

”من بنام خدا که جانم بدست قدرت اوست، سوگند یاد کرده میگویم که او مرا فرستاده است و اوست که نامم نبی نهاد و او مرا مسمی به اسم مسیح موعود خوانده است و او به تصدیق من نشانه های بزرگ آشکار کرده که بالغ بر سه صد هزار است که شماری از آنها بعنوان نمونه در این کتاب نیز نوشته شده است - اگر افعال معجزانه او و نشانه های روشن که

بالغ بر هزارها است بر صدق من گواهی نمیداد، من مکالمه او را بر هیچ کس آشکار نمی نمودم و نه به یقین می توانستم بگویم که این کلام اوست - اما او بتایید اقوال خود افعالی آنگونه نشان داد که به نمایاندن چهره اش کار آئینه ای شفاف و روشن را انجام دادند -“

(تتمه حقیقة الوحی - روحانی خزائن - جلد ۲۲ - صفحه ۵۰۳)

یکی که بنام خدا داعیه دار است اگر چنانچه داعیه او صواب نباشد پس خدایتعالی با او چطور سلوک دارد، خودتان التفات کنید، خدایتعالی در مورد پیغمبر ناراستگویی میفرماید: **وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ** (سورة الحاقة - آیات ۴۵-۴۶) و اگر او سخنانی بعضی به دروغ بما منسوب مینمود یقیناً ما میگرفتیمش بدست راستش، و سپس فرمود **ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ** (سورة الحاقة - آیت ۴۷) سپس یقیناً ما رگِ جانش را میبریدیم -

اکنون یکی حالی کند که بدنبال این دعوی که حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام مدعی آن شدند که من نبی ام و مرا همه تأییدات حاصل است، آیا خدایتعالی رگِ جان حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام برید یا طبق آن وعده که **وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ** (سورة الروم - آیت ۴۸) و ما یاری بمؤمنان بر خود بفرض نموده ایم، یاری کرد و پیوسته به یاری جماعت میپردازد - صدای که از روستا کوچکی بلند شده بود با شأن تمام و کامل در اکناف عالم گسترش یافته است - امروز جماعت در

۱۸۱ کشور تشکیل شده است. امروز مومنان حضرت مسیح موعود علیه در اروپا، امریکه، در جنگلهای دورا دور و صحاری سوزناک افریقا و در جزایر هم بودی دارند. پس آیا اینهمه پشتیانهای الهی بتصویب صداقت ایشان مکتفی نیست؟ اگر چنانچه این چهره ناراستگوی بود، چرا خدایتعالی طبق قانون خود اورا بازداشت نکرد؟ چرا اورا بانگیزه نسبت کردن الهامات بخود، نیست و نابود نکرد؟ پس جای تعقل است! تعقل کنید و از عقل کار گیرید. من به مسلمانان میگویم چرا دنیا و آخرت را بر باد میدهید؟ فرجام یکی دروغگو بطوری میباشد که اخیراً در پاکستان یک نفر داعیه دار مهدی شد و پس از مبادله شلیک چندگوله اورا بازداشت کردند و اکنون اوزندان است. پس به این فرجام بیدرنگ شاهد آن شده اند. امثال این در پیش نیز زیاد بوده است.

شهادت آسمانی در حق حضرت مسیح موعود علیه السلام  
 بهر تقدیر، در ادامه یکی شهادت آسمانی نیز به اثبات راستی ایشان وجود دارد که ذکر از آن در پیش نیز کرده بودم یعنی گرفتگی ماه و خورشید. این نشانه است که هیچگونه کوشش انسانی را نتوان در آن دخیل شد. آنحضرت ﷺ بعنوان پیشگوئی چندین معین که هزار و چهار صد سال پیش بما گفته بودند پیشگوئی به آن شفافی و لودر عصر حاضر که دانش بسیار رو به ارتقاء است تا چه برسد به زمانی دور، نسبت به زمانی نزدیکتر هم امکان پذیر نیست که ماه رمضان خواهد بود و در فلان تاریخ آن گرفتگی

خورشید و در فلان تاریخ آن گرفتگی ماه صورت خواهد گرفت - در حدیث است: **إِنَّ لِمَهْدِينَا آيَاتِينَ لَمْ تَكُونَا مِنْذُ خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ - تَنْكِيفُ الْقَمَرِ لِأَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنْ رَمَضَانَ وَتَنْكِيفُ الشَّمْسِ فِي النِّصْفِ مِنْهُ -**

(سنن دارقطنی - کتاب العیدین - باب صفة صلوة الخسوف)

یعنی صداقت مهدی ما را دو علامت است و این دو علامت از آفرینش جهان گرفته هیچگاه در حق احدی بظهور نرسیده است - در ماه رمضان در شب اول شبهای خسوف گرفتگی ماه و در روز میانه روزهای کسوف گرفتگی خورشید صورت خواهد گرفت -

پس این پدیده خسوف و کسوف در سال ۱۸۹۴ صورت گرفت و از میان تاریخهای ۱۳، ۱۴، ۱۵ در تاریخ ۱۳ ماه رمضان خسف در ماه گرفت و از میان تاریخهای ۲۷، ۲۸، ۲۹ در تاریخ ۲۸ ماه رمضان کسف در خورشید گرفت - این به اثبات صداقت ایشان دلیلی بسیار روشن است -

حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام فرمودند، آنهنگام کسی بجز من مدعی نبود - برخی ملاها دچار بحث کلمه قمر میشوند - قمر نزد بعضیها شکل ماه است پس از دوشب و نزد بعضیها پس از سه شب - اکنون یکی بنمایاند که هیچ داعیه داری بجز حضرت مسیح موعود علیه السلام پیش از ظهور این علامت تأییدی بود؛ اگر دعوی است آن فقط از جانب یکی است که آن چهره حضرت میرزا غلام احمد قادیانی میباشد - حضرت

مسیح موعود علیه السلام بوضوح فرموده اند که بیشمار علامات پیوسته حقیقت میشود. اگرچنانچه من نیستم یکی دیگر را بظهور آمده نشاندهید. چه بهر تقدیر این بر مقتضای زمان است. اما این گروه مردم نمیتوانند احدی را نشان دهند. لذا تنها حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام مدعی راستین است. چه تاییدات زمینی و آسمانی در حق ایشان قرار دارند. معیار نبوت بپا کرده خدایتعالی ایشان را تایید می نماید. عده از مردم در ماضی نیز اذعان کردند که ایشان با چهره پاک و مطهر بودند. هم ماضی ایشان پاک بود و هم جوانی ایشان مطهر بود. هم ایشان علمی بود و هم احدی اسلام را خدمت فروتر از ایشان انجام نداد. اینرا اغیار نیز اذعان کردند. اگر با رویت هر چیز باز هم گرفتگی عقل احاطه کرده پس اینگونه هارا محافظ فقط خدایتعالی است. چه یارای گرویدن به کسی تنها بفضل خدا بدست میآید.

حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام میفرمایند:

”اکنون حالی کنید اگرچنانچه این بنده برحق نیست دیگر چه کس آمد که او بر سر رسیده چهاردم مانا به این بنده مدعی مجدد شد. آیا یکی هم با دعای الهامی در مقابل مخالفان خود قیام کرد بطوریکه این عاجز یا فشاری نمود. **تَفَكَّرُوا وَتَنَدَّمُوا وَآتَقُوا اللَّهَ وَلَا تَغْلُوا**. (یعنی تعقل کنید، ندامت خورید و از خدا بترسید، چرا در بیحیائیها فروتر میروید.) اگر چنانچه این بنده در دعوی مسیح موعود بودن خود بر اشتباه است پس شما کوششی

چند انجام دهید تا آن مسیح موعود که در گمان شما است همین روزها از آسمان نازل آید چه من که در این عصر حضور دارم- اما برای او که شما مترصدید و او موجود نیست و شکست بردعوی من تنها در آن صورت متصور می‌افتد که اکنون او از آسمان فرود آید تا توان مرا مجرم قرار داد“ (ایشان این اعلامیه آن زمان بهمگان داده بودند)- ”اگر شما بر راه راست هستید همه با هم دعا کنید تا مسیح پسر مریم زودتر از آسمان نازل آمده دیده شود- اگر چنانچه شما بر حق آید این دعا مستجاب خواهد شد چون دعای اهل حق در مقابل مبطلها همواره اجابت کرده میشود- اما شما به یقین بدانید که هرگز این دعا مستجاب نشود زیرا شما بر خطا هستید- مسیح بظهور رسید اما شما او را نشناختید- اکنون این انتظار موهوم شما اتمام کرده نمی‌آید- این زمان سپری شود اما هیچکس از آنها مسیح را نازل آمده تماشا نکند-

(ازاله اوهام جزو اول- روحانی خزائن- جلد ۳- صفحه ۱۷۹)

سپس ایشان فرمودند:

”برای اینست من میگویم که این طائفه مردم دشمن دین و راستی اند- اگر هم اکنون هیچیک گروه از اینها با درستی قلوب نزد من بیایند من هنوز هم حاضر به انجام این کار ام که به شبهات پوچ اینها پاسخ گویم تا به آنها نشاندهم که خدا در حق من چقدر پیشگوئیها را مانا به ارتش کثیری بعنوان اشهاد مهیا داشته است تا حقانیت آنها چون رخسیدن روز آشکار شده است-“

وعدۀ خدایتعالی است که او محبت مسیح موعودؑ را

در قلوب جاداده و فرقه ایشانرا بر همهٔ فرق برتر سازد -

حالا بطوریکه حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام فرمودند

اگر یکی میل دارد رجوع کند آن پیشنهاد رجوع به شرط درستی قلوب پس از صدسال امروز نیز برقرار است و آنهایی که رجوع میکنند حق را نیز در مییابند -

باز فرمودند:

”این ملاهای نادان اگر دیدگان خود را دیده و دانسته می بندند پس ببندند،

چه زیان به راستی از آنها؟ اما آنزمان میرسد بلکه فرارسیده است که بسا

فرعون طبع ها با دقت فکر بر این پیشگوئیا از غرق نجات خواهند یافت -

**خدا میفرماید، من حمله بر حمله خواهم آورد تا آن نهایت که**

**راستی ترا در قلوب خواهم نشاند -** پس ای ملاها! اگر شما یارای

ستیزه با خدا را دارید پس بستیزید - قبل از من یهودیان به انسانی فروتن

پسر مریم کدام اقدامی نمودند و چگونه بگمان خود او را بدار کشیدند - اما

خداوند او را از مرگ دار آویزی نجات داد و یا زمانی بود که او یک فریبکار و

دروغگو دانسته میشد و یا روزگاری رسیده که قدر عظمت او در قلوب

چندین آشیانه کرده که اکنون چهل کرور (چهارصد میلیون) مردم او را بعنوان

خدا میشناسند - هر چند اینها کفر کردند که انسانی ناتوان را خدا برگزیدند اما

این پاسخی است به یهودیان (از جانب خدا) که آنکس را که میخواستند بعنوان دروغگوی زیرپاله کنند همان یسوع پسر مریم به چندین عظمت رسید که اکنون چهل کرویر مردم او را سجده میکنند و گردنهای پادشاهان در برابر نامش خم میشوند. پس من اگرچه این دعا کرده ام که مانند یسوع پسر مریم واسطهٔ بافرایش شرک قرارداد نشوم و من یقین دارم که خدایتعالی همین طور سامان خواهد داد. ولی خدایتعالی مراتب تکرار خبر داد که او مرا عظمت خواهد داد و محبتم در قلوب خواهد نشاند و سلسله من را بر عرصهٔ گیتی پهنادار خواهد نمود و فرقه من را بر همهٔ فرق پیروزی خواهد داد و اهل فرقه من در علم و معرفت چندان کمال کسب خواهند کرد که با انوار راستی خود و دلایل خود و از روی نشانه‌ها، مہری بر لب همگان نهند. (و بفضل خدایتعالی این حقیقت در هریک سرزمین جهان پدیدار و پیوسته رو به افزایش است) ”و هر ملت ازین چشمه آب خواهد نوشید و این سلسله با بسیار نیرو بزرگ و بالا شده گل کند تا آنگاه که بر عرصهٔ گیتی میحط خواهد شد. بسیار موانع ایجاد شوند، آزمایشهای رودهند اما خدا همه را از میان بردارد و وعدهٔ خود را وفا کند. و خدا مرا خطاب کرده فرمود، من ترا برکت بر برکت خواهم داد تا آن انتها که پادشاهان از لباست برکت خواهند جست.

پس ای شنوندگان! این سخنان را به خاطر سپارید و این پیش آگهیهای را در صندوقهای خود نگهدارید که این کلام خدای است که روزی

حقیقت خواهد شد- من در نفس خود هیچ خوبی نمیبینم - من کاری انجام نداده ام که باید آنرا بجا می‌آوردم و من خود را فقط مُزور نالایقی میگیرم- این مجرد فضل خدا است که شامل حالم شد- هزاران هزار سپاس آن خدای قادر و کریم را که او این مشمت خاک را برغم همه بی هنرینها پذیرفت-“

(تجلیات الهیه - روحانی خزائن - جلد ۲- صفحه ۴۰۸-۴۱۰)

پس این امر بعنوان داعیه حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام است یا پیشگویی ما اینرا روزاروز حقیقت شده میبینیم - اما این برای هر یک دین و ملت دیگر نیز مورد تعقل است - جماعت مسیح موعود طبق مواعد مقرر کرده خدایتعالی مرتب روبرتقی است و بطوریکه گفتم هر روز ما شاهد ترقیات هستیم - پس مسلمانان (بعلاوه احمدیان) نیز فکر کنند - آن مسیح موعود که قرار بود بیاید او بظهور آمده است و به اثبات صداقت او در قرآن و حدیث مدارک بفرآوانی است که از آنجمله یک و دورا مطرح کرده ام - زبان حال زمان بانگ میزند - اکنون مترصد کی نشسته اید - ای مردم اندک باندیشید - مسیح که قرار بود برای مسیحیان بازآید او نیز به ظهور رسیده و آنکه قرار بود بیاید به گرد کردن اهل دیگر ادیان بر یکدست، او نیز به ظهور آمده است - اکنون آموزش احترامات به احساسات دیگران بدست آن مسیح و مهدی قرار دارد - حال تعلیم عزت و احترام پیغمبران همه ادیان کار مسیح موعود است - اکنون گسترش مهر و وداد در جهان تنها بواسطه مسیح موعود قرار دارد - اکنون

نجات انسانیت از رنج و بلایا منوط به مسیح موعود است. اکنون رهبری راههای منتهی بقربت الهی و آموزش اسلوب فروتنی در محضر خدایتعالی به بندگان کار مسیح و مهدی است. پس اگر دنیا دوستدار تابه اینهمه اهداف نائل شود باید عمل کننده باشند بر تعلیمات آن عاشق صادق آنحضرت ﷺ و آن چهره که بر طبق پیشگوئیهای همه پیغمبران بظهور آمد و گرنه ما سایه های تجلی قهری را قریب الوقوع می بینیم که حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام در مورد آن با دریافت خبر از خدایتعالی برای ما در میان نهادند. پس من بشما نیز که احمدیان هستید میگویم که هر احمدی به تصحیح خود بجوید و با درستگی خود دنیا را نیز بدین انذار آگاه سازد. خدایتعالی بر این دنیا داران ترحم کرده و به درک حقیقت یارایی عطا فرماید.

## خطبه جمعه

فرموده ۲۴ فوریه ۲۰۰۶ - مسجد بیت الفتوح - لندن - بریتانیا  
 ☀️☀️ بیان نسبت به جریحدار کردن احساسات مسلمانان، پیش گرفتن  
 روشهای ظالمانه و معیار اخلاقی دورویه بنام آزادی مطبوعات و آزادی  
 بیان از جانب برخی از روزنامه های اروپائی -

☀️☀️ جسارت های تجاوزکارانه جهان غرب را سبب خود اوضاع داخلی  
 مسلمانان نیز است و عالم اسلام ناشی از اشتباهات خود دچار حالتی  
 نهایت بیمناک است -

☀️☀️ محبت آنحضرت ﷺ اقتضاء دارد که مامت مسلمه را در ادعیه خود  
 بسیار جادهمیم - امروز تکلیف هراحمدی است که اوامام زمانرا شناخت  
 که بر اثر محبت آنحضرت ﷺ درود فراوان بفرستد -

☀️☀️ درود صمیمانه در فضا آنقدر زیاد بگسترانید تا هریک ذره فضا را  
 بشکوفاند و همه ادعیه ما بواسطه آن درود در بارگاه الهی باریافته اجابت  
 شوند -

☀️☀️ (مراجعه به قرآن مجید، احادیث نبویه و ارشادات حضرت اقدس  
 مسیح موعود علیه السلام با ذکر اهمیت و برکات درود شریف تشویق به  
 خواندن درود بفروانی و ادعیه در حق امت مسلمه) -



أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ، وَرَسُولُهُ، أَمَا بَعْدُ فَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ -

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ -

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ - الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ -  
إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ - اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ - صِرَاطَ  
الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ -

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا  
عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا - (سورة الاحزاب آیت ۵۷) -

موضوعی که از پیش در جریان است، یعنی وقایعی که در خلال چند هفته های اخیر رویداد، پیگیری به جریحدار کردن احساسات مسلمانان و روش ظالمانه که بعضی از روزنامه ها و کشورهای اروپائی بنام آزادی مطبوعات و آزادی بیان در پیش گرفته اند، در این مورد اجمالاً سخنانی چند خواهم گفت - هوای واکنش که علیه برخی از روزنامه ها و کشورهای اروپائی در کشورهای اسلامی جریان دارد میخواهم اینمورد را در میان نهم - این جریان واکنش هم فردی است و هم جمعی - عمل پروتست بر سطح دول نیز در جریانست - بلکه سازمان کشورهای اسلامی او - آئی - سی - نیز گفته اند که بر کشورهای اروپائی فشار وارد میآوریم تا عذرخواهی کنند و هم آئینی تصویب نمایند تا بنام آزادی مطبوعات و آزادی بیان دست به

گریبان انبیاء نرسد. چه اگر چنانچه دست از اینکار برندارند، صلح و صفا در جهان تأمین نمی‌دارد. این طرز واکنش از جانب این کشورها یا سازمان بسیار خوب است. خدایتعالی به کشورهای اسلامی چندان به استحکام رساند و توفیق بخشد تا با درد دل بتوانند به تصویب تصمیمات درخور برقراری صلح و صفادر جهان نقش خود را ایفا کنند.

### معیار دورویه کشورهای و روزنامه های اروپائی-

ایام گذشته روزنامه ایرانی اعلام کرد که ما به انتقام این حرکت در روزنامه خود بمسابقه کاریکاتورسازی بر سر موضوع سلوک بیهودیان در جنگ جهانی دوم سامان خواهیم داد. هرچند این واکنش اسلامی نیست اما کشورهای غربی که آزادی را شعار میکنند و نشر هرگونه پرت و پلاراد در روزنامه های خود نام آزادی مطبوعاتی میدهند نباید از این بدشان آید در صورتیکه بدشان آمد. یا اینکه بدشان نیامد و یا پاسخ میدادند که بعلت آن اشتباه که در دنیا غوغا بپا شد اکنون باید ما اینگونه افکار را نسبت به هیچ یک دین یا بانی و پیغمبران و یا درباره قومی خاتمه داده فضای مهر و وداد را پدید آوریم. اما بجای اینگونه پاسخ، مدیر روزنامه ای که در آن بعلت نشر این کاریکاتورها اینهمه آشوبناکی برپا شده است پاسخ آن اعلامیه روزنامه ایرانی گفته است که مسابقه ای چاپ کاریکاتورهای که در آنجا اعلام شده است یعنی هنگام جنگ جهانی دوم هرچه کاریکاتور مربوط به یهودیان چاپ میشد آن به نشانه ستمکاری یا عدم ستمکاری

بر قومی کشیده میشد و مساله هتاکي يا توهين به هيچ پيغمبري درميان نبود. البته آقاي مدير مينويسد كه ما در اين مسابقه هرگز شركت نخواهيم داشت و بخاطر دلداري قاريان خود ميگويد كه قاريان ما اطمينان خاطر داشته باشند كه موازين اخلاقي ما تا بحال برقرار اند. نيستيم ما كه كاري كاتوره‌هاي حضرت عيسي يا هالوكاست (جريان همه سوزي) را شائع نمائيم. لذا اين امر اصلاً خارج از موضوع است كه مادر مسابقه بد ذوق روزنامه يا رسانه‌هاي گروهي ايران شركت كرده باشيم. اينست معيارشان كه براي خود سوا و بازوي گرفتن احساسات مسلمانان جدا قرار دارند. البته بار اين كار بردوش خودشانست. پس انجام دهند.

### زيوني مسلمانان نهايت بيمناك است.

اكنون ببينيد شرايط معيار را اينطور قراردادده اند. اخيراً يكي نويسنده در اينجا واقعه‌اي هفده ساله قبل را نوشت. او اترپش رفته و آنجا عليه او مرافعه كرده شد. سه سال محكوم به زندان شد. بهر حال دستور كار آنها بدينسانست. خود از كسي تحمل نميكنند. البته به عكس بايستي مانيز رسيدگي كنيم كه حالات ما چگونه ايست. اين جسارتهاپديد شده در آنها يعني جهان غرب ناشي از وضع حال خود ما كه نيست؟ اوضاعي كه در برابر چشمان ما قرار دارد از آن بطور شفاف ديده ميشود كه جهان غرب آگاه است كه كشورهاي مسلمان دست نگر آنهايند. عاقبت پيش آنها باز ميروند. بهم ميستيزند و كمك از اينها ميگيرند. اين جريان تحريم كه اروپا

در مورد کالاهای برخی از کشورها اعلام کرده اند علی‌رغم پروتست اینها میدانند چندی بعد اوضاع آرامش یافته و همان کالاهای که از بازارهای آن کشورهای مورد تحریم ناپیدا شدند به آن بازارها باز می‌آیند. اکنون جالب اینست، مسلمانان که در این کشورها زیست میکنند آنها نیز این چیزها می‌خورند یا استفاده میکنند. مثلاً در دانمارک (دانمارک بیشتر از همه هدف پروتست است) قرب دویست هزار مسلمان اند و اکثریت را مسلمانان پاکستانی تشکیل میدهند که ایشان نیز این چیزها را به کار می‌آوردند. البته اینهمه واکنشها موقتی اند و بزودی پایان خواهند یافت.

حالا ببینید حالات خودما. واقعه ای که بتازگی در عراق صورت گرفت و در اثر حمله انفجار بم گنبد امام بارگاه منهدم شد و در عوض مساجد سنی ها نیز مورد حمله قرار گرفته و نابود میشوند، یکی هم کوشش نکرد تا ببیند، فکر کند تا رسیدگی شود مبادا افتادن ما بهم‌دیگر به انگیزه شر دشمن باشد. زیرا این خریداری تجهیزات نیز از همین کشورها بعمل می‌آید. اما اینها نمیتوانند بدین جهت فکر کنند. از سوی یک از عقل فرو می‌افتند و از روی خشم و عصبیت فرقه خود پریشیده عقل میشوند تا چه کار کنند، از سوی دیگر بدبختانه منافقان نیز همدست دشمن میگردند از آنچه دشمن سوء استفاده کرده و نمیگذارد تا اینها به عقل آیند. البته این صورتحال که بتازگی بر عراق مستولی شده آن کشور را بسوی جنگ داخلی میکشاند. امروزها تقریباً در گرفته است و رهبران آنجا سخت دچار مشکل

اند که اوضاع بی مهار خواهد شد - این صورتحال افتادن مسلمانان بهمدیگر هم حاکم بر افغانستان است و هم بر پاکستان - هر فرقه در صدد ایجاد محیطی خشونت آمیز برای دیگریست - بنام مذهب همدیگر را میکشند - در حالی که خدایتعالی میفرماید: **وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فِجْرًاؤُهُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ، وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا** (سوره النساء - آیت ۹۴) آنکه بکشد مومنی را دانسته پس کیفرش جهنم است و بمدت دراز در آن خواهد ماند و خدا از او ناخوشنود شود و او را از جناب خود دور انداخته و برایش عذابی بزرگ تهیه کند -

علت اصلی پراکندگی و ضعف در مسلمانان نافرمانی از آنحضرت ﷺ و انکار از مسیح و مهدی است

اینک اینها میکشند همدیگر را در اثر تهییج از طرف رهبران فتنه گرو برانگیزنده و اکثریت آنها را رهبران دینی تشکیل میدهند - اینهمه فتن، زد و خورد، قتل و غارتگری و این شعار که قتل کنید ثواب برید، بهشت را وارث خواهید شد، را منشأ اینهایند در حالیکه خدا برای اینکارها جهنم قرار داده و لعنت میفرستد -

در پاکستان، بنگله دیش و دیگر کشورها احمدییان نیز کشته میشوند، اینهایند که با تطمیع بهشت بکارهای جهنمی تشویق مینمایند - بهر صورت من میگفتم که این کردار مسلمانان است که به انتفاع دشمن آنها تمام

شده و برتوان مسلمانان می‌کاهد و عقل این مسلمانان بجای نمیرسد - البته اینکه پیدا است این عقل رفتگی و مایه عذاب بدینعلت است که از فرمان آنحضرت ﷺ عدول کرده و حاضر نیستند قبول کنند و نه بدینسو روی می‌آرند و مسیح و مهدی را تکذیب میکنند - تنها وسیله دعا است دربارگاه الهی و آن هراحمدی باید بجا آرد - بدینسومن درپیش نیز توجه را جلب نموده بودم که خدایتعالی به اینها عقل و ادراک دهد و اینها آلت دست منافقان و دشمنان شده اسلام را بدنام کننده و گردن زننده همدیگر نباشند -

باری هرگاه دشمنان اسلام بطریقی دست بتلاش ذلت و رسوایی این مسلمانان میزنند، احمدی بهر حال دردمند میگردد - زیرا آنها منسوب به پیغمبر محبوب ما حضرت محمد مصطفی ﷺ میشوند یا داعیه منسوب بودن را دارند - البته در اینمورد شکی نیست که عده کثیر ازین مسلمانان بی راه ناشی از کم علمی خود بدنال فریب سخنان این رهبران و علماء دست بچنین حرکات و افعال نامناسب میزنند که با اسلام واسطه از دورا دور هم ندارد - خدایتعالی ادعیه ما رامستجاب نموده این گروه مردم را از چنگ این علماء مصطلح نجات دهد و با ادراک حقانیت حسن تعلیمات اسلام با حرکاتی که بانگیزه ناآگاهی و عدم وقوف، به نشانه جوشش محبت اسلام باعث بدنامی اسلام می شوند، دست ازین بردارند - خدایتعالی به آنها راه راست نمایاند - چه بعلت این حرکاتشان دشمن را فرصت به

گفتن پرت و پلا بر اسلام و حملات توهین آمیزی بر ذات گرامی آنحضرت ﷺ دستیاب میشود.

پس امروزها هر احمدی را توجه کردن به ادعیه ضروریست. زیرا عالم اسلام به انگیزه اشتباهات خود دچار حالت نهایت خوفناکی شده است. اگر چنانچه عشق و محبت راستین در ما وجود دارد، باید که برای امت نیز به ادعیه فراوان پردازیم. توجه کردن بدینسو ضرورت دارد که البته از ما قبلاً نیز رعایت کرده میآید.

### طریق اصلی دعا و حصول برکات

اما امروز من میخواهم توجه را بدینسو جلب نمایم که ادعیه را چطور بعرض رسانیم. این اسلوب دعا نیز به ما آنحضرت ﷺ آموخته اند که بواسطه آن هم اصلاح احوال ماصورت میگردد و هم میتوانیم منظرهای اجابت دعا را تماشا کنیم.

حدیثی است که حضرت عمر بن خطاب میفرماید که آنحضرت ﷺ فرمودند که دعا در میان زمین و آسمان معلق میگردد و تا وقتی که تو بر پیغمبر خود ﷺ درود نمیفرستی هیچ یک بخش آن (برای تقدیم در بارگاه خدا) صعود نمیکند.

(ترمذی - کتاب الصلوة - باب ما جاء في فضل الصلوة على النبي ﷺ)

این چنین حقیقت است که در مورد آن خدایتعالی خود در قرآن برای ما بروشنی بیان فرموده است بصورت آیتی که اخیراً تلاوت نموده ام:

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا (سورة الاحزاب- آیت ۵۷) براستی الله و فرشتگان او درود میفرستند بر پیغمبر، ای مردم که ایمان آورده اید! شما نیز بر او درود و سلام بفرستید۔

قرآن را بیشمار فرامین است که بجا آوردن آنها فرمانست و در نتیجه انجام دادن آنها مقبولان خدایتعالی خواهید شد، وارث نعمات خدایتعالی قرار خواهید گرفت، مقربان خدایتعالی خواهید شد، از جهنم نگهداشته خواهید شد، وارد بهشت خواهید شد۔ در اینجا فرمان اینست که این کردار چندان بزرگ و بالا است که خدایتعالی فرشتگان خود را نیز به انجام آن مأمور کرده است و خدایتعالی خود نیز بر پیغمبر محبوب خود ﷺ درود میفرستد۔ بنابراین، این کاریست که با انجام دادن آن شما پیروی از آنکار میکنید که کردار خدایتعالی است۔ پس چنانکه خدایتعالی در برابر انجام دادن فرامین خود با أجوری اینقدر بزرگ مینوازد آنگاه کاریکه خدای تعالی تکلیف به ذات خود کرده او در عوض انجام دادن آن چقدر اجر جزیل خواهد داد؟ و یقیناً درود فرستاده با دل و جان هم بحال امت بهبود آورده و هم باعث خیر و صلاح ما و هم وسیله اجابت ادعیه ما قرار گیرد۔ ما را از فتن دجال حفظ خواهد داشت۔

در احادیث روایات مختلف بر مزایای درود یافت میشود۔ در یک روایت آنحضرت ﷺ فرمودند که روز قیامت از میان مردم نزدیکترین من

آنکس باشد که فرستندهٔ درود بر من بیشتر از همه خواهد بود۔

(ترمذی - کتاب الصلوة - باب ما جاء في فضل الصلوة على النبي ﷺ)

باز فرمودند، "آنکس که با خلوص ارادت بر من یکبار درود فرستد  
بر او خدا تعالی ده بار درود فرستاده و او را ده درجه رفعت بخشد (و برایش  
ده نیکی خواهد نوشت) و ده برابر عفو نماید۔

(سنن النسائی - کتاب السهو - باب الفضل في الصلوة على النبي ﷺ)

حال دقت شود که شرط خلوص ارادت است۔ عده ای زیاد  
داعیان یا دعا طلبان مینویسند که ما بسیار دعا میکنیم و شما نیز دعا کنید،  
درود هم میخوانیم اما برغم مدت دراز ادعیه ما مستجاب نمیشود۔  
آنحضرت ﷺ به رهنمونی اینکه درود به چه طریق باید فرستاد، فرمودند:  
**صَادِقًا مِّنْ نَّفْسِهِ**۔ از خلوص ارادت بفرستید۔ هنگام درود هر کس  
نفس خود را بپژوهد، قلب خود را رسیدگی کند که در آن آلودگیهای دنیا به  
چه میزان است و توجه بفرستادن درود چقدر خالص است۔

حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام میفرمایند:

"درود شریف بمنظور نیل به استقامت یک وسیله زبردست است۔  
بکثرت بخوانید اما نه بعنوان رسم و عادت بلکه با در نظر داشتن حسن و  
احسان رسول الله ﷺ و برای ارتقای مدارج و مراتب ایشان و برای پیروزی  
های ایشان که بدنبال آن اثمار شیرین و لذت بخش بشما خواهد رسید"۔

(مجله ریویو آف ریلیجینز اردو - جلد ۳، شماره ۱، صفحه ۱۱۵)

پس دستور العمل برای فرستادن درود شریف بدینگونه است۔

سپس ایشان میفرمایند:

”(ای مردم!) درود بفرستید بر آن نبی محسن که مظهر صفات خداوند رحمان و منان است - زیرا احسان را عوض احسان است و در آن دل که احساس احسانات ایشان نیست آن یا اصلاً فاقد ایمان است و یا اینکه آن در پی نابودی ایمان است - بارالها! درود بفرست بر آن رسول و نبی امی که آب نوشاند هم آخرین را بطوریکه اولین را سیر کرده بود و ایشان را در رنگ خود مملون نموده و ایشان را به گروه پاک مردان داخل نموده بود“ -

(ترجمه از عربی) اعجاز المسیح - روحانی خزائن - جلد ۱۸ - صفحه ۵-۶)

اگرچنانچه اینگونه خالص شده درود بفرستید که رنگ جماعتی نیز پدید آید آنگاه درود نیست که آن اثرات خود را نیز حتماً نشان میدهد - آنها که میگویند درود مؤثر واقع نمیشود بر آنها این امر از روی این حدیث و کلام حضرت مسیح باید آشکار شده باشد که هیچگاه از فرستادن درود نباید ستوه گردید بلکه نفس خود را باید پڑوید - آنحضرت ﷺ فرمودند، آنکه بر من درود نفرستد او سخت بخیل است و به انگیزه این بخل او به علاوه اینکه بارگناه بر خود میگیرد در عین حال از فضلهای خدایتعالی نیز بی بهره میگردد - بطوریکه ما دانسته ایم، خدایتعالی بفرستنده درود یکباره ده بار درود میفرستد -

(جلاء الافهام - صفحه ۳۱۸ - مراجعه سنن النسائی)

این طرز معامله به حصول دستیاری خدایتعالی آنقدر جالب است که هم صحابه آنحضرت ﷺ و هم صحابه حضرت مسیح موعود علیه السلام

همه ادعیه را کنار نهاده فقط درود فرستادن را برگزیده بودند.

بمصادق روایتی دیگر آنحضرت ﷺ فرمودند، این یک کج خلقی و مایه عدم اعتماد است که نزد فردی من یاد کرده شوم و او بر من درود نفرستد.

(جلاء الافهام صفحه ۳۲۷ - مطبوعه ۱۸۹۷ - امرتسر)

حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه فرمود، "درود فرستادن بر آن حضرت ﷺ را فضیلت فزونتر از آزاد کردن گدنها است و صحبت داشتن با ایشان افضلتر از جان دادن در راه خدایتعالی یا بجای آوردن جهاد است." (تفسیر درّ منثور - مراجعه تاریخ خطیب و ترغیب اصفهانی -

راجع به درود شریف - صفحه ۱۲۰)

حال این جهادهای مصطلح که امروزها حرب کرده میشود بعنوان هم جدل با اغیار و هم با زدن گردنهای همدیگر، کسی از این علماء بپرسد، شما که احساسات این مسلمانان بیسواد و نادانان را برانگیخته (که بعلت جوشش دینی خیالی خود باظهار غیرت اسلام حرکاتی ناصواب انجام میدهند) و اینها را غلط رهنمائی میکنید این کدام یک اسلام است؟ در حالیکه تعلیم اسلام اینست که با شنیدن کلمات ناشیرین نسبت به آنحضرت ﷺ، در مقابل آن شما به محاسن ایشان تذکر دهید - برایشان درود بفرستید - اینکار افضلترین جهاد و نیکوتر از جان دادن است که توجه را بسوی ادعیه و درود بپردازید و در حین این عصر که عصر حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام است بر ضرورت این امر بیشتر میافزاید که بجای پیش گرفتن راه تشدد بر ادعیه و درود طرح کرده و همزمان به تصحیح خویشتن بکوشید -

نفسهای خود را بپژوهید که ما تا چه حدی با آنحضرت ﷺ محبت کنندگان هستیم - مباد این جوشش موقتی باشد که بعلت بهره برداری برخی گروه ها ما را نیز دربر میگیرد؟

پس باید از جائیکه ما توجه را به اصلاح خود میپردازیم اگر چنانچه میتوانید در جوار خود بمسلمانان حتماً بفهمانید تا راه تغلط پیش نگیرند - بلکه راهی اختیار کنند که خدایتعالی و رسولش آنرا دوست دارند و آن راه برای ما گفته شده است و آن اینست که آنحضرت ﷺ فرمودند، اگر آرزو مند خوشنودی من هستید، میخواهید وارد بهشت شوید، پس درود بر من بفرستید -

در روایتی است مروی از حضرت عبدالله بن مسعود که آنحضرت ﷺ فرمودند، "آنکه بر من درود نمیفرستد او راهیچ دینی نیست" -  
(جلاء الافهام - مراجعه محمد بن حمدان مروزی)  
سپس در موقعی ایشان فرمودند:

"خدا را بکثرت یاد کردن و فرستادن درود بر من وسیله رد عسرت است -"  
(جلاء الافهام - فصل الموطن السادس والعشرون من مواطن الصلوة علیه ﷺ  
عند الإمام الفقرا وخوف وقوعه)

اینک در حال حاضر تنگی رزق و سختیهای روزگار که بر مسلمانان وارد میآید، جهان غرب برای خود مبادی اخلاق سوا و برای کشورهای اسلامی سوا قرارداده اند، نیکوترین راه حل این مساله اینست که درود فراوان بر

آنحضرت ﷺ فرستاده و از آن برکات کسب فیض شود که خدایتعالی به خواندن درود اختصاص است۔

روایتی است (قسمتی چند از آن درپیش نیز گفته شد) تفصیل آن جای دیگر نیز میآید۔ مروی است از حضرت انس رضی الله عنه که آنحضرت ﷺ فرمودند، ”روز قیامت هنگام هر مرحله هولناک آن از میان شما نزدیکتر من آنکس خواهد بود که در دنیا بر من درود زیادتر از همه فرستاده خواهد داشت۔“

(تفسیر درمنثور۔ مراجعه شعب الایمان للیهقی و تاریخ ابن عساکر)  
 اکنون کیست که نمیخواهد که روز قیامت او در قربت آنحضرت ﷺ جا داده شود و دامن آنحضرت ﷺ را چنگ زده هر جا خطرناکی را عبور کرده داشته باشد۔ یقیناً هر کس از عقوبت خدایتعالی نجات میخواهد۔ پس این طریق است نایل شدن به هدف نجات و قربت آنحضرت ﷺ که ایشان برای ما مطرح نموده اند۔ پس باید اینکه درود هر آن مرکوز خاطر هر مومن شده و با استفاده هر یک فرصت درود فرستاده شود۔

روایتی است مروی از حضرت انس رضی الله عنه که آنحضرت ﷺ فرمودند، ”آنکس که روزی هزار بار بر من درود فرستد او رتبه بهشتی خود را در همین دنیا رویت خواهد کرد۔“

(جلاء الافهام۔ مراجعه ابن الغازی و کتاب الصلوة علی النبی لأبی عبد الله المقدسی)

پس تغییراتی که با برکات درود شریف پدید آید آنها حیات این دنیا را نیز مبدل به بهشت خواهد نمود و همین افعال و نیکبها و تغییراتی پاک که این عالم را مبدل به بهشت گرداند همزمان برای جهان دیگر نیز وارث قرار داده خواهند داشت.

مروی است از حضرت عبدالله بن عمرو بن العاص که ایشان شنیدند حضرت نبی ﷺ را که میفرمودند:

”چون اذان مؤذن بگوش شما برسد شما نیز همان کلمات را تکرار کنید که او میگوید. سپس درود بر من بفرستید. آنکه درود بر من فرستاد خدای تعالی بر او ده برابر رحمت خواهد فرستاد. برای من از خدا وسیله بخواهید که این رتبه ای از جمله مراتب بهشت است که از میان بندگان خدا به یکی خواهد رسید و امید دارم که آن من خواهم بود. هر که از خداوند برای من وسیله خواست برایش شفاعت حلال گردد.“

(صحیح مسلم - کتاب الصلوة - باب استحباب القول مثل قول المؤذن لمن سمعه ثم یصلی علی النبی ﷺ)

پس دعای که بدنبال اذان است هراحمدی آنرا باید از بر کرده و به خواندن آن عادت کند. اهمیت فرستادن درود و مزایای درود واضح گردید. اما بعضیها این سؤال نیز مطرح میکنند که درود چگونه فرستند. گروهها درودهای گروهی درست کرده اند. اما در این مورد حدیثی است:

حضرت کعب عجره رضی الله عنه نقل میکند که ما عرض کردیم که یا رسول الله! برای فرستادن درود بر شما ما میدانیم اما درود بر شما چگونه

بفرستیم۔ فرمودند، بگوئید کہ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَعَلٰی آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا صَلَّيْتَ عَلٰی اِبْرَاهِيْمَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ وَبَارِكْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَعَلٰی آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا بَارَكْتَ عَلٰی اِبْرَاهِيْمَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ۔

(صحیح ترمذی۔ ابواب الوتر۔ باب ما جاء في صفة الصلوة على النبي ﷺ)

پس شیوہ اینست۔ البتہ نماز را درود با تفصیل بیشتر است۔

سپس در این مورد حضرت مسیح موعود علیہ الصلوٰۃ والسلام

درنامہ ای بہ کسی بعنوان توصیه میفرماید:

”در نماز تہجد و او را معمولی مشغول باشی۔ تہجد را برکات فراوانست۔

بیکاری ہیچ چیزی نیست۔ بیکار و سهل انگار ہیچ وزنی ندارد۔ وقال اللہ

تعالیٰ، وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا (سورۃ العنکبوت۔ آیہ ۷)۔ درود

شریف همان بہتر است کہ از زبان مبارک آنحضرت ﷺ درآمد و آن این

است: اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَعَلٰی آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا صَلَّيْتَ عَلٰی اِبْرَاهِيْمَ وَ

عَلٰی آلِ اِبْرَاهِيْمَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ۔ اللّٰهُمَّ بَارِكْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَعَلٰی

آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا بَارَكْتَ عَلٰی اِبْرَاهِيْمَ وَعَلٰی آلِ اِبْرَاهِيْمَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ

مَّجِيْدٌ۔

فرمودند، ”کلماتی کہ از لسان پرهیزکاری درمیآید حتماً در آنها بقدری

برکت میباشد۔ پس باید این خیال پیش چشم داشت آنکہ سردار پرهیز

کاران و سالاران نبیاء است کلماتی که از لسان او درآمد چقدر متبرک خواهد بود۔ الغرض از جمله اقسام درود این یکی درود شریف مبارکتر است۔

(درود را اقسام گوناگونست و از میان آنها همین یک مبارکتر است) ”این یکی درود و در این بنده است و تحدید شمارش ضروری نیست۔ با خلوص و محبت و حضور قلب و تضرع باید خواند و تا آن غایت باید خواند که حالت رقت، بیخودی و تأثر پدید شود و در سینه انشراح و ذوق پیدا آید۔“ (مکتوبات احمدیه۔ جلد اول۔ صفحه ۱۷-۱۸)

پس این درود است که مادر نماز میخوانیم۔ بطوریکه گفتم حداکثر درود باید بر همین یک تمرکز یابد۔ حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام فرمودند به تعداد نباید نگرست۔

در حدیث عدد هزار یاد شده است۔ اینرا مطلب است هر چه فزونتر است توان خواند۔ اما حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام نیز به بعضیها تعداد گفتند۔ یکی را بخواندن هفت صد بار یا هزار و صد بار گفتند۔ پس این فرمان فراخور شرایط و معیار فردی تغییر میکند۔ بهر تقدیر ما این درود باید بخوانیم۔ برای اینست که من گفته بودم که از آنجمله ادعیه جشن صد ساله همراه با خواندن این دعای الهامی حضرت مسیح موعود **سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ - اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ**، بعلاوه درود شریف کامل نیز خوانده شود۔ زیرا درود شریفی که آنحضرت ﷺ خود خوانده بودند ما باید آنرا مشمول ادعیه خود

قرار دهیم۔ اما بطوریکه حضرت مسیح موعودؑ فرمودند با آنقدر استغراق بخوانید که چگونگی ویژه فراگیرد و چنانکه اینطوری باشد وارث فضل‌های خدایتعالی قرار خواهید گرفت۔

## پیروزیها فقط و فقط بواسطه دعا امکان دارد

این عصر که عصر آخرین است، عصری که فتوحات اسلام وابسته به آنست و این فتوحات همه ما میدانیم با تیغ یا توپ و تفنگ و شلیک گلوله قرار ندارد بلکه مهمترین تجهیزات دعا است و ابزار دلائل و براهین است که حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام مجهز با آنند و ظفر اسلام انشاء الله منوط به برگزیدن همین طریق است۔ و برای استجابت دعا و حصول قربت الهی و برکات، خدایتعالی به ما گفته است و ما از این آیت دانسته ایم که درود بر نبی ﷺ بفرستید و از روی حدیث نیز عالم شده ایم که اینهمه امکان پذیر نیست بجز فرستادن درود بر آنحضرت ﷺ و حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام نیز همین امر را در میان نهاده اند که رتبه ای که من به آن نائل شده ام برپایه فرستادن همین درود دست داده است و این در مورد فتوحات آینده نیز نقش ویژه دارد۔ راجعه این رتبه منیع که خدایتعالی ایشان را بعنوان مسیح و مهدی عنایت کرد ذکر از الهامی آورده میفرمایند: ”الهامی پس ازین بدین منوال است: صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ وُلْدِ آدَمَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ۔ و درود بفرست بر محمد و آل محمد که سردار فرزندان آدم و خاتم الانبیاء است ﷺ۔“

این اشاره یست بدین امر که اینهمه مراتب، تفضلات و عنایات از واسطه او و درازاء محبت اوست - سبحان الله آن سرور کائنات را مراتب در حضرت احدیت چقدر اعلائی و چه نوع قربتی است که مُحِبش محبوب خدا و خادم او مخدوم جهان میشود (یعنی دنیا خدمتکارش میگردد) -

-----  
 ”اینجا بخاطر آمده که شبی این بنده درود شریف با آن کثرت خواند که دل و جان معطر گردید - همین شب در خواب دیدم (فرشتگان) مشک های نور بشکل آب زلال در منزل این بنده میآرند و یکی از ایشان گفت که این همان برکات است که بسوی محمد فرستاده بودی - ﷺ -

وقصه دیگری شگفت انگیز نیز بخاطر آمده که یک مرتبه الهام شد که معنای آن بدین ترتیب بود که ”سُكَّانِ مَلَأَ اَعْلَىٰ فِي حَالِ خُصُومَةٍ اَنْدَ يَعْنِي اِرَادَةَ اَلْهٰی لِبرای اَحْيَاءِ دِیْنٍ فِي حَالِ جَوْشٍ اَسْت - اما هنوز بر ملاء اعلیٰ تعیین شخص محیی (احیاء کننده) روشن نشده است - برای این با اختلاف روبرو اند - در همین اثناء در خواب دیدم که مردم بتلاش یک محیی در حال حرکت اند و فردی روبروی این بنده آمده و با اشاره گفت:

**هَذَا رَجُلٌ يُحِبُّ رَسُوْلَ اللّٰهِ** یعنی این چهره ایست که با رسول الله محبت دارد و این سخن را مطلب بود که برای این رتبه شرط اعظم محبت رسول است که آن در این چهره متحقق است (موجود است) -

”و بهمین ترتیب در الهام فوق الذکر حکم درود بر آل رسول که است پس در آن هم سرهمین است که در افاضه انوار الهی محبت اهل بیت نیز به حد نهایت عظیم دخیل است و آنکه به زمره مقربان حضرت احدیت داخل میشود او از همین طیبین و طاهرین ارث یافته و در جمله علوم و معارف وارث ایشان قرار میگیرد.“

(براهین احمدیه - مجموعه چهار جزو - حاشیه در حاشیه - شماره ۳ -

روحانی خزائن - جلد ۱ - صفحه ۵۹۷-۵۹۸)

برای بازیافت عظمت از دست رفته اسلام الزام آور است که کوشش با شرکت در جماعت مسیح موعود انجام داده شود:

پس حالا احیاء دین، بازیافت شأن و شوکت از دست رفته اسلام، قیام به دفاع توقیر آنحضرت ﷺ با پیروی از آن جریّ الله که خدای تعالی خود او را مبعوث کرد و فرا گرفتن آن براهین و دلایل که او و رداد و عمل کردن بر تعلیمات او، پرچم اسلام و آنحضرت ﷺ با آب و تاب تمام و شأن و شوکت با کمال در سراسر جهان به اهتزاز درآمده و پیوسته ادامه خواهد داشت -

حضرت مسیح موعود علیه السلام در ضمن بیان اهمیت این روزگار و برای جلب توجه مردم میفرمایند، مجمل کلام اینست که این ایام عرصه را بر اسلام تنگ گرفته است - برای اینست که خدایتعالی

سلسله ی را تشکیل داد که عظمت از دست رفته را باز خواهد آورد۔  
 بنابراین به مسلمانان فرمود که سرسختی را ترک کرده و فکر کنید که آیا  
 خدایتعالی با وجود چنین شرایط حکم فرما که حملات از هر سو بر ذات  
 گرامی آنحضرت ﷺ آورده میشود به برقراری عزت و احترام ایشان به  
 جوشش نیامد در حالیکه او خود درود میفرستد؟  
 مقتبس کامل بدین ترتیب است که فرمود:

”این عصر چقدر بابرکت عصری است که خدایتعالی در این ایام پر آشوب  
 محض بفضل خود باظهار عظمت آنحضرت ﷺ این اراده فرخنده فرمود  
 که نصرت اسلام را از غیب سامان داده و سلسله ای تشکیل داد۔ من  
 میخواهم از این گروه مردم بپرسم که در دل خود اسلام را درد مندند و  
 عزت و احترام آن در دلشان جا دارد، بگویند آیا هیچ عصری دشوارتر از  
 عصر کنونی بر اسلام گذشته که در حین آن اینقدر سب و شتم و توهین به  
 آنحضرت ﷺ و هتاک قرآن مجید کرده باشد؟ پس افسوس میخورم  
 بحال مسلمانان و آزرده خاطر میشوم و گاهی در اثر این رنج بی قرار میشوم  
 که در اینها حسّ به این میزان هم باز نمانده تا این بی عزتی را محسوس  
 کرده باشند۔ آیا خدایتعالی به عزت آنحضرت ﷺ هرگز منظور نه داشت  
 تا با وجود اینقدر سب و شتم او یکی سلسله آسمانی تشکیل داده و دهن های  
 مخالفان اسلام را بسته و عظمت و پاکیزگی ایشان را میگسترید؟ چنانکه  
 خدایتعالی خود و فرشتگانش نیز بر آنحضرت ﷺ درود می فرستند، در این

هنگام توهین آمیز، اظهار این صلوات چقدر ضروری است ظهورش را خدایتعالی بصورت این سلسله مبادرت نموده است -

(ملفوظات - جلد ۳ - صفحه ۸-۹ - چاپ جدید)

این جمله رادقت کنید، جماعتی که خود را منسوب با حضرت مسیح موعود میگردانید چقدر عهده داری سنگین بردوش شماست -

پس در این هنگام چون برخلاف آنحضرت ﷺ طغیان بدخویی روی آورده است یقیناً فرشتگان خدایتعالی برایشان درود میفرستند - مآکه خود را به سلسله عاشق صادق آنحضرت ﷺ و امام زمان و جماعت او پیوند زده ایم، تکلیف ما نیز است که ادعیه خود را در درود شریف قالب کنیم و درود را با صفای باطن در فضا آنقدر بگسترانیم تا هر ذره فضاء با رایحه آن معطر گردد و ادعیه ما بواسطه درود در بارگاه خدایتعالی باریافته مستجاب گردد - اینست طریق اظهار مهر و محبت که ما باید با ذات آنحضرت ﷺ و آل ایشان داشته باشیم - خدایتعالی به امت مسلمه عقل دهد، فهم دهد تا فرستاده خدا را شناخته و بجماعت آن فرزند روحانی آنحضرت ﷺ در آیند که مجدداً فضاء صلح، امن و مهر را در دنیا پدید آورده و به رتبه آنحضرت ﷺ ترفیع میدهد - خدایتعالی این مردم را عقل دهد با اینکه با آنحضرت ﷺ منسوب اند ببینید که امروز در ماه محرم بعد از هزار و چهارصد سال در همان خاک مسلمان خون مسلمان میریزد، اما هرگز درس عبرت نگیرد و آن خون پیوسته میریزد - خدایتعالی به اینها عقل دهد تا دست از اینکار بردارند و خدا ترسی را در قلوب خود جاداده و روح تعلیمات راستین اسلام

را در خود منعکس نمایند. این جنبه کردار بعثت عدم شناسایی امام زمان و شانه خالی کردن از فرمان آنحضرت ﷺ است.

پس حالا تکلیف هر احمدی است، تکلیف بسیار بزرگی چون او امام زمان را شناسائی کرد، که از روی احساس محبت با آنحضرت ﷺ درود فراوان بخوانید، به ادعیه پردازید هم برای خودتان و هم برای سایر مسلمانان تا خدایتعالی امت مسلمه را از تباهی نگهدارد.

محبت آنحضرت ﷺ اقتضاء دارد که ما امت مسلمه را در ادعیه خود بسیار جادهمیم. نیت بیگانگان درست نیست. ناپیدا است هنوز اینکه مسلمانان را به کدام مشکلات و آزمایشها و مصایب دچار و مواجهه با آنها شدن است و چه نوع برنامه ها برخلاف آنها توطئه کرده میشود. خداوند ترحم کند.

خدایتعالی ما را همیشه به پیمودن راه راست رهنمونی نماید. بندگان سپاسدار او باشیم و سپاس داشته باشیم که او ما را برای گرویدن به امام این زمان توفیق داده و حالا بحق گزاری آن نیز توفیق عطا فرماید و همیشه جوینده خوشنودی خود قرار دهد.

## خطبه جمعه

فرموده ۳ مارس ۲۰۰۶ - مسجد بیت الفتوح - لندن - بریتانیا  
 ﷺ حضرت مسیح موعود علیه السلام را به نسخ جهاد، تغییر دادن  
 احکام اسلامی و پایان دادن تعلیمات آنحضرت ﷺ و مدت زمان ایشان،  
 مقصر دانستن سراسر اتهام و بهتان بیمناسبتی است -

ﷺ عشق رسول الله ﷺ در قلوب ما بفضل خداوند متعال بیلیونها برابر  
 در مقایسه به اینهایی فزونتر است که بر سر ما اتهامات و بهتان های  
 اینگونه میزنند -

ﷺ انتشار خبری سراسر دروغین و خلاف حقیقت در روزنامه جنگ  
 بر علیه جماعت احمدیه نسبت به پخش کاریکاتورهای به توهین آن  
 حضرت ﷺ در روزنامه دانمارکی، شرارت و شرانگیزی محض است -  
 ﷺ در مورد افشاندن این خبر دروغین من فقط این میگویم که لَعْنَةُ اللَّهِ  
 عَلَى الْكَافِرِينَ - خداوندگار این بدنهادها را نشان عبرت قرار دهد -



أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ، وَرَسُولُهُ، أَمَا بَعْدُ فَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ -

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ -

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ - الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ -  
إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ - اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ - صِرَاطَ  
الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ -

انتشار خبر دروغین و بی اساس در روزنامه جنگ راجع  
به جماعت احمدیه، فقط شرارت و شرانگیزیست -

دیروز روزنامه جنگ لندن خبری نشر کرده که آن با عقاید جماعت  
احمدیه تعلق دارد و این خبر بویژه از روی شرشاعی کرده شده  
است - این نه تنها متضاد با عقاید ما بلکه رویداد یاد شده با واقعیت نیز  
هیچ ربطی ندارد - هرگز بودی ندارد - یحتمل این خبر بدنبال خبر اینجا در  
پاکستان نیز نشر شده باشد و اگر دیروز نشده امروز چاپ شده خواهد بود  
چون این روزنامه ها به افزایش فروش برای نشر اینگونه اخبار بتعجیل  
اقدام میکنند - برای افزایش توزیع دست زدن به اخلاق سیئه و شیوع  
سلسله دروغگویی، عادت کرده اند - درباره این روزنامه در پاکستان همه  
ما میدانیم گاهگاهی در مورد ماهرزه لای و دروغگویی میکند -

بتازگی روزهای گذشته در روزنامه دانمارکی و در پی آن در کشور های دیگر کاریکاتورهای لغو و نامطبوع نشر کرده شد که در نتیجه آن موج نهایت غم و خشم در مسلمانان برخاسته است - دست به اعتصابات و راه پیمایها زده میشود - بهر تقدیر هر چه اظهار خشونت است در صورتی که کسی مهار کننده نباشد، این سیل را مسدود کننده ای نباشد، آنرا به سمت صواب رهبری کننده نباشد، واکنشها بهمین ترتیب ظاهر میشود - زیرا مسلمان با هر کرداری باشد اعم از اینکه نماز گزار است یا خیر، نیکوکار است یا نه، امامحاذی مسأله ناموس رسالت بسیار غیور است و جان دادن را حاضر میشود - در این شرایط این خبر را نشر کردن بویژه دیروز پنجشنبه را که امروز جمعه در اکثر نقاط برنامه ای از سرگرفتن تظاهرات و اعتصابات و اظهار واکنش ازین قبیل فروچیده شده است، این مبادرت بویژه برای این بود تا به ایجاد فضاء ناشیرینی به ضدیت احمدیان کوشش کرده شود - این کوشش نهایت ظالمانه و به فتنه جویی است تا با بهره برداری ازین چهره حال، مسلمانان بیسواد را برانگیخته احمدیان هدف تجاوزگری قرار داده شوند - بهر حال اینها تلاش کنند تا فرصتی را به تهیج ابله و بیسوادهای از مسلمانان برخلاف احمدیان از دست ندهند -

عده زیادی از شما آن خبر خوانده خواهید بود - اما چون همه نمی خوانند من آنرا بر میخوانم - این خبر مراجعه به کاپن هاگن انتشار یافته است - خبر گزارشان آقای دکتر جاوید کنول میگوید، "یکی مقام مسؤل از

اداره اطلاعات دانمارک بشرط عدم اظهار اسم و سمت خود ضمن گفتگوی بر موضوع مسأله چاپ کاریکاتورها به روزنامه جنگ گفت که در ماه سپتامبر سال ۲۰۰۵ جلسه سالیانه قادیانیها در دانمارک برگزار شده بود که مقامات مرکزی قادیانیها در آن شرکت داشتند. آنهنگام هیات قادیانیها بایک وزیر دانمارکی ملاقات کردند و در خلال مذاکرات بر موضوع جهاد بدو گفتند که تنها آنها علم بردار اسلام هستند. - بیان تا این حد که درست است - اگرچه ما بویژه بدیشان نگفته بودیم البته داعیه ما همین است که تنها جماعت احمدیه علمبردار تعلیمات حقیقی اسلام است -

در ادامه میافزاید: ”پیغمبرشان میرزا غلام احمد قادیانی (علیه السلام) جهاد را منسوخ اعلام کرده است -“

سپس میافزاید: ”میرزا غلام احمد قادیانی احکام اسلامی را (نعوذبالله) عوض کرده است -“ (البته این سراسر اتهام و بهتان است - حالا جلوتر ببینید دست شرارت او را): ”برای اینکه تعلیمات و زمان محمد ﷺ پایان یافته است -“

نعوذبالله - روزنامه مینویسد، با باور گردانیدن قادیانیها که پیروکاران محمد ﷺ فقط تا عربستان سعودی محدود اند، روزنامه دانمارکی ۳۰ سپتامبر را ۱۲ کاریکاتور نسبت به محمد ﷺ نشر کرد که هدف اصلی آنها حمله بر فلسفه جهاد بود - آن مقام مسؤل دانمارکی گفت که تا سرآغاز ژانویه ما به این امر یقین داشتیم که داعیه قادیانیها صواب بود - زیرا تا ژانویه احدی از

کشورهای اسلامی بجز عربستان سعودی اعتراضنامه رسمی تسلیم نکرده بود. سکوت او- آئی- سی بریقین ما میافزود- آن مقام مسؤل در آن دیدار نوار ویدیوی نیز بشنوانید درچه گفتگوی به زبان های دانمارکی، اردو و انگلیسی ضبط بود-

(روزنامه جنگ لندن- ۲ مارس ۲۰۰۲- صفحه ۳۰۱)

گویی مذاکرات با آن مقام مسؤل درسه زبان بعمل آمده بود- البته دروغ پادار نیست- آنقدر بی اساس خبر است که هیچ حد و حصری ندارد- آقای دکتر جاوید کنول شاید نماینده خصوصی روزنامه جنگ است- نخست خیال این بود که او در دانمارک است- اما اکنون معلوم گردیده که او ساکن ایتالیا است و از آنجا نمایندگی روزنامه جنگ و جیورا بعهدہ دارد و رسماً بطوریکه تابحال من حالی شده ام او به شائع کردن خبری راجعه دانمارک در روزنامه، مجاز نیست-

نخستین امر این اتهام است که در ماه سپتامبر جلسه جماعت منعقد شد- آنجا ماه سپتامبر سال گذشته جلسه جماعت هرگز منعقد نشده بود- بلکه باعث حضور من جلسه همه کشورهای اسکاندیناوی یکجا در سوئد برگزار شده بود و بواسطه ایم- تی- آ همگان رویت کرده بودند که ما چه سخنها گفته و چه نگفته بودیم-

در دانمارک به پیشواز من در یک هتل مراسم پذیرائی برگزار شد که نمایندگانی چند از روزنامه ها، مطبوعات، سایر دانشمندان و مقامات دولتی نیز شرکت داشتند- یکی وزیر خانم نیز آمده بود و در آنجا ذکر از تعلیم

پرنور و امن دوست اسلام مراجعه قرآن، احادیث و حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام آورده شد و هرچه در آنجا در میان نهاده شد روشن و بارز بود. هیچ مورد مرموز نبود و روزنامه های آنجا نیز نشر کردند. بلکه رویدادی چند برنامه تلویزیونی آنجا هم پخش کرد. و مذاکرات جداگانه ای صورت نگرفته و سخنرانی من نیز همان یکی مربوط به مراسم پذیرائی بود و بنظر من ایم-تی-آ نیز آنرا پخش کرده و اگر نه، حالا پخش کنند.

یاحتمل که در خلال سخنرانی ما نا به ذکر از نویسنده، ذکر از سایر مردم نیز آمده باشد بدین عنوان که عده ای از مردمنده که باعث بدنامی اسلام میشوند و گرنه اکثریت مسلمانان اینطرح جهاد و تروریسم را دوست نه دارند. بهر حال بهتان بزرگی بر ما بسته شده است که شاید یکی دروغگوترین کس هم پیش از گفتن تأمل کند زیرا امروزها که هر سخن ضبط کرده میشود و بنقل قول از این آقا نواری ویدیو در زبان اردو، لاتین و دانمارکی نیز حاضر است. اگر چنانچه راستگوی است آن نوارها ارائه دهد. ما را نیز حالی کند. آنگاه معلوم خواهد افتاد که حرف زننده کی و چیستند.

من نشر کننده این خبر را فقط اینقدر میگویم که این سراسر دروغ است و لعنة الله علی الکاذبین.

البته اول من به منشر کننده این خبر میگویم که این سراسر دروغ است و لعنة الله علی الکاذبین. اگر راستگویی همین کلمات را تکرار کن. اما هرگز نمیتوانند تکرار کنند چنانچه خدا ترسی به ذره ای داشته باشند.

معمولاً اینها خدا ترسی کم دارند- حتی اگر تکرار نکنند با گفتن دروغی اینقدر شدید زیر دعای حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام وارد شده اند- بهر حال اینگونه حرکاتی مذموم بر علیه جماعت احمدیه در ماضی نیز انجام داده میشدند و پیوسته در جریانند- و هرگاه بزعم خود خنجر زدن بر پشت ما تلاش کنند خدا تعالی اینها را روبرو بانام مرادیها کرده و با جماعت احمدیه اظهار شفقت خود مینماید تا بر فضل او فرو نترسید-

## مساعی و واکنش جماعت احمدیه در مقابل فتنه کاریکاتورها-

سر روزیکه فتنه کاریکاتورها سر بر آورد اول جماعت احمدیه این مسأله مطرح کرده و کوشش کرد تا آن روزنامه را از اینکار بازدارد- در این مورد ذکر من قبلاً نیز کرده ام- در ماه دسامبر، ژانویه باز ما به آن روزنامه ها نوشته و احساسات خود را ببارز ابراز نمودیم- من آنروزها در قادیان بودم چون مبلغ ما به روزنامه ها آنجائی نوشته بود- مصاحبه مبلغ مانیز در روزنامه ها انتشار یافته بود- آن روزنامه در پی نوشتن اینکه در اینمورد واکنش جماعت احمدیه چگونه است و این جماعت بجای زد و خورد و خرابکاری دوستدارند روح اسوة حسنه آنحضرت ﷺ را منعکس در حیات خود نشان دهند، میافزاید، این طرز کردار دال بر این نیست که آقای امام (مصاحبه با امام آنجا بود) بعلت کاریکاتورها رنجور نشده است بلکه قلبش ازین کاریکاتورها بشدت جریح دار است- بلکه این آزرده خاطری بود تا

ایشان را بیدرنگ به نوشتن مقاله ای بر موضوع این کاریکاتورها آماده نمود. پس ایشان مقاله نوشت و در روزنامه های دانمارکی انتشار یافت.

پس این مایه عشق حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام با آنحضرت ﷺ است که آن در قلوب جماعت نیز آتش آن عشق را چندان مشتعل نمود که در اروپا احمدیان که از مسیحیت وارد احمدیت یعنی حقیقی اسلام شده اند، ایشان نیز با این عشق و محبت سرشار اند.

چنانکه متن مصاحبه یکی احمدی مسلمان آقای عبدالسلام میدسن در روزنامه ونستربلادت در تاریخ ۱۶ فوریه ۲۰۰۶ نشر شد. چون مصاحبه بسیار طول دارد پس بخشی چند از آنرا برای شما بر میخوانم.

ترجمه آن عبارت از اینست که آقای میدسن افزود که نخست وزیر دانمارک باید با سفیران کشورهای اسلامی به مذاکرات بنشیند. زیرا مردم با دیدن این کاریکاتورها بخشم میآیند. اگر نخست وزیر با سفیران کشور های مسلمان بگفتگوی نشسته بود بدو معلوم میافتاد که این مسأله چقدر با اهمیت بود و چه نتایج را میتوان در پی داشته باشد. پس واکنشی که رو نهاده این بعینه همانست که من بدنبال اشاعت این کاریکاتورها تصور میکردم. چه نبی کریم ﷺ برای هر مسلمان در هر پهلو و شعبه حیات او الگوست. وقتی حمله توهین آمیز بر ذات مَنیف با این رتبه آورده شود این امر برای هر یک مسلمان رنج آور و آندوهناک میشود.

آقای عبدالسلام میدسن میگوید که روزنامه یولندپوستن را با منتشر کردن این کاریکاتورها چه بحاصل آمد- در ادامه میافزاید که به آقای میدسن نیز از نشر کاریکاتورهای نبی کریم ﷺ رنج رسیده است- باز افزود، آقای میدسن گفت که درباره سیمای آنحضرت ﷺ تفصیل بفروانی یافت میشود که چهره مبارک ایشان چگونه بود- باز نوشت، این اقدامی زشت و بچگانه ایست -

سپس ایشان نوشت که قانون توهین در دانمارک موجود است - بخیالم در پیش این نیاز نداشت- اما اکنون بنظم به انسداد این آشوب اجرای این قانون ضروریست - باز میگوید، با توجه به توهین آنحضرت ﷺ، این معامله مربوط به خدا است او خود مجازات خواهد کرد- پس ببینید که یکی احمدی مسلمان اروپائی در معتقدات خود چقدر استوارتر است - پس واکنش ما در مقابل این اقدام دردناک راجعه آنحضرت ﷺ اینطور قرار دارد-

### عشق مسیح موعود علیه السلام با آنحضرت ﷺ

عشق رسول در قلوب ما بفضل خدایتعالی بلیون ها برابر بیشتر از این گروه مردم است که بر ما اینگونه اتهام و بهتان مینهند و اینهمه در قلوب ما بسبب حسن تعلیمات آنحضرت ﷺ قرار دارد که عکس برداری آنرا حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام انجام داده اند- حضرت مسیح موعود علیه السلام آنرا با زیبایی و فرهی بکمال نشان داده اند- هیچ

احمدی جرأت بگفتن اینرا ندارد کہ نعوذ باللہ رتبہ حضرت مسیح موعود علیہ الصلوٰۃ والسلام بالاتر از آنحضرت ﷺ است۔ حال حضرت مسیح موعود علیہ الصلوٰۃ والسلام در عشق آنحضرت ﷺ اینطور بود کہ با خواندن شعر حسان بن ثابت چشمان ایشان اشکبار میشد۔ آن شعر اینست:

كُنْتَ السَّوَادَ لِنَاظِرِي فَعِمِي عَلَيْكَ النَّاطِرُ  
مَنْ شَاءَ بَعْدَكَ فَلَيْمَتْ فَعَلَيْكَ كُنْتُ أَحَاذِرُ

(دیوان حسان بن ثابت)

تو کہ سواد دیدہ من بودی کہ پس از وفات نابینا شد۔ حال پس از تو هر کہ خواهد بمیرد۔ ترسم تنها وفات تو بود۔ حضرت مسیح موعود علیہ الصلوٰۃ والسلام میفرمودند، ای کاش این شعر من گفته بودم۔ پس بدینگونه کس گفتن کہ نعوذ باللہ کہ خود را بزرگتر از آنحضرت ﷺ میدانست یا پیروانش اورا رتبہ بالاتر از آنحضرت ﷺ میدهند نهایت اتهام هولناکیست۔ ما را هر قدم مخموری ایشان بعشق آنحضرت ﷺ دیدہ میشود۔ یکجافرمودند:

اُس نور پر فدا ہوں اُس کا ہی میں ہوا ہوں

وہ ہے میں چیز کیا ہوں بس فیصلہ یہی ہے

فدای آن نور ام، تنها از آن او شدہ ام، او هست من چیزی نیستم بس  
نهایت همین است۔

(آریہ های قادیان وما۔ روحانی خزائن۔ جلد ۲۰۔ صفحہ ۴۵۶)

آنکه همه ما میملک خود را فدای آن نور مینمایم بدو گفتن که نعوذ بالله در مقابلش رتبه آنحضرت ﷺ کمتر شده و اینکه مرتبه میرزا غلام احمد قادیانی ارتقاء یافته است و نزد احمدییان حضرت میرزا غلام احمد قادیانی علیه السلام آخری پیغمبر است و میگویند خیلی خوب، چنانکه عقیده ما اینست که ایشان آخری پیغمبر است پس ما به روزنامه رخصت میدهیم که نعوذ بالله کاریکاتورهای آنحضرت ﷺ بسازند **إِنَّا لِلّٰهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ** وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَٰذِبِينَ - سخن نهایت بچگانه ایست که آنها بگفته ما و تنها در این انتظار نشسته بودند که ما که شمار صدی چند را تشکیل میدهیم به آنها رخصت دهیم تا کاریکاتورها نشر کنند - این روزنامه اردو باید هنگام چاپ خبر پیرامون خود را هم بنگرد -

دول کشورهای اسلامی دستخوش نیرنگ ملاحی  
غرضان و دیگر عوامل نشوند

دولت دانمارک بیچاره که شاید به این میزان دور از عقل نباشد، البته این نویسندگان و شائع کنندگان بهرحال مسلوب العقل دیده میشوند و در قلوب آنها جز فتنه انگیزی چیزی دیگر هرگز پیدانیست - مقصود این خبر نیست مگر برانگیختن و خشمگین کردن مسلمانان - زیرا مسلمانان بدین نام به جوشش میآیند - بنابراین در کشورهای اسلامی از قبیل بنگله دیش، اندونزی و پاکستان که مخالفت احمدییان در آنها مرکوز است

دامن به آشوب بیشتری زده شود- و یحتمل که بدین بهانه در این کشورها برخی غرضرئان دست زدن به تهیج مردم بر علیه دول آنها شروع کرده باشند- چه معمولاً مشاهدات ما حاکی از اینست که آشوب سر بر آورده بر علیه احمدییان عاقبت به زیان دول تمام میشود- پس دول این کشورها نیز باید عقل کرده و دستخوش نیرنگ ملاحای غرضران یا دیگر عوامل قرار نگیرند- با توجه به رتبه آنحضرت ﷺ که نزد ما است ، شعرهای که حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام خوانده بودند از آن دیده و مقایسه کرده شد و آن رتبه در قلب هر احمدی چقدر است اونیک میداند- این مسأله رادر خطبات گذشته در میان نهاده بودم- در اینمورد خطبات ایراد کرده ام- ما اظهار ناراحتی کرده و پیوسته مینمائیم- در سراسر جهان بیانیه های ما بعنوان اعتراض نشر شده اند- مصاحبه مطبوعاتی مانیز شائع شده است- و اینهمه اقدامات ما به رخ کسی نکشیده ایم یا بخاطر کسی یا از روی ترس مسلمانان ننموده ایم- بلکه این جزو ایمان ما است و با گسیختن تعلق خود با آنحضرت ﷺ حیثیت ما هیچ باقی نیست- در اینمورد چند مقتبسات حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام را بر خوانده این موضوع را روشنتر مینمایم-

## مجمعل تعلیمات حضرت مسیح موعود علیه السلام ایشان میفرمایند:

”لُبُّ كُتَابِ دِينِ مَا اَيْنِسْتِ كِه لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ اللهِ - اعتقاد ما كه در حیات این دنیا داریم، متمسك به آنكه بفضل و توفیق باری تعالی از این عالم گزران كوچ خواهیم كرد اینست كه حضرت سیدنا و مولانا محمد مصطفی ﷺ خاتم النبیین و خیر المرسلین هستند كه بدست ایشان اكمال دین شده و آن نعمت به مرتبه اتمام رسیده كه بواسطه آن انسان راه راست را پیش گرفته میتواند نزد خدایتعالی برسد.“

(ازاله اوهام - روحانی خزائن - جلد ۳ - صفحه ۱۶۹ - ۱۷۰)

پس اینست جزو ایمان ما و اینرا به ما حضرت مسیح موعود علیه الصلوة و السلام تعلیم داده اند - آنكس كه ایمانش اینست او چطور می تواند بگوید كه بلاواسطه ایشان او میتواند خدایتعالی را برسد یا پیغمبری بدست آورد؟

باز ایشان میفرماید: ”صراط مستقیم فقط دین اسلام است و اکنون زیر آسمان تنها یک نبی است و یک كتاب یعنی حضرت محمد مصطفی ﷺ كه اعلا و افضلترین همه انبیاء و اتم و اكمل از همه رسولان و خاتم الانبیاء و خیر الناس هستند كه از پیروی ایشان خدایتعالی یافت میشود و پرده های ظلمات دور میشود و علامات نجات راستین در همین جهان نمایان می شود و قرآن شریف كه مشتمل بر هدایات و تأثیرات راستین و باكمال

است که بواسطه آن علوم حقانی و معارف بدست میآید و دل از آلودگی های بشری پاک میشود و انسان از حجابات جهل، غفلت و شبهات نجات یافته به مرتبه حق یقین میرسد.

(براهین احمدیه مجموعه چهار جزو- حاشیه در حاشیه ۳-

روحانی خزائن - جلد ۱ - صفحه ۵۵۷-۵۵۸)

یعنی اکنون هر چه قرار است بدست آید بوسیله آنحضرت ﷺ دست خواهد داد. و نبوت در ذات ایشان به کمال رسیده و ظلمات تنها بواسطه تعلیمات ایشان دور شود و نور حاصل میآید. و قربت خدایتعالی نیز از آن دستیاب است، نجات حقیقی هم بواسطه آن قرار است و دل چرکینها تنها با آن تعلیمات پاک میشود که آنحضرت ﷺ آوردند.

باز ایشان فرمود، "نبی مایه ﷺ به اظهار راستی مجدد اعظم بود که راستی گم گشته را مجدداً به دنیا باز آورد. هیچ یک پیغمبر در این فخر و امتیاز همتای نبی مایه ﷺ نیست که ایشان همه گیتی را فرا گرفته تاریکی یافت و بعد آن تاریکی با ظهور ایشان مبدل به نور شد. در قومیکه ایشان به ظهور آمد تا آنگاه که همه آن ملت جبه شرک را از خود برافکنده و لباس توحید نپوشید، به دیار باقی نشتافت. و نه تنها اینقدر بلکه آن مردان به مراتب اعلاای ایمان رسیده و آن کارهای صدق و وفا و یقین از ایشان بعرضه ظهور رسید که نظیرش در هیچ جای جهان یافت نمیشود. این پیروزی و اینقدر پیروزی بجز آنحضرت ﷺ نصیب هیچکدام پیغمبر نشده است. همین دلیل بزرگی بر نبوت آنحضرت ﷺ مکنتی است که ایشان در زمانی

مبعوث و تشریف فرما شد که دهر به درجه نهایت ظلمات فرورفته بود و طبعاً یکی مصلح عظیم الشان را اقتضاء میکرد. سپس ایشان آنگاه برحمت ایزدی پیوست که صدهزارها انسان با ترک شرک و بت پرستی توحید و راه راست را برگزیده بودند و حقیقت شدن این اصلاح کامل مخصوص ایشان بود که ایشان قومی وحشی وضع و بهائم طبع را آداب انسانی آموخت یا عبارت دیگر بهائم را انسان درآورد و از انسانها با سواد انسان درآورد و از انسان با سواد انسان با خدا ساخت و چگونگی روحانیت را در او دمید و تعلق ایشان را با خدای حق پدید کرد و چون گوسفندها ذبح کرده شدند و چون مورچه ها زیر پاله کرده شدند اما ایمان را از دست ندادند. بلکه در وقت هر سختی قدم جلوتر نهادند. پس بیگمان نبی ما ﷺ بلحاظ برقراری روحانیت آدم ثانی بود بلکه آدم حقیقی خود ایشان بود که بواسطه وبرکت ایشان جمله فضائل انسانی بکمال رسید و نیروهای نیکو تمامانه به کار خود مشغول شد و هیچ یک فرع فطرت انسانی بی بار وبرکت نماند و ختم نبوت برایشان نه تنها بوجه تأخر زمان تحقق یافت بلکه جمله کمالات نبوت برایشان به اتمام رسید و چون ایشان صفات الهیه را مظهر اتم بود بنا بر این شریعت ایشان صفات جمالی و جلالی هر دو را شامل بود. و دو نام ایشان محمد و احمد ﷺ به همین منظور اند. و در نبوت عامه ایشان هیچ بخش با شائبه بخل نیست بلکه آن از بدایت برای همه دنیا است.

آموزش به جماعت احمدیه اینست که فیضان آنحضرت ﷺ امروز نیز برقرار است -

سپس ایشان میفرمایند:

”آنحضرت ﷺ خاتم الانبیاء هستند- یعنی پس از نبی ما ﷺ هیچ شریعت جدیدی یا کتاب تازه ای نخواهد آمد- احکام جدیدی نخواهد آمد-“ (حالا اینها میگویند که شریعت جدیدی آورده و میرزا غلام احمد را بالاتر میدانند) ”فقط همین کتاب و احکام برجا خواهند ماند- کلمات نبی یا رسول که در کتب من نسبت به من یافت میشود هرگز با این مقصود نیست که شریعت و احکام تازه آموخته خواهد شد- بلکه منظور اینست که خدایتعالی هرگاه به اقتضای دریاست حقه یکی را مأمور مینماید پس از اینرو که او را از مغیبات و مکنونات قدر خبر میدهد بر او کلمه نبی گفته میشود“ (با هر کس که خدایتعالی بکثرت گفتگو کند، تکلم گوید، نسبت بدو کلمه نبی گفته میشود-) ”و آن مأمور خطاب نبی داده میشود- بدین معنای نیست که شریعتی جدید معرفی میکند یا او نعوذ بالله شریعت آنحضرت ﷺ را منسوخ قرار میدهد“ (این تهمت است که بر ما می نهند) ”بلکه هر چه بدستش میآید مجرد از پیروی راستین و کامل آنحضرت ﷺ بدو دست میدهد و بی آن حصولش هرگز امکان پذیر نیست-“

(الحکم - ۱۰ ژانویه ۱۹۰۴ - صفحه ۲)

پس چنانکه مدعی حرفی یکر است میزند که من هر چیز از او میگیرم و جدا از او چیزی به حاصل نمیآید و پیروانش نیز بر این عقیده استوار اند که او غلام صادق آنحضرت ﷺ است آنگاه این دروغگوئیها و افتراکاری نیست مگر اینکه در میان مسلمانان اضطراب پدید آورده شود و افراد از این قبیل اینکار پیوسته کرده میآیند. بعلاوه فتنه انگیزیها، آتش حسادت این گروه شیطانی (شیطان که همیشه همراهِ است) را مدام میسوزاند و دلشان تاب نمیآورد تا پیشرفت جماعت را ببینند. ترقی جماعت چشمان آنها را بدرد میآورد. حرکاتی پست هر چه میخواهند انجام دهند، اگرچه از پیش کرده میآیند و درآتیه نیز کرده خواهند داشت، افرادی با این نهاد همیشه وجود خواهند داشت، شیطان همیشه موجود است، اما با این حرکات پستی نتوان جلوی پیشرفت جماعت را گرفت. انشاء الله.

## رتبه عظیم الشان آنحضرت ﷺ در نگاه

### حضرت مسیح موعود-

درباره مقام آنحضرت ﷺ حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام میفرماید:

”نور به آن درجهٔ اعلای که به انسان داده شد یعنی انسان کامل را، آن در ملائک نبود، در نجوم نبود، در ماه نبود، در خورشید هم نبود، آن در زمین، در دریاها و رودها نیز نبود، آن در لعل و یاقوت، زمرد و الماس و در مروارید هم نبود. الغرض در هیچ چیز زمینی و آسمانی نبود مگر در انسان بود یعنی

در انسان کامل آنکه را اتم و اکمل، اعلاى و ارفع فرد سید و مولای ما سید الانبیاء، سید الاحیاء محمد مصطفی ﷺ هستند۔ پس آن نور به آن انسان داده شده و بر حسب مراتب به هم رنگانش هم۔ یعنی به آن چهره ها نیز که تاحدی همان رنگ را دارند“ (به پیروان بمیزان ایمانشان داده شد)۔ ”و منظور از امانت انسان کامل را آن جمله قوی و عقل و علم و دل و جان و حواس و خوف و محبت و عزت و وجاهت و جمیع نعمات روحانی و جسمانی است که خدایتعالی به انسان کامل عطا مینماید“ (جمله قوای انسان عقل، علم، و سایر حواس را عالیترین توان و معیار به انسان کامل رسید) ”و سپس انسان کامل بر طبق آیت: **إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا** (۱)“ (یعنی این انسان کامل طبق این آیت که خدایتعالی به شما فرمان مینماید که امانات را به اهل آنها باز دهید) ”آنهمه امانات را در جناب الهی پس میدهد یعنی در او فانی شده در راه او وقف مینماید۔۔۔ این شأن اعلی، اکمل و اتم در سید و مولای ما، هادی ما نبی امی، صادق و مصدوق محمد مصطفی ﷺ یافت میشود۔“

(آئینه کمالات اسلام۔ روحانی خزائن۔ جلد ۵۔ صفحه ۱۶۰-۱۶۲)

پس اینهایی که خود را دلبستگان آنحضرت ﷺ میدانند و بر ما اتهام می زنند که نعوذ بالله ما حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام را بالاتر

از ایشان میدانیم، اینهائیکه اهداف خودشان تنها انتفاع و استمتاع شخصی است و بعلاوه آن هیچ، حالی کنند و کلماتی تا چه رسد به منزله آن شأن تا برابر صد هزارم آنرا گفته از هیچ کدامین ملایان خودشان دهند که حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام در شأن آنحضرت ﷺ فرمودند - این کلمات گفته از آن عاشق صادق است در توصیف ذات با برکات آن حضرت ﷺ که شما او را دروغ پرداز میگویید - آنکه هر حرکت و سکون او در اتباع آقای و مطاع خود حضرت محمد مصطفی ﷺ قرار داشت - این تعمق، این فهم، این ادراک در ذات گرامی آنحضرت ﷺ که حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام نشان داده اند شما نیز از هیچ یک بخش ادبیات خود ارائه دهید -

سپس حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام میفرمایند و برای جماعت همیشه تعلیم همین است و آنرا پیروی مینماید و ما با مراعات چهار چوب قوانین متحمل آن میشویم، که:

”مجمل دین ما همین است - اما آن طائفه مردم که بناحق ناترس از خدا پیغمبر بزرگ ما حضرت محمد مصطفی ﷺ را با کلماتی ناسزا یاد میکنند و بر آنجناب اتهامات ناپاکی زده و از بدگویی باز نمیآیند ما با آنها چطور صلح کنیم - من یکر است میگویم ما با مارهای زمین شور، گرگان بیابانها میتوانیم صلح کنیم اما با اینهائیکه بر پیغمبر محبوب ما که ما را از جان خود و مادر و پدر خود نیز محبوبتر است، حملاتی ناپاک میآرند، نمیتوانیم صلح کنیم -

خدا ما را بر اسلام بمیراند۔ ما نمیخواهیم کاری انجام دهیم که ایمان ما از دست برود۔“

(پیغام صلح - روحانی خزائن - جلد ۲۳ - صفحه ۴۵۹)

پس اینست تعلیم ما۔ این تعلیم آموخته‌ی حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام است و اینست آتش عشق آنحضرت ﷺ شعله‌ور در قلوب ما و فهم و ادراک آن که حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام بما دادند۔ پس با اینهمه باز گفتن که نعوذ بالله به چاپ کاریکاتورها احمدییان دانمارکی دولت و روزنامه‌های آنجا را تشجیح نمودند و سپس آنها نشر کردند، پس بجز افکندن لعنت خدایتعالی بر آنها، حرفی نداریم بزنیم۔

### حقیقت جهاد با شمشیر

اکنون مسأله دوم اینست که جهاد منسوخ کرده شد۔ اگرچه نویسنده اینرا در ردیف اول قرارداد اما امری مهم‌ترین بود که ما آنحضرت ﷺ را نعوذ بالله پیغمبر باور نمیکنیم و اینکه تعلیمات ایشان اکنون منسوخ شده است۔ اینک ردیف دوم ابطال جهاد است۔ در این مورد رهبران مسلمانان خود اخیراً بعلت آنچه بر سر اینهارفته بود و قدرتهای که اینها طفیلی و مرتزق آنهایند چون اینهارا تحت فشار قراردادند اینها بفرمانشان بیانیه‌ای صادر کرده‌اند مبتنی بر آن تعریف که امروزها برای جهاد کرده میشود عبارت از اینکه حرکاتی که دسته‌های اسلامی امروزها دست به آنها میزنند، این جهاد نیست و سراسر متضاد با تعلیمات اسلام است۔ بیانیه‌های اینها در روز

نامه انتشار یافته است۔ جماعت احمدیہ را از روز اول موضع و نظریہ اینست کہ بہ اقتضاء شرایط درحال حاضر جہاد را تعطیل است و این مطلب بہ عینہ درخور تعلیمات اسلامی است۔

در این بارہ حضرت مسیح موعود علیہ الصلوٰۃ والسلام میفرماید:  
 ”نبردهای نبی مائے و بزرگ صحابہ ایشان یابری این بود تا خود را از تاختهای کفار حفاظت کرده شود یا اینکه امن برقرار گردد و آنها کہ دین را با تیغ مانع میشوند آنها را با تیغ عقب رانده شود۔ اما حال کی از مخالفان تیغ را برای دین علم کند و کی از مسلمان شدن باز دارد و کی از نماز خواندن و بانگ نماز در مساجد منع کند۔“

(تربیاق القلوب۔ روحانی خزائن۔ جلد ۱۵۔ صفحہ ۱۵۹-۱۶۰)

یعنی از اذان گفتن کی باز میدارد۔ در پاکستان فقط احمدییان را باز میدارند۔ اما با این وجود ماساکت ایم۔ ما کہ هیچگونہ غوغا بیان کرده ایم۔ نماز بدون اذان ہم میگزاییم۔  
 سپس ایشان میفرماید:

”در صحیح بخاری“ (کتاب الانبیاء باب نزول عیسی بن مریم) ”در شأن مسیح موعود حدیثی آشکار موجود است کہ **يَضَعُ الْحَرْبَ** یعنی مسیح موعود جنگ نکند۔ پس چقدر شگفت آور است کہ از سوی یک شما از دهان خود میگوید کہ صحیح بخاری پس از قرآن **أَصْحُ الْکُتُبِ** است و

سوی دیگر در مقابل صحیح بخاری معتقد به احادیث میشوید که صریحاً  
 منافی حدیث صحیح بخاری میافتند۔“

(تربیاق القلوب - روحانی خزائن - جلد ۱۵ - صفحه ۱۵۹)

پس جماعت احمدیه را عقیده اینست و مطابق قرآن و حدیث  
 است۔ ما بانگ و دُهل میزنیم و آشکارا اعلام میکنیم، میگوییم و پیوسته  
 خواهیم گفت که اینهاییکه جهاد جهاد میسرایند در پوشش آن بجز تروریسم  
 هیچ کاری انجام داده نمیشود، این جهاد نیست و سراسر مخالف با  
 تعلیمات اسلام است۔

همین دیروز حمله انتہاری که در کراچی صورت گرفت، عده ای از  
 این قبیل اند که اسلام را بدنام میکنند۔ بعلاوه در این نوع حملات اینها  
 جان هموطنان بیگناه خود را نیز قربانی میگیرند۔ با انجام دادن اینگونه  
 حرکات اشتباهی اینها خود منکر تعلیمات اسلام و آنحضرت ﷺ میشوند  
 حال احمدیها جهاد را با ابلاغ پیغام آنحضرت ﷺ در اکناف عالم بجای  
 آرند۔ البتہ احمدییان در کوششهای تروریستی شما بنام جهاد که باعث  
 بدنامی اسلام است نه در ماضی شرکت داشتند و نه در آتیه خواهند  
 داشت۔ بهر حال این نیست بجز کوششهای مذموم به بدنامی جماعت  
 احمدیه که همیشه انجام داده میشود۔

درباره این خبر دروغین و توطئه چینی سهمناک بر علیه جماعت مبادرت به بازجویی کامل نموده میشود تا مقاصد اصلی آشکار آیند۔

پس من به این روزنامه میگویم که بخاطر داشته باشند، این سرزمینی نیست که حق حاکمیت قانون نداشته باشد، مانند پاکستان که اجرای قانون منوط به تمایل یا عدم تمایل ملاًهاست و اینکه دادگسترده نشود۔ احساس دادگری کمابیش در این ملل بهر حال موجود است۔ ماجمله جزئیات را جمع آوری میکنیم، گزارشات درخواستی ایم۔ با انتشار این خبر مراجعه مقام مسؤل دانمارک که با اطمینان دادن احمدیان که نعوذُبالله تعلیمات آنحضرت ﷺ منسوخ شده است، ما این کاریکاتورها نشر کرده بودیم، گوی بر دولت دانمارک نیز این اتهام به اثبات میرسد که دولت آنجا نیز در اینکار ملوث بوده است۔ در صورتیکه نخست وزیر آن کشور خروش میزند و خیلی بار اعلام کرده است که دست به اینکار روزنامه زده است۔ ما این را ناپسند داریم۔ اما بعلت آزادی مطبوعات کاری از دست ما برنمیآید۔ آزادی مطبوعات چیست و چه نیست مسأله جداگانه ایست۔ البته آنها از این انکار میکنند و بعکس این روزنامه آنها را ملوث میگرداند که دولت در این کار شریک است۔ پس دولت دانمارک نیز حق مرافعت بر علیه این خبر را دارد۔ در حال حاضر چنانکه در عالم

اسلام آتش برعلیه دانمارک مشتعل است، با نشر این خبر دروغین مراجع به آنها دامن به افزایش آن میزند - در پی تماس ما با مقام مسؤل اداره امنیت دانمارک او آشکارا رد کرده و میگوید که اینطور هرگز واقع نشده است و نه اینگونه خبر نزد ما است - البته او گفت که ما در این مورد به بازجویی بیشتر خواهیم پرداخت و این امر واضعتر خواهد شد - نخست روزنامه این خبر نشر کرد که نوار ویدیو نزد ما است - اما وقتی ما خود تماس پیدا کردیم اکنون میگویند که نوار ویدیو نیست بلکه نوار صوتی است البته بطوریکه گفتم دروغ را پای نیست اینها حرف خود را تغییر داده خواهند داشت و روزنامه نگاری پاکستانی یا آنها که تحت تأثیر اینها قرار دارند، به همین وضع رو برواند -

البته من میگویم که اینکار اینسان پایان داده نمیشود - این اتهام سهمناکی که بر ما بسته شده و توطئه ای که در این حال برعلیه احمدییان چیده شد ما اینرا تا آن حد که رسماً در امکان میآید انشاء الله به انجام خواهیم رساند تا به مسلمانان و حد اقل بویژه به آن مسلمانان که با شرف نفس اند، نسبت به معیار ارزشهای اخلاقی این دانشمندان معلوم گردد - بطوریکه من در پیش نیز گفتم ما همیشه مورد این اتهامات سهمناکی قرار داده میشویم اما همیشه این تعلیم حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام را با شکیبایی پیش نظر داریم - ایشان میفرمایند:

”من نیک میدانم هرچه ما و جماعت ما هستیم، تاییدات و نصرت خدایتعالی در آنصورت حال ما را شامل خواهد شد که ما بر راه مستقیم برویم و آنحضرت ﷺ را به کمال و راست پیروی نمائیم، تعلیم پاک قرآن شریف را دستور العمل خود قرار دهیم و آن امور را با عمل و حال خود اثبات کنیم و نه تنها با قال - اگر ما این طریق را پیش گیریم آنگاه یقیناً بدانید که همه دنیا همدست شده و بخواهد ما را هلاک کند، ما نمیتوانیم مورد هلاک قرار گیریم چه خداوند هم رکاب ما خواهد بود“ - (انشاء الله) -

(الحکم - ۲۴ سپتامبر ۱۹۰۴ - صفحه ۴)

خدایتعالی همیشه در خور این توصیه توفیق عمل کردن را ببخشد -  
خدایتعالی مدام با ما همراه باشد و این بدگوهران را نشان عبرت قرار دهد -

## خطبهٔ جمعه

فرمودهٔ ۱۰ مارس ۲۰۰۶ - مسجد بیت الفتوح - لندن - بریتانیا  
 ☀️☀️ امروزها دسته‌های جهادی بلاشرایط و اختیارات مشروع با شعار و  
 کردار جنگجویانه خود، اهل دیگر ادیان را فرصت فراهم آورده اند تا آنها با  
 نهایت لجاجت و وقاحت بر ذات پاک آنحضرت ﷺ حملاتی بیهوده  
 آورند.

☀️☀️ آنحضرت ﷺ مجسم‌ترحم بودند و در سینه ایشان قلبی می‌تپید که  
 فزونتر از آن یکی هیچ قلبی دیگر نمیتواند آن معیار عالی و تقاضاهای ترحم  
 را بر بیاورد که ایشان انجام دادند.

☀️☀️ آزادی وجدان، آزادی دین و روان‌داری دینی را نهایت زیبا و دلنشین  
 ذکر مراجعه سیرت مطهر آنحضرت ﷺ -



أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ،  
وَرَسُولُهُ، - أَمَا بَعْدُ فَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ -

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ -

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ - الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ -  
إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ - إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ - صِرَاطَ  
الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ -

کردار بعضی از گروه‌های مسلمانان متضاد با اسلام، غیر  
مسلمانان را به حمله آوردن بر اسلام ممد و معاون  
قرار میگیرد-

ایرادی که از سوی غیرمسلمانان بر ذات گرامی آنحضرت ﷺ گرفته  
میشود که ایشان نعوذ بالله دینی معرفی کردند که در آن نیست مگر سختی،  
قتل و غارتگری و بس و اینکه در اسلام رواداری دینی، گذشت و آزادی را  
تصور نیست و اثرات همین تعلیم تا امروز جز و فطرت مسلمانان قرار  
گرفته است - در این مورد من قبلاً نیز خیلی بار گفته ام که بدبختانه بعضی  
طبقات و گروه‌ها خود از میان مسلمانان به پیدایش و پایداری این تصور  
ممد و معاون میباشند و اینکه بدبختانه همین معتقدات و کردار آنها در

عالم غیر اسلامی بویژه در جهان غرب درباره آقای محبوب ما آنحضرت ﷺ فرصتی به اظهار نظرهای لغو، بیهوده و کثیف، فراهم آورده اند با اینکه ما میدانیم کردار بعضی طبقات و گروه ها منافی تعلیمات اسلامی و ضوابط اخلاق است. تعلیمات اسلامی آنقدر قشنگ است که از حسن و زیبایی آن یکی پاک از هرگونه تعصب تحت تاثیر قرار نگرفته نتواند ماند.

تعلیم زینندهٔ اسلام به حسن سلوک با غیر مسلمانان در متعدد نقاط قرآن کریم ذکر از تعلیم زینندهٔ اسلام عبارت از حسن سلوک با غیر مسلمانان، مراعات از حقوقشان، با آنها عدالت کردن، خود داری از اجبار به دینشان، در مورد دین راه سختی اختیار نکردن و غیره تا بسیار احکام بعلاوه اقوام خود نسبت به غیر مسلمانان، یافت میشود. البته در بعضی شرایط به قتال نیز رخصت است. اما در صورتیکه دشمن پیشیگیرد، نقض پیمان کند، دست بخون انصاف زند، در ظلم انتها کند یا ظلم کند. البته باز هم یکی گروه یا جماعت از کشوری حق اینکار را ندارد بلکه این تصمیم گیری بعهدہ دولت است تا چه اقدام کند، چطور این ظلم را پایان دهد. نه اینکه هر یک دسته جهادی برخاسته و اینکار را کردن گیرد.

## اسوهٔ عظیم الشان آنحضرت ﷺ در مقابل تجاوزگرهای کفار مکه و دشمنان اسلام

در عصر آنحضرت ﷺ نیز شرایط مخصوصی برای جنگ ایجاد کرده شده بود که مسلمانان ناچار بحمله های متقابل پرداخته بودند. اما به طوریکه گفتم دسته های جهادی کنونی بدون شرایط و اختیارات مشروع با شعار و کردار جنگجویانه خود فرصتی به اهل ادیان دیگری فراهم آورده اند و آنها را جرأت داد تا آنها بانهایت لجاجت و وقاحت بر ذات پاک آن حضرت ﷺ با بیهودگی تاخت آورند و قبلاً نیز میآوردند. در حالیکه آن سراپا ترحم و محسن انسانیت و عظیم محافظ حقوق بشر را اینحال بود که در شرایط جنگ نیز فرصتی از دست نمیدادند تا به دشمن سهولت و آسایش فراهم افتد. هریک کردار حیات ایشان، هرآن و لمحۀ حیات ایشان شاهد بر اینست که ایشان مجسم ترحم بود و در سینه ایشان قلبی میتپید که قلبی فزونتر از آن قادر بر ایفای آن معیار اعلا و تقاضاهای ترحم نمیتوان باشد که ایشان در حال امن و جنگ، درون خانه و بیرون، در معمولات روزانه و در پیمان با اهل ادیان دیگر، ایفا کردند. ایشان برای برقراری معیار آزادی وجدان، مذهب و رواداری مثل های اعلاء نصب فرمود. باز چون ایشان بعنوان فاتح عظیمی به مکه داخل شد آنگاه بعلاوه سلوک عفو و ترحم در حق قومی مفتوح، آنها را حق آزادی مذهب هم کامل داد و این حکم قرآن را مثل اعلائی بیانمود که **لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ** - (سورة البقرة - آیت ۲۵۷)

که دین مربوط به دل شماست - آرزوی من اینست که شما دین حق را پذیرا شوید و دنیا و عاقبت خود را بیاورید، آمرزش خود را سامان دهید، اما هیچ اجباری در میان نیست - حیات ایشان با امثله بی‌شمار و تابناک همدریف هم ممتلی بود - یک چند از میان آنها را ذکر مینمایم -

کیست که نمیداند حیات سیزده ساله ایشان پس از مدعی نبوت شدن در مکه چقدر سخت و محنت زا بود و ایشان و صحابه رضوان الله علیهم چقدر رنج و بلا یا بردند - ظهر را روی ریگ داغ و سوزناک دراز کشانیده شدند - سنگهای داغ برسینه های ایشان نهاده شد - شلاق خوردند زنان از میان شقه کرده شدند، قتل کرده شدند، شهید کرده شدند - ایشان مورد مظالمی گوناگون قرار داده شدند - گاهی در حال سجده شکمبه ای بر پشت بدن ایشان نهادند که ایشان از زیر سنگینی بار آن نمیتوانست بلند بشود - هنگام سفر طائف بچه هاسنگ پرتابی میکردند و زُمخت گفته و کُلفت میپرانند - اعیان شان آنها را پستی میکردند، آنها را بر میانگيختند - ایشان آنقدر مجروح شدند که سرتا پا خون آلود گردید - خون در حال جریان از بالا به کفش رسید -

رویداد شعب ابی طالب - ایشان، خانواده ایشان و پیروان ایشان سالها محصور کرده شدند - چیزی بخوردن نبود - شیئی به نوشیدن نبود - کودکان گرسنه و تشنه با سکسکه گریه میکردند - در این شرایط یکی صحابی را در تاریکی زیر پا چیزی نرم سان احساس شد و آنرا برداشت و خوردنی گمان کرده به

دهان انداخت - گرسنگی اینقدر به اضطرار رسیده بود - پس اوضاع زندگی بدین شرایط روبرو بود - منتها چون در این شرایط اضطراراً مهاجرت کرده مدینه رسیدند، در آنجا نیز دشمن از ادامه تعاقب دست برداشتند و دست به حمله زدند - تلاش کردند تا یهودیان سگان مدینه را بر علیه ایشان برانگیزند - در شرایطی که من اجمالاً یاد کرده ام اگر صورت جنگ پیش آید و مظلوم را نیز فرصت جواب متقابل دست دهد، فرصت به انتقام گرفتن بدست آورد، آنگاه او میکوشد تا انتقام مظالم با معامله بمثل گرفته شود - میگویند که در جنگ هر کار جایز است - اما پیغمبرمان ﷺ در این شرایط نیز رأفت و رحمت را معیارها اعلائی برقرار فرمود - مکه را هجرت کرده زمانی چند گذشته بود - زخمهای مصائب هنوز تازه بود - ایشان احساس به رنجهای پیروان خود در مقایسه به رنجهای خود زیاد میکرد - اما باین وجود ایشان تعلیمات اسلامی و اصول و ضوابط را نشکست - آن موازین اخلاقی که جزو حیات ایشان قرار داشت و جزو تعلیم بود، ایشان آنها را نشکست - امروزها ببینید بعض کشورهای غربی با آنها که جنگ میکنند چه کار است که انجام نمیدهند - اما در مقایسه به این به اسوة ایشان نگاه کنید که ذکر از آن در اوراق تاریخ بعنوان روایتی بدین ترتیب یافت میشود:

هنگام جنگ بدر در آنجا که لشکر اسلامی اردو زدند جا زیاد مرغوبی نبود - نظر به این حُباب بن منذر از ایشان ﷺ مسئلت کرد که جای را که

شما برای اردو زدن برگزیده ای آیا این گزینه به مصداق یکی الهام الهی است؟ آیا خدایتعالی بشما گفت یا شما خود این را پسندیدی؟ آیا در نظر شما اینجا برای عملیات نظامی خوب است؟ آنحضرت ﷺ فرمود، این نظم فقط از روی حکمت عملیه جنگی بود که اینجا خوب است، جای مُرتَفَع است. آنگاه ایشان عرض کرد، اینجا درخور نیست. شما افراد را کوچ داده و چشمه آب را بتصرف در آورید. آنجا استخری بنا کرده و سپس بجنگ خواهیم پرداخت. در آن صورت ما آب خورده و دشمن آب خوردن را نخواهد داشت. پس ایشان فرمود، درست است، بیای نظر شما را می پذیریم. نظر به این صحابه راه افتادند و آنجا را اردو زدند. چندی بعد چند افراد اهل قریش به نوشیدن آب براستخر آمدند و صحابه کوشش کردند تا جلو آنها را بگیرند. ایشان فرمود، خیر، بگذارید اینها آب بگیرند.

(السيرة النبوية لابن هشام - جلد ۲ - صفحه ۲۸۴ - غزوة بدر الكبرى

مشورة الحباب على الرسول ﷺ)

اسلام نه بزور شمشیر بلکه با حسن اخلاق و تعلیم  
آزادی وجدان و دین در اسلام گسترش یافت.

پس اینست اخلاق آنحضرت ﷺ را معیار اعلائی که با این وجود که دشمن زمانی چند پیش آب و خوراک مسلمانان تا آنجا که برای بچه ها بسته بود، اما ایشان صرف نظر کرده تا ارتشیان دشمن را که برای گرفتن آب از جای آب و استخر که بر آن ایشان تصرف داشتند، در اختیار ایشان

بود، آمده بودند از آب گرفتن باز نداشتند چه این حرکت فروافتاده از معیار ضوابط اخلاقی بود۔ بزرگترین ایرادها بر اسلام این گرفته میشود که آن بزور تیغ گسترانیده شد۔ اینهایی که به گرفتن آب آمده بودند به آنها زور شدن هم ممکن بود که اگر آب میخواهید شرایط ما را پذیرا شوید۔ کافران میان بسیار جنگها این روش پیش برند۔ اما منخیر، ایشان اینطور نفرمودند۔ اینجا میتوان گفت که هنوز مسلمانان را یارائی کامل نبود، ناتوانی بود۔ یحتمل که ایشان به خودداری از جنگ بعنوان شماره احسان کوشش کرده باشند۔ حالانکه این حرف ناصواب است۔ هر بچه ی مسلمانان میدانست که کافران مکه تشنه کام خون مسلمانانند و همینکه مسلمان را بیند از چشمانشان خون میبارد۔ بنابراین به هیچ کس این خوش باوری نبود و برای آنحضرت ﷺ که این خوش باوری خارج از موضوع بود۔ ایشان اینهمه را، این سلوک مشفقانه را محض از سر مقام سراپا رحمت بودن ایشان و پاسداری اقدار انسانی انجام داده بودند۔ چه آموزش به شناسائی این ارزشها بواسطه ایشان مقدر شده بود۔

باز دقت شود بدین واقعه دشمن اسلام که حکم قتلش صدور یافته بود۔ ولی ایشان او را نه تنها بخشیدند بلکه رخصت به متمسک ماندن به کیش خود نیز عطا فرمودند۔ چنانکه این رویداد بدنترتیب یاد کرده میشود: عکرمه پسر ابو جهل تا عمر مثل پدر خود با رسول الله ﷺ جنگها انجام داد۔ هنگام فتح مکه نیز علی رغم اعلام عفو و امان رسول کریم ﷺ او بر دسته حمله

برده و باعث خونریزی در محیط حرم شد. نظریه جرائم جنگی خود محکوم بقتل شده بود. اما آن هنگام کسی تاب به ایستادگی در برابر مسلمانان نیاورده بود. لذا او پس از فتح مکه ببردن جان خود بسوی یمن گریخت. همسرش از رسول الله ﷺ به عفو او استدعا نمود و ایشان بکمال شفقت او را عفو فرمودند. و سپس چون همسرش رفت تا خود شوهرش را باهمراه بیارد، عکرمه را به عفو خود باور نمی‌آمد که من آنقدر زیاد ظلم کرده دارم، آنقدر مسلمانان را کشته بودم، تا آخر به جنگ پرداخته بودم، مرا چطور توان عفو نمود. بهر حال او بطریقی به شوهر خود اطمینان داده او را باز آورد. پس چون عکرمه باز آمد، نزد آنحضرت ﷺ حضور یافته و در این مورد تایید خواست، آنگاه رسول الله ﷺ بمناسبت آمد او با حسن اخلاق حیرت انگیز با او سلوک فرمودند. نخست ایشان به پیشواز سردار دشمن برخاستند که این بعنوان سردار قوم دشمن احترام است. بنابراین ایشان برخاستند و به پرسش عکرمه فرمودند که واقعاً من ترا عفو کرده ام.

(مؤطا امام مالک - کتاب النکاح - نکاح المشرك اذا سلمت زوجته قبله)

عکرمه باز پرسید، آیا با این وجود که متمسک به کیش خود باشم؟ یعنی من مسلمان نشده ام، آیا در این حالت شرک شما مرا معاف کرده ای، شما مرا بخشیده ای؟ ایشان فرمودند، بلی. پس سینه عکرمه به اسلام باز شد و بی اختیار گفت، ای محمد (ﷺ) شما واقعاً بی حد حلیم و کریم و صلح رحمی بخشنده‌ی - عکرمه با دیدن معجزه حسن اخلاق و احسان مسلمان شد -

(السيرة الحلییه - جلد سوم - صفحه ۱۰۹ - مطبوعه بیروت - باب ذکر مغازیة ﷺ - فتح مکه شرفها الله تعالی)

پس اسلام بر این سبیل حسن اخلاق و آزادی وجدان و اظهار عقیده گسترش یافت۔ این گلوله حسن اخلاق و آزادی دین شخصی چون عکرمه رادریک دقیقه جریحه دار برجا گذاشت۔ آنحضرت ﷺ به هر کس تا اسیران و بندگان رخصت دادند که هر چه کیش بخواهند آنرا اختیار کنند۔ اما تبلیغ اسلام برای اینست که خدایتعالی حکم کرده تا تعلیم اسلام معرفی کرده شود، چه مردم حالی نیستند۔ این خواهش برای اینست که شمارا قربت الهی عطا خواهد شد و ما فقط بخاطر همدردی شما میگوئیم۔

چنانکه واقعه‌ی است اسیری را که بدینسان یاد شده است۔ سعید بن ابی سعید بیان میکند که ایشان شنید که حضرت ابوهریره می‌گفت که رسول الله ﷺ بسوی نجد به عملیات نظامی دستور دادند۔ آنگاه فردی از بنو حنیفه را بعنوان اسیر آوردند۔ نامش ثمامه بن اثال بود۔ صحابهٔ او را باستون مسجد نبوی بستند۔ رسول کریم ﷺ نزد او تشریف برده و فرمودند که ای ثمامه تو چه عذر داری یا چه خیال داری که باشما چه سلوک روا داشته خواهد شد؟ او گفت، من حسن ظن دارم۔ اگر شما مرا قتل کنی آنگاه یکی ریزندهٔ خون را قتل خواهی کرد و اگر انعام کنی آنگاه در حق یکی انعام خواهی کرد که انعام را قدر شناس است و اگر شما اموال می‌خواهی پس به هر میزان که می‌خواهی بستانی۔ ایشان ﷺ او را همان جا ترک کردند۔ روز سوم طلوع کرد۔ باز ایشان نزد او رفته و از ثمامه پرسیدند، ارادهٔ تو چیست؟ او عرض کرد، هر چه گفتنی بود گفته‌ام۔ ایشان ﷺ فرمودند او را برهانید۔ پس

ثمامه رها کرده شد. سپس او در باغ نخلی نزد مسجد رفته و تغسل آورد و بداخل مسجد کلمه شهادت یاد کرد و گفت، ای محمد ﷺ بخدا برای من در دنیا از میان نامرغوبترین چهره ها چهره شما بود و اکنون حال اینست که برای من از میان محبوبترین چهره ها چهره شما است. بخدا برای من در دنیا از میان ناپسندترین ادیان دین شما بود و اینک اینطور است که برای من از میان محبوبترین ادیان دین آورده ی شما است. بخدا من از میان ناپسندترین شهرها شهر شما را داشتم و اکنون همین شهر از محبوبترین شهرهای من است. مرا اسب سواران شما گرفتند در حالیکه در صدد ادای عمره بودم. شما ﷺ در این مورد چه حکم میفرمای؟ رسول الله ﷺ را پرسید، چون اراده من برای ادای مراسم عمره بود اکنون چه فرمان می نماید. آنگاه رسول الله ﷺ او را برای گرویدن به اسلام نوید داده و تبریک گفتند و فرمودند که عمره بجای آری خدایتعالی قبول خواهد فرمود. چون او مکه رسید یکی گفت، آیاتو صابی شدی؟ او جواب داد، نخیر، بلکه من بر محمد رسول الله ﷺ ایمان آورده ام و سوگند بخدا آینده از یمامه تا یک دانه گندم نزدتان نخواهد آمد تا آنگاه که نبی ﷺ اجازه مرحمت فرمایند.

(بخاری کتاب المغازی - باب وفد بنی حنیفه و حدیث ثمامه بن اثال)

روایت دیگری است که پس از گرویدن به اسلام او برای عمره رفت - کفار مکه پس از مطلع شدن برگرویدن او به اسلام به کشتن او کوشیدند. بر این او گفت که هیچ دانه ای نخواهد رسید و این تا آنوقت نخواهد رسید

که اجازه از نبی کریم ﷺ صادر نشود. سپس او برگشت و به قوم خود گفت و تهیه کردن غله بسته شد. بسیار حالت بد فرا گرفت. ابوسفیان در خدمت آنحضرت ﷺ با درخواست حضور یافت که بر قوم خود که از گرسنگی می‌میرند، ترحم کنید. آنگاه ایشان ﷺ نفرمودند که غله هنگامی خواهد رسید که شما مسلمان شوید. بلکه بلافاصله به ثمامه پیغامی فرستاده شد که تحریم را خاتمه دهد. این ظلم است. خورد سالان، بزرگسالان، مریضان و سالخورده‌ها نیاز به غذا دارند. آن برای آنها باید تهیه کرده شود.

(السيرة النبوية لابن هشام - أسر ثمامة ابن أثال الحنفي واسلامه -

خروجه، الى مكة وقصته مع قریش)

سوی دیگر امری مورد التفات اینست که به اسیر ثمامه نگفتند که اکنون تو در قبضه تصرف ما قرار داری، مسلمان شوی. سه روز حسن سلوک بدو انجام داده شد. سپس او به روشننگری معیار اعلائی سلوک رها نموده شد. سپس ببینید ثمامه نیز بصیرت داشت. همینکه رها نموده شد خویشتن را برای زنجیر شدن در غلامی ایشان ﷺ تسلیم نمود بدین انگیزه که بهبودین و دنیا من تنها در این مایه بندگی قرار دارد.

باز مملوک یهودی را و انداشتند که تو مملوک در قبضه تصرف مائی پس هر چه من گویم بجا آوری، تا آن انتها که چون دیدند که بعلت بیماری حالش وخیم شده آنگاه فکر برای فرجام نیکوی او دامنگیر شد. فکر این بود مبادا او جهان را وداع گوید در حالیکه مصدق آخری شریعت خدای نباشد بلکه در حالی برود که او تصدیق کننده ای قرار گیرد و آمرزش خدایتعالی

سامان شود. آنگاه به عیادتش رفته و بسیار بطریق محبت آمیز گفتند که اسلام را بپذیر.

چنانکه مروی است از حضرت انسؓ که رسول کریمؐ را مملوکی جوانسال یهودی بود که بیمار افتاد. رسول کریمؐ بعیادت او رفته و به بالینش تشریف فرما شدند و فرمودند که اسلام را بپذیر. در روایت دیگری است که او بسوی بزرگان خود نگاه کرد. بهر حال او با دریافت اجازه یا بمیل خود اسلام را پذیرا شد.

(صحیح بخاری - کتاب الجنائز - باب: اذا سلم الصبی فمات --- حدیث شماره ۱۳۵۶) پس این امر پذیرفتن اسلام او یقیناً آن سلوک محبت آمیز و آزادی بود که در آن پسر به انگیزه غلامی آنحضرتؐ تأثیر کرده بود که یقیناً این دین راستین و قبول کردن آن موجب نجات است. چه این در امکان نمیآید که این چهره سراپا شفقت و رحمت به زیان من فکر کرده باشد. یقیناً ایشان برحق است و همیشه دیگر را بسوی خوبی میخواند. بجهت کار نیکوتری میخواند. برای همین ورمیدهد. پس این نوع آزادی بود که ایشان برقرار فرمودند. در دنیا هرگز اینرا مثل نتوان یافت.

ایشانؐ پیش از داعیه نبوت نیز دوستدار آزادی وجدان و آزادی دین و حیات بودند و غلامی را دوست نداشتند. لذا چون پس از عروسی حضرت خدیجه رضی الله عنها اموال و ممالیک خود به ایشان سپرد، ایشان به حضرت خدیجهؓ فرمودند اگر اینهمه چیزها به من تحویل میدهی در آنصورت اینها در اختیار من خواهد بود و هرگونه بخواهم اینها را به کار

میبرم- ایشان عرض کرد برای همین میسپارم- ایشان فرمودند که من ممالیک را نیز آزاد خواهم نمود- ایشان عرض کرد شما هرچه دوست داری انجام دهی من تسلیم شما نموده ام- اکنون من هیچ اختیاری ندارم، این مال شما است- پس ایشان بلافاصله غلامان حضرت خدیجه رضی الله عنهارا خوانده و فرمودند که شما همه از امروز آزادید و بیشترین بخش مال را نیز در میان ناداران وابخشیدند-

در میان آنجمله ممالیک که ایشان آزاد کردند مملوکی بود که زید نام داشت و در مقابل دیگران فرزند هین تربود- او این امر را پی برد که اکنون آزادی که بحاصل آمد، مهر غلامی که خورده بودم آن نیز دور شد، اما به انتفاع منست دایم در غلامی ایشان علیه السلام باشم- پس گفت، درست است که شما علیه السلام مرا آزاد اعلام فرمودید، ولی من نمیخواهم آزاد باشم- بلکه من دایم بعنوان مملوکی نزد شما خواهم ماند- پس او نزد آنحضرت صلی الله علیه و آله بماند و روابط مهر و داد و بیافزایش یافت- زید از اعضای خانواده ثروتمند بود- فرزند متمولان بود- رهنها او را بزور ربوده و معرض فروش گذاشتند و در فرایند برده فروشی تابه اینجا رسید- البته مادر او پدر و اقوامش نیز در تلاش او بودند- عاقبت آنها سراغ گرفته که پسرشان در مکه است به مکه آمدند- باز چون معلوم افتاد که او نزد آنحضرت صلی الله علیه و آله است در محضر ایشان حضور یافتند و عرض کردند ثروت هرچه میل دارید بگیریید و پسر ما را برهانید چه مادرش در اثر گریه بد حال افتاده است- ایشان فرمودند، من از

پیش اورا رها کرده ام۔ او آزاد است۔ اگر میل دارد برود و من نیاز به پول هرگز ندارم۔ آنها گفتند ای پسر بیابرویم۔ پسرشان بیاسخ گفت، دیدار شما حاصل شد و بهمین میزان بس است۔ بفرصت دیدار مادر نیز خواهد شد۔ اما اکنون من باشما نمیتوانم بروم۔ من کہ اکنون مملوک آن حضرت ﷺ شده ام۔ جدا شدن از ایشان ﷺ برای من مطرح نیست۔ حالا محبت بیش از والدین مرا با ایشان ﷺ است۔ پدر و عموی زید زور بسیار زدند اما او انکار نمود۔ آنحضرت ﷺ با دیدن این گرمی محبت فرمودند، زید آزاد کہ از پیش هم بود اما از امروز او پسر من است۔ سپس پدر و عموی زید با رویت این صورتحال باز به وطن خود شدند و از آن پس زید برای همیشه آنجا ماند۔

(مقتبس از دیاچه تفسیر القرآن۔ صفحہ ۱۱۲)

پس از اعلام نبوت مبادی ایشان به آزادی روشنتر گردید۔ اکنون بعلاوہ خوی پاک ذات ایشان شریعت نازل شدہ برایشان نیز حکم میکرد کہ حقوق ممالیک گزارده شود و اگر اینطور ممکن نیست آنها را برہانید۔ چنانکہ در روایتی است یکی صحابی مملوک خود را میزد کہ آنحضرت ﷺ آنرا دیدہ و اظهار رنجش فرمودند۔ سپس آن صحابی آن مملوک را رہانید۔ گفت من اورا آزاد اعلام میکنم۔ آنگاہ آنحضرت ﷺ فرمودند، اگر اورا آزاد نمیگردی مستوجب عقوبت خدایتعالی قرار میگرفتی۔

(صحیح مسلم۔ کتاب الایمان۔ باب صحبة الممالیک۔۔۔ حدیث شماره ۴۳۰۸)

حالات التفات کنید که اینست آزادی- باز این یک مثل آزادی اظهار عقیده برای پیروان ادیان دیگر را نیز مشاهده کنید- این مثل آزادی مربوط به آن زمان است که حکومت ایشان در مدینه استقرار یافته بود- روایتی است مروی از حضرت ابوهریره رضی الله عنه که دونفر به یکدیگر فحش دادن گرفتند- یکی مسلمان و دومی یهودی بود- مسلمان گفت، سوگند خدای را که محمد ﷺ را بر جهانها برگزیده و فضیلت عطا کرد- بر این یهودی گفت، قسم به آن ذات که او موسی را بر همه جهانها فضیلت داد و برگزید- بر این مسلمان دست علم کرده و سیلی توی صورتش زد- یهودی در محضر آنحضرت ﷺ با مرافعة حضور یافت- در این مورد آن حضرت ﷺ از آن مسلمان استعلام نموده و سپس فرمودند، **لَا تُخَيِّرُونِي عَلَى مُوسَى** که مرا بر موسی فضیلت ندهی-

(بخاری کتاب الخصومات- باب ما يذكر في الاشخاص والخصومة بين المسلم واليهود) پس به منزله این بود معیار آزادی، آزادی عقیده و وجدان تا با این وجود که حکومت بدست خود ایشان است، پس از مهاجرت به مدینه به برقراری امن و امان پیمانی بسته بودند که طبق آن بدین انگیزه که اکثریت را مسلمانان تنها یا همراه با همپیمانان که هنوز مسلمان نشده بودند، تشکیل میدادند، حکومت در اختیار آنحضرت ﷺ بود- اما حکومت به دست هرگز بدین معنی نبود که به احساسات دیگر رعایا مراعات نشود- با وجود گواهی قرآن مجید که ایشان افضلترین انبیاند، برایشان گوارا نشد که

مقایسه انبیاء با همدیگر موجب تکدر جامعه قرار گیرد. ایشان حرف آن یهودی را شنوا مسلمان را سرزنش نمودند که شما میان خود انبیاء را علت مشاجرت قرار ندهید. درست است که من نزد شما افضلترین انبیاء هستم، در این مورد خدا تعالی نیز گواهی دهد، اما در حکومت ما تکدیر خاطر کسی بطوری نشود که حرفی در مورد پیغمبر او زده شود. من اجازه اینکار نمیدهم. برای حفظ احترام من شما باید دیگر انبیاء را نیز احترام گزارید. پس اینگونه بود معیار عدالت و آزادی بیان که ایشان به پاسداری نزدیکان و اغیار برقرار فرموده بودند. بلکه بعض اوقات به احساسات دیگران فزونتر رعایت میشد.

نمونه کردار بی مثل آنحضرت ﷺ برای برقراری اقدار انسانی و رواداری مذهبی.

ایشان را به برقراری اقدار انسانی و رواداری مذهبی مثل دیگری است. مرویست از عبدالرحمان بن ابی لیلیه که سهل بن حنیف و قیس بن سعد در مکان قادسیه نشسته بودند که جنازه ای از نزدشان گذر کرد. ایشان هردو بپاشدند. چون بدیشان گفته شد که این یکی از زمین است هردو گفتند که یکبار جنازه ای از نزد نبی کریم ﷺ گذر کرد که ایشان احتراماً برخاستند. گفته شد بخدمت ایشان که این جنازه یهودی است. پس رسول کریم ﷺ فرمودند که **الْیَسْتُ نَفْسًا**، آیا او انسان نیست؟

(صحیح بخاری - کتاب الجنائز - باب من قام لجنازة یهودی)

پس این احترام است برای ادیانی دیگر و انسانیت هم- اینگونه اظهارات و نمونه های کردار است که در نتیجه آنها فضای رواداری دینی برقرار میشود- اینگونه اظهارات است که احساسات نرمی برای همدیگر ایجاد میکند و اینگونه احساسات است که موجب ایجاد فضای مهر و وداد و امن میشود و نه مثل کردار دنیا داران امروزه که جز نفرتها هیچ ظاهر نمیشود-

باز روایتی است که در حین فتح خیبر بعض نسخه های تورات بدست مسلمانان آمد- یهودیان در خدمت آنحضرت ﷺ حاضر آمدند که کتاب مقدس ما پس داده شود-

(السيرة الحلیة - باب ذکر مغازیة ﷺ - غزوة خیبر - جلد ۳ - صفحه ۴۹)

با این وجود که یهودیان به غلط کارهای خود مجازات میشدند اما ایشان روانداشتند که با دشمن نیز سلوکی کرده شود تا احساسات دینی او لطمه خورد-

این وقایعی چند انفرادی است که مطرح کرده ام و ضمناً من نسبت به انعقاد قراردادی در مدینه گفته بودم- شرایطی که آنحضرت ﷺ در آن قرار داد تثبیت فرموده بودند، چطور ایشان در آن محیط رسیده با ایجاد فضای رواداری کوشیدند و به برقراری امن در آن جامعه چه اهدافی در نظر داشتند تا هم در جامعه امن برقرار گردد و هم شرف انسانیت پدید آید-

ایشان به مدینه رسیده قراردادی که با یهودیان منعقد فرمودند چند شرایط آن بدین ترتیب بود-

(۱) مسلمان و یهودی با همدردی و خلوص بهم زندگانی کرده و برهم دیگر مظلوم و تجاوز به کار نخواهند گرفت- (با این وجود که یهودیان همیشه این ماده پیمان را نقض میکردند اما بعکس ایشان سلوک با احسان میفرمودند- عاقبت چون کار به آخر رسید اقدامات شدیدی بر یهودیان ناگزیر گردید-)

(۲) شرط دوم این بود که هر ملت با آزادی مذهبی برخوردار خواهد بود (علیرغم اینکه مسلمانان در اکثریت اند شما در دین خود آزاد هستید-)

(۳) شرط سوم این بود که جان و مال همه شهروندان محفوظ داشته و ایشان احترام کرده خواهند شد مگر آنکه مرتکب مظالم و جرم شود (در این مورد هم هرگز تفریق نیست تا مرتکب جرم کسی مسلمان باشد یا غیر مسلمان او مجازات خواهد شد- نگهداری تکلیف مشترک است، کار دولت است-)

(۴) اینکه مرافعه هرگونه مشاجره و تنازع به رسول الله ﷺ برده خواهد شد و داوری بمصدق حکم خدائی انجام خواهد گرفت- (و حکم خدائی را تعریف اینست که قضاوت در خور شریعت هر ملت مربوطه انجام گیرد- مرافعات بهر حال به آنحضرت ﷺ برده خواهند شد چه آنها گمگم گردون اقتدار دولت ایشان بودند- از اینرو مرافعه نهادن از آن ایشان بود- اما مرافعه در خور شریعت مربوط نهاده خواهد شد- چون بعض دادنامه ها بر یهودیان بمصدق شریعت آنها صدور یافته بود در مورد آنها مسیحیان و دیگر خرده گیران امروزه

ایراد میگیرند که ظلم شده بود - در حالیکه محاکمه و قضاوت به خواسته خود آنها و فراخور شریعت آنها انجام گرفته بود-)

باز شرطی است که هیچ یک گروه بلا اجازه رسول الله (ﷺ) به جنگ بیرون نخواهد رفت - بدلیل زندگی کردن در سرزمین دولت پی بندی به فرامین دولت الزام آور است -

( اینک این یکی شرط برگروه های جهادی در حال حاضر نیز قابل اجراء و رهنمون است که آنها بلا مجوز بدست از دول حاکم بر آنها مجاز به انجام هیچگونه جهاد نیستند بجز آنکه مشمول نفقات ارتش آن کشور قرار گیرند و اگر ارتش آن کشور به جنگ افتد آنگاه کار صواب است - )

سپس شرط این بود که اگر قومی بر علیه یهودیان و مسلمانان دست به نبرد زند آنان پشتیبانی همدیگر بپا خواهند شد - (یعنی در صورت جنگ با هیچ یک از ایندو گروه، دومی یاری خواهد داد و در صورت صلح با دشمن اگر به مسلمانان و غیر مسلمانان منفعتی بحاصل آید بهر یک سهم متناسب خواهد رسید) -

باز اینکه اگر یکی بر مدینه حمله آورد همه به مقابله آن خواهند پرداخت -

بعلاوه یکی شرط عبارت از اینست که هیچگونه کمک یا پناه از سوی یهودیان به قریش مکه و هواداران آنها داده نخواهد شد - (چه این مخالفین مکه بودند که مسلمانان را از آنجا بغربت فرستاده و مسلمانان در اینجا پناهنده

شدند- بنا بر این شهروندان این حکومت با آن قوم دشمن هیچ پیمانی نمیتوانند ببندند و نه هیچ گونه کمک خواهند گرفت)-

هرملت متحمل هزینه های خود خواهد شد- از روی این پیمان هیچ یک ستمکار، گناهکاریا مفسد محفوظ نخواهد بود از اینکه به مجازات نرسد یا اینکه از او انتقام گرفته نشود- ( بطوریکه در پیش نیز گذشته است هر که ستمکار، گناهکار باشد و اشتباه کند بهر تقدیر او باز داشت و مجازات شود و این بلا تفریق اعم از این که کسی مسلمان است یا یهودی یا دیگر، به عمل خواهد آمد)-

(مقتبس از سیرت خاتم النبیین- نویسنده حضرت میرزا بشیر احمد صفحه ۲۷۹-)

سپس به برقراری رواداری مذهبی ایشان هیأت نجرانی را برای عبادت در مسجد نبوی اجازه دادند و آنها عبادت خود را روبرو به مشرق کرده انجام دادند- صحابه خيال داشتند که اینطور نشود ولی ایشان فرمودند، فرقی ندارد-

باز امان نامه ای که ایشان علیه السلام به شهروندان نجران دادند ذکر از آن نیز یافت میشود- طبق آن ایشان بعهده گرفته بودند که از مرزهای مسیحیان (که از نجران آمده بودند) با ارتش مسلمان نگهبانی خواهد شد- و اینکه حراست کلیساها، معبدها و مسافر خانه هایشان اعم از اینکه در جاهای دورادور یا واقع در شهرها، مناطق کوهستانی یا جنگلها باشند عهده داری مسلمانان خواهد بود و آزادی عبادت آنها را محافظت نیز بر مسلمانان

بفرض است و آنحضرت ﷺ فرمودند چون آنها اکنون اتباع دولت اسلامی شده اند لذا حفاظت آنها از اینرو نیز بر من بفرض است -

در ادامه است که مسلمانان ایشان (یعنی نصاری) را بدون رضایت آنها مشمول عملیات جنگی خود نخواهند دانست - کشیشان و رهبران دینی آنها بر هر منصب و سمتی باشند از آنجا معزول نخواهند شد - کار خود را مطابق معمول ادامه خواهند داد - معبدهایشان دخالت کرده نخواهد شد - آنها هرگز مورد استفاده قرار نخواهد گرفت - آنها به عنوان سرای به علامت منزلگاه و یا برای مقاصد دیگری بدون اجازه ایشان بکار گرفته نخواهد شد - دانشمندان و کشیش هایشان هر کجا باشند از ایشان جزیه و خراج گرفته نخواهد شد - اگر چنانچه یکی مسلمان رازن مسیحی باشد آزن عبادت گزاری را بطریق خود اختیار کامل خواهد داشت - اگر احدی میخواهد به پرسش مسأله دینی پیش علمای خود برود، او مجاز است - ایشان در مورد تعمیرات کلیساها و غیره فرمودند که اگر آنها از مسلمانان کمک مالی و اخلاقی بخواهند، مسلمانان باید کمک کنند - چون این امر نیکویست و این بعنوان وام و منت نخواهد بود - بلکه اقدامی به استواری این پیمان خواهد بود بدین نشانه که فعالیتهای اینگونه به بهبود روابط اجتماعی و به کمک همدیگر انجام داده شود -

(مقتبس از زاد المعاد فی هدی خیر العباد - فصل فی قدوم وفد نجران)

پس ملاک عمل ایشان ﷺ بجهت برقراری آزادی و رواداری دینی  
براین سبیل بود. با این وجود برایشان ﷺ اتهام مظالم و گستریدن اسلام با  
شمشیر را بستن حرکت نهایت ظالمانه است.

حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام میفرماید:  
”پس درحالیکه اهل کتاب و مشرکان عرب نهایت بدکردار شده بودند و با  
ارتکاب بدی میدانستند که ما نیکوکاری کرده ایم و از جرائم باز نمیماندند و  
در راه امن و امان عامه خلل میافکندند آنگاه خدایتعالی عنان حکومت  
بدست پیغمبر خود سپرده و خواست تا مساکین را از دست آنها برهاند.  
و چون سرزمین عربستان مطلق العنان بود و آن مردم زیر دست هیچکدام  
پادشاهی نبودند بنابراین هریک فرقه زندگی را با نهایت بی قیدی و دلیری  
بسر میکرد“ (هیچگونه قانون نبود زیرا زیر دست کسی نبودند) ”و چون برای  
آنها هیچ قانون کیفری نبود برای این آنها روز بروز در جرائم پیشروی  
میکردند. پس خدایتعالی بر آنها ترحم نموده... آنحضرت ﷺ را به آن سر  
زمین نه تنها بعنوان پیغمبر فرستاد بلکه پادشاه آن کشور نیز برگماشت  
و قرآن شریف را بصورت قانونی بکمال رساند که دارای هدایات در امور  
حقوق مدنی، جزایی و دارائی، بود. پس آنحضرت ﷺ بعنوان یک پادشاه  
حاکم همه فرق بودند و مردم هردینی مراعات خویش را داد خواهی از  
ایشان مینمودند.

از روی قرآن اثبات میشود که یکبار یکی مسلمان و یهود را مرافعه در دادگاه آنجناب علیه السلام برده شد. پس از رسیدگی یهودی را راست قرارداد و مسلمان را محکوم کردند“ (در این مورد ذکر اخیراً کرده ام) پس بعض مخالفانی نادان که قرآن شریف را با دقت فکر نمیخوانند و هر یک سمت و منصب را زیر رسالت آنحضرت علیه السلام قلمداد میکنند حالانکه اینگونه مجازات به عنوان خلافت یعنی پادشاهت داده میشود“ (یعنی این کار دولتی است) -

”بنی اسرائیل را پس از حضرت موسی پیغمبر جدا و پادشاهان جدا بودند که امن و امان را با سیاست مداری برقرار میداشتند. اما در زمان آنحضرت علیه السلام خدایتعالی این هر دو مقام به آنجناب“ (یعنی آن حضرت علیه السلام) ”عطا کرد و طریق رفتار با مردم بجز مجرمانی پیشه و راز روی این آیت آشکار میگردد: **وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ ءَاسَلَمْتُمْ - فَإِنْ أَسَلَمُوا فَقَدِاهْتَدَوْا - وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلْغُ** (الجزو شماره ۳ -

سوره آل عمران) ۱- وای پیغمبر بگو به اهل کتاب و جاهلان عرب، آیا شما در اسلام داخل میشوید؟ پس اگر اسلام آورند پس هدایت یافتند و اگر روی برتابند آنگاه بر تو فقد اینست که فرمان الهی را برسانی. در این آیت نوشته نشد که الا این با آنها جنگ کنی. پس پیدا آمد که جنگ تنها با آن مجرمان عادی بود مسلمانان را میکشند و درامن و امان شامل خلل می

افکندند و در دزدی و رهنزنی اشتغال داشتند و جنگ بعنوان پادشاه بود و نه از جهت رسالت“ (بعنوان گردون اقتدار حکومت جنگ میکردند و نه زیرا که پیغمبر بودند) ”بطوریکه خدایتعالی میفرماید:

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا. إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ  
 الْمُعْتَدِينَ (الجزو شماره ۲- سورة البقرة) (۱). (ترجمه) شما جنگ کنید در راه  
 خدا به آنها که بشما جنگ کنند یعنی با دیگران کاری نداشته باشید و تجاوز  
 نکنید. خدا متجاوزان را دوست ندارد.“

(چشمه معرفت - روحانی خزائن - جلد ۲۳ - صفحه ۲۴۲ - ۲۴۳)

پس آن نبی پاک ﷺ که بر او این شریعت نازل شد چطور ممکن است که او احکام نازل شده بر خود را تجاوز کند. ایشان ﷺ هنگام تسخیر مکه بلا شرط عفو عمومی را اعلام کرده بودند که به اسلام داخل شده در امان میشوند. در این مورد ذکر از یکی مثل کرده ایم - این اعلام را اشکال مختلفی بود. البته در هیچ جای این قید نبود که حتماً اسلام آورید تا عفو کرده شوید. اعلام عفو عمومی بصورت رفتن و داخل شدن به جاهای مختلف و درآمدن زیر پرچم یکی، رفتن بخانه کعبه و داخل شدن بخانه کسی، قابل اجراء بود.

و این مثل آنقدر اعلای بود که در جای دیگر دیده نمیشود- کاملاً اعلام فرمود که لَا تَثْرِيْبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ - که بروید امروز بر شما هیچ مواخذه نیست- هزارها درود و سلام بر ایشان ﷺ که نمونه های کردار اعلای را پدید فرموده به ما نیز بدین امر تعلیم فرمودند-  
 خدایتعالی به ما توفیق بخشد تا بر این عمل کنیم-

\*\*\*\*\*